



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قاتون  
پروگرام ماستری و تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# تفسیر موضوعی سوره الواقعة

رساله ماستری

محصل: محمد نذیر "فرقانی"  
استاد رهنما: پوهاند دکتور محمد اسماعیل "لبیب، بلخی"

سال ۱۳۹۹ هـ ش - ۱۴۴۲ هـ ق



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# تفسیر موضوعی سوره الواقعة

رساله ماستری

محصل : محمد نذیر " فرقانی "

استاد رهنما : پوهاند دکتور محمد اسماعیل " لیبیب ، بلخی "

سال 1399 هـ ش - 1442 هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارټمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

## تصدیق نامه

محترم محمد نذیر ولد محمد ضمیر ID: نمبر SH-MST-98-510 محصل دور پنجم تفسیر و حدیث  
که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: تفسیر موضوعی مسوره الواقعة  
په روز دوشنبه ۸ تاریخ ۱۳/۸/۱۴۰۱ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس  
بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۲ (نمره به عدد) لوډوډو (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور نصرمن الله مجاهد	عضو هیات	
۲	دکتور عبدالباری حمیدی	عضو هیات	
۳	دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

معاون علمی

امر بورده ماستری

## اهداء

این رساله را به والدین گرامی ام که همیشه در طول سالیان متمادی بنده را تشویق و ترغیب به درس و تعلیم نموده اند تقدیم می دارم .

همچنان به روح کاکای مرحوم شهید ( قاری محمد حافظ ) کسی که نهال عشق محبت با درس دین را در قلبم غرس نموده تقدیم میدارم.

همچنان به همه دوستانی که در راستای تعلیم و تحصیل بنده را تشویق نموده و با حرف های گرانبهای خویش باعث بیشتر تلاش برای کسب علم شده اند علی الخصوص برادر بزرگم که همواره نصیحت گر خیر خواه و دلسوز برای بنده بوده است.

برای همه اساتیدم که دائماً در بزم بست ها کنارم بوده و ما را تنها رها نساخته و همیشه موید ما بوده اند. و در خصوص جناب قاری صاحب عبدالصیر فرقانی که همه آنچه بدست دارم زحمات بیکران ایشان در قبال پیشرفت تعلیمی و تحصیلی فکری بنده می باشد.

برای همه شهدای که به خون رنگین شان دین و وطن آزاد را برای ما به ارث گذاشتند.

برای همسر گرامی ام و فرزند عزیزم تقدیم می دارم.

به همه دوستانی که به امید سعادت و کامیابی ابدی و سر بلندی دنیا تلاش به خرج دادند تا علم و تحصیل ایشان سرمایه ی برای نسل های بعدی بجا ماند.

## سپاس گزاری

در ابتداء از ایزد منان شکر گزاری می نمایم که این بنده حقیر را به بندگی خود پذیرفته و به من توفیق تحصیل علم کلام خویش را نصیب فرموده است. و تشکری می نمایم از استاد گرانقدرم عالم متبحر سرمایه معنوی کشور استاد بخش ماستری تفسیر و حدیث پوهنتون سلام جناب پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبب بلخی که با لطف و مرحمت خویش در راستای اشراف و رهنمایی نوشتن پایان نامه تحصیلی با چهره گشاده و دلسوزانه وقت گرانبهایی خویش را در اختیار من گذاشته و از هیچ کمک در راستایی ترتیب پایان نامه تحصیلی تحت عنوان ( تفسیر موضوعی سوره الواقعة) دریغ نرزیده است.

همچنان از اساتید گرانقدرم که در طول دوره ماستری افتخار شاگرد بودن شان را دارم قدردانی می نمایم که هر یک به اندازه توان و به اساس خواسته ایمانی و وظیفوی خویش از هیچ گونه رهنمایی دریغ نرزیدند حتی اگر در ضیق ترین اوقات شان بوده و یا هم مصروفیت داشته اند.

همچنان قدر دانی می نمایم از حکومت جدید امارت اسلامی افغانستان که دامن اشغال را از سرزمین ما برچیده و فرصت نفس کشیدن در آزادی وطن را برای ما با زحمات شبانه روزی به ارمغان آوردند. و سپاس گزاری می نمایم از وزارت محترم جلیله تحصیلات عالی برای فراهم ساختن زمینه خوب تحصیلی برای هموطنانم ، وتاجایکه در جریان قرار داریم اقدامات لازم را برای رونق بخشیدن بخش تحصیلات عالی کشور در پیش دارند امیدوارم هرچه سریع تر به آن دست پیدا نمایند.

همچنان از همه دوستان و عزیزانی که بنده را در راستای ترتیب نمودن این رساله کمک مادی و معنوی نموده اند نیز از صمیم قلب تشکری می نمایم.

## خلاصه بحث

تفسیر موضوعی سوره واقعه مهم ترین موضوعات ایمانی را مورد بحث قرار داده که عبارت از معاد است ، موضوعی که پذیرفتن آن جز از ارکان ایمان است، این بحث در ابتداء سوره واقعه در اصل به پنج بخش تقسیم می شود : مقطع اول وقوع قیامت و حالت جهان هستی ، مقطع دوم : احوال انسان ها و نعمت ها و عذاب های مربوط به آنها ، مقطع سوم : دلایل آفاقی و انفسی برای اثبات قیامت ، مقطع چهارم : بیان صدق قرآن کریم نسبت به اخبار وقوع قیامت ، مقطع پنجم : قیامت صغری و یا احتضار دلیل بر وقوع قیامت کبری می باشد.

سوره مبارکه الواقعة چنانکه از متن بحث هم دانسته می شود به پنج بخش تقسیم می شود که ابتداء وقوع قیامت را بیان میدارد ، و در ثانی تقسیم انسان ها را به اصناف ثلاثه که دو گروه آن به بهشت و گروه سومی سر انجام به جهنم پرت خواهند شد، بیان گردیده است ، انسان های که در دنیا قیامت را محال دانسته و آنها را با تکبر و یا از روی جهل و نادانی انکار می کنند با دلایل آفاقی و انفسی متوجه این امر می سازد و برای واضح ساختن این موضوع چهار دلیل واضح که انسان همیشه با آن سر و کار دارد بیان می کند که عبارت از ، دلیل اول: خلقت شخص انسان است از چه آفریده شده و چه کسی در آفرینش آن نقش داشته ، دلیل دوم : زرع و حرث است که انسان در زمین تخم خشکیده حبوبات را پاش می دهد و این کسی دیگری است که از آن دانه خشکیده گیاه سبز و خرمی می رویاند ، دلیل سوم: نزول آب است که بدون هیچ گونه تأثیر گزاری از طرف انسان این آب از ابر ها می ریزد و خود انسان حیوانات و نباتات از آن استفاده نموده و مشکل خویش را مرفوع می سازند ، و دلیل چهارم : آتش است که همه پیشرفت های بشر به آن تعلق داشته و وسیله خوب برای تساهل در امور زندگی انسان است ، این آتش از درخت سبز بوجود می آید که انسان در تهیه نمودن مواد آتشین نقشی نداشته ولی از آن استفاده اعظمی نموده است . این چهار دلیل واضح است که ای انسانمانندی که در پیدا نمودن این عناصر زندگی خود نقشی نداری و لی برایت مفید واقع شده در قبال آخرت هم باید تفکر نمایی و آنها را بپذیری چون کسی که تورا آفریده و آتش و آب و گیاه را آفریده از آخرت خبر می دهد و با قول صادق تو را خطاب می کند پس باید به آن قانع شویی و آنها را بپذیری به یکتایی آن ذات قادر و توانا ایمان بیاوری و فراخوان آنها باور نمایی. و در اخیر سوره برای بهتر متوجه نمودن انسان دلایل از احتضار بیان میدارد که انسان ها چنانکه در قیامت به اصناف سه گانه تقسیم می شوند در دنیا و

در حال احتضار نیز این طریقه و روش عملی می گردد. انسانی که به رستاخیز و آخرت ایمان ندارد از حالت احتضار پند بگیرد چون با وصف آنکه خویش نزدیکش چشم از جهان می بندد شاید قدرت نظامی فوق العاده داشته باشد و یا هم ثروت و پول هنگفتی داشته باشد و یا هم قدرت مردمی و هواخواهان زیادی داشته باشد ولی وقتی مرگ به سراغش می آید دیگر هیچ کسی مانع شده نمی تواند حتی یک لحظه آنرا از این حالت نجات دهد ، پس به آیه دوم سوره بر می گردیم که الله متعال فرموده است : **لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ (2)** ترجمه: هیچ کسی مانع وقوع قیامت شده نمی تواند و هیچ کسی اعتراض بر وقوع قیامت کرده نمیتواند. پس در اخیر سوره با ترغیب به اینکه الله متعال را به پاکی یاد نماید همه را بسوی پذیرفتن و قبول وقوع قیامت فرا می خواند و با این آیه کریمه بحث سوره به اتمام می رسد: **(فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (96) ترجمه:** پس یاد کن پاکی پروردگار بزرگت را . با این آیه سوره مبارکه به اتمام می رسد . در نتیجه میتوان یاد آور شده که در کل بحث تفسیر موضوعی جالب ترین و آسان ترین راه برای رسیدن به مطلب می باشد و این سوره با دلایل قاطع و واضح همه امورات مربوط به قیامت از ابتداء وقوع الی نتیجه انسان ها همه را یکایک بیان داشته است که از متن خود این رساله دانسته می شود ، و در اخیر الله متعال این رساله را سبب خیر برای من و برای همه خواننده گان گرامی گرداند، و من الله توفیق.

واژه های کلیدی : تفسیر ، موضوعی ، قیامت ، الواقعة ، توحید.



## فهرست مطالب

اهداء.....	أ.....
سپاس‌گزاری.....	ب.....
خلاصه بحث.....	ت.....
فهرست مطالب.....	ج.....
مقدمه.....	1.....
اهمیت موضوع.....	2.....
سوالات تحقیق.....	3.....
1. سوالات اصلی تحقیق.....	3.....
2. سوالات فرعی تحقیق.....	3.....
پیشینه تحقیق:.....	4.....
خطه بحث.....	7.....
تمهید.....	10.....
موضوع اول: معرفی تفسیر موضوعی.....	11.....
فرع اول: تعریف تفسیر موضوعی در لغت و اصطلاح.....	11.....
فرع دوم: منشأ تفسیر موضوعی.....	14.....
فرع سوم: اهمیت تفسیر موضوعی.....	16.....
موضوع دوم: معرفی سوره واقعه.....	17.....
فرع اول: نام سوره مبارکه واقعه و وجه تسمیه آن.....	17.....
فرع دوم: فضایل سوره.....	20.....
فرع سوم: اسباب نزول سوره واقعه.....	22.....
فرع چهارم: محل نزول سوره واقعه.....	24.....
فرع پنجم: ترتیب نزول سوره، تعداد آیات کلمات و حروف.....	26.....
فرع ششم: خصایص سوره واقعه.....	27.....
فرع هفتم: مضمون و محتوای سوره واقعه.....	29.....
فرع هشتم: محور سوره مبارکه واقعه.....	30.....
فرع نهم: مناسبت‌های سوره واقعه.....	31.....
مقطع اول سوره مبارکه واقعه.....	38.....
وقوع قیامت و حالت و اوضاع جهان هستی از آیه اول الی ششم (1-6).....	38.....
موضوع اول: مناسبت‌های این مقطع.....	38.....
فرع اول: مناسبت این مقطع با مقطع اخیر سوره قبلی.....	38.....

39	فرع دوم : مناسبت این مقطع با محور سوره.
40	موضوع دوم : تفسیر اجمالی این مقطع و توضیح واژه ها
40	فرع اول: ترجمه تحت اللفظی آیات این مقطع.
40	فرع دوم: تفسیر اجمالی.
41	فرع سوم: توضیح برخی کلمات این مقطع.
44	فرع چهارم : توضیح بعضی موضوعات این مقطع .
57	موضوع سوم : درس ها و اندرز های مستفاد از این مقطع.
58	مقطع دوم سوره مبارکه واقعه.
58	تقسیم افراد انسان ها به سه گروه، نعمت ها و عذاب های مربوط به آنها از آیه (7-56)
58	موضوع اول: مناسبت های این مقطع.
58	فرع اول: ربط مقطع با محور سوره.
59	فرع دوم : ربط این مقطع با مقطع قبلی
60	موضوع دوم: تفسیر اجمالی و توضیح واژه ها
60	فرع اول: ترجمه تحت اللفظی آیات این مقطع.
62	فرع دوم : تفسیر اجمالی.
63	فرع سوم : توضیح برخی از واژه ها
66	فرع چهارم : توضیح و بیان برخی از موضوعات مهم این مقطع
96	مقطع سوم.
96	دلایل عقلی و انفسی برای اثبات توحید و قیامت (57-74)
96	موضوع اول: مناسبت های این مقطع
96	فرع اول : ربط مقطع با مقطع قبلی
97	فرع دوم : مناسبت مقطع با محور سوره
98	موضوع دوم: تفسیر اجمالی این مقطع و توضیح واژه ها
98	فرع اول: ترجمه تحت اللفظی آیات این مقطع.
99	فرع دوم: تفسیر اجمالی.
100	فرع سوم: توضیح بعضی کلمات این مقطع.
103	فرع چهارم: توضیح و بیان برخی از موضوعات مهم این مقطع
103	دلیل اول : آفرینش انسان
105	دلیل دوم: رویانیدن گیاه
107	دلیل سوم: فرود آوردن آب گوارا از آسمان.
109	دلیل چهارم: ایجاد آتش از درخت سبز و تازه.
110	موضوع سوم: درس ها و اندرز های مستفاد از این مقطع
113	مقطع چهارم.

113	حقانیت قرآن کریم و صدق اخبار آن در مورد قیامت از آیه (75-80)
113	موضوع اول: مناسبت های این مقطع
113	فرع اول: ارتباط این مقطع با مقطع قبلی
114	فرع دوم: مناسبت این مقطع با محور سوره
114	فرع سوم: سبب نزول آیات (75 الی 81) سوره واقعه
115	موضوع دوم: تفسیر اجمالی این مقطع و توضیح واژه ها
115	فرع اول : ترجمه تحت الفظی آیات این مقطع
118	فرع سوم: لغات مربوط این مقطع
119	فرع چهارم: توضیح بعضی موضوعات این مقطع
130	موضوع سوم: برخی از احکام فقهی درین مقطع
130	فرع اول: سوگند ( قسم ) یاد کردن به الله و غیر الله
134	فرع دوم: مس مصحف قران کریم
137	موضوع چهارم: درس ها و اندرز های مستفاد از این مقطع
139	مقطع پنجم
139	قیامت صغری (احتضار) دلیل بر وقوع قیامت کبری می باشد
139	موضوع اول : مناسبت های این مقطع
139	فرع اول : ارتباط مقطع با مقطع قبلی
139	فرع دوم : ارتباط مقطع با محور سوره
140	موضوع دوم : تفسیر اجمالی و توضیح واژه های این مقطع
140	فرع اول : ترجمه تحت الفظی آیات این مقطع
141	فرع دوم: تفسیر اجمالی
141	فرع سوم : لغات مربوط این مقطع
143	فرع چهارم : حالات سه گانه احتضار
149	موضوع سوم : درس ها و اندرز های این مقطع
151	نتیجه گیری
153	پیشنهادات
154	فهرست آیات
161	فهرست احادیث
164	فهرست اعلام
166	فهرست منابع

## مقدمه

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا، ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه وسلم تسليماً.

اما بعد:

قرآن کریم بحیث دستور العمل زندگی برای انسانیت دارای چهارچوب منظم است تا انسان ها در هر سطح که بوده از آن استفاده اعظمی نمایند، انسان بحیث مخاطب قرآن کریم مسؤلیت دارد تا در عرصه یادگیری مضامین قرآن کریم نهایت تلاش بخرج دهد تا بتواند در روشنی ارشادات ناب آن زندگی خویش را بسوی سعادت ابدی سوق دهد.

تفسیر موضوعی قرآن کریم یکی از ابزار تسهیل کننده این هدف است که همه میتوانند در راستای اخذ دستور و انگیزه از آیات قرآن کریم از آن استفاده نمایند. تفسیر و بیان پیام ها و دساتیر قرآن کریم بشکل منظم و طبق منهج برگزیده شده مفسرین و علماء جهان اسلام یک عمل بی نهایت گرامی بشمار می رود، اینجانب نیز به پاس مسؤلیت پذیری ایمانی و قرار گرفتن در صف شاگردان مکتب قرآنی و از سوی دیگر مسؤلیت نوشتاری پایان نامه تحصیلی یکی از سوره های قرآن کریم را به اساس منهج تفسیر موضوع که عبارت از سوره الواقعة است بدوش گرفته ام ، تا از یک طرف مسؤلیت ایمانی خویش را ادا نموده باشم و از سوی دیگر بتوانم پایان نامه خویش را برای به اتمام رسانیدن دوره تحصیلی ماستری ( کارشناسی ارشد) به نگارش در بیارم.

بحثی که در اختیار شما قرار دارد تفسیر موضوعی سوره الواقعة است که به اساس منهج تفسیر موضوعی نبشته شده، دارای پنج مقطع بوده که چرخش کلی موضوع روی اثبات وقوع قیامت می باشد. که بحث های چون وقوع قیامت ، تقسیم افراد انسان به سه دسته و گروه: اصحاب الیمین ، اصحاب الشمال ، وسابقین ، همچنان دلایل عقلی و انفسی برای اثبات قیامت ، صدق اخبار قرآن کریم در مورد قیامت و رستاخیز ، و نمونه بارز وقوع قیامت احتضار است که خود بیان گر وقوع قیامت می باشد، چرخ می زند.

## اهمیت موضوع

موضوع مورد بحث از چند نگاه حائز اهمیت است که در ذیل به آن اشاره خواهیم کرد.

- 1- قرآن دارای سه اصل بوده که عبارت از توحید رسالت و معاد می باشد و سوره مبارکه الواقعة بیان گر سومین اصل اسلام است که تمام بحث سوره از ابتداء الی انتها بیان حقیقت وقوع قیامت است و برای به اثبات رسانیدن این نظریه به شیوه های مختلف دلایلی را پیش می کند.
- 2- درکل منهج تفسیر موضوعی قرآن کریم سهل ترین راه برای درک مسائل قرآنی است که بنده با بحث و کند کاوی در یکی از سوره های قرآن کریم خواستم تا بتوانم صدای رسای قرآن را به قلم خویش به طریقه آسان و ساده به سمع مسلمانان که ازین بحث علمی استفاده نمایند برسانم.
- 3- سوره واقعه چنانکه قبلاً بیان شده محور اصلی آن بیان وقوع قیامت است که همه موضوعات مربوط به قیامت را بحث می کند ، و شکوک و شبهاتی که در مورد وقوع قیامت ایجاد می شود همه را با دلایل پاسخ داده است ، پس اگر کسی با سوالی در مورد وقوع قیامت برخورد میتواند بحیث یکی از مصادر علمی ازین بحث استفاده نماید.
- 4- این بحث میتواند مشتمل کوبنده به ذهن آن کسانی که در مکتب مستشرقین درس خوانده و تعلیم نموده و برای ضعیف جلوه دادن مصدر اصلی اسلام که عبارت از قرآن کریم است شبهات ایجاد می کنند مانند : (اینکه قرآن کتاب الله جل جلاله نبوده بلکه دست ساخته بشر است و در آن تناقضات و نقایص زیادی دیده می شود). ولی وقتی سوره واقعه مورد مطالعه قرار گیرد درک می شود که هیچ تناقض و نقص در ترتیب کلمات، و جملات، موضوعات قرآن دیده نمی شود و همه با هر قانون نوشتاری برابر است و حتی که بالاتر از آنچه بشر برای ترتیب دادن مباحث علمی بکار می گیرد نوشته شده و هیچ ایرادی نمیتوان بر آن گرفت.
- 5- قرآن کریم دستور العمل اساسی برای مسلمانان است و دانستن موضوع مقاصد و اهداف هر آیه آن برای مسلمانان لازمی میباشد، پس سوره واقعه از جمله سوره های قرآن بوده که در آن بخشی از مقاصد قرآن بیان شده است که آگاهی در مورد آن ضروری میباشد.
- 6- قرآن کریم کتاب الله و غیر قابل تحریف و یا فرسوده شدن است پس در هر مقطع زمان ضرورت است تا از آن بحیث دستور عملی کار گرفت که سوره واقعه در بر گیرنده جوابات انسان ها پیرامون معاد و رستخیز است و به آن پاسخ روشن دارد.

7- آگاهی در مورد دستورات قرآن کریم ضرورت دنیوی و عقبی هست، سوره واقعه بخش مهم از اساسات ایمان را بحث میکند که آگاهی در مورد آن برای هر مسلمان از ضروریات میباشد.

### اسباب اختیار موضوع

1. برای فارغ شدن از یک دوره تحصیلی بصورت معمول یک اصل می باشد تا تحقیقی پیرامون موضوعی مشخص به شیوه تحقیق علمی نگاشته شود ، بنده نیز با در نظر گرفتن این مسؤلیت این بحث تحت عنوان تفسیر موضوعی سوره الواقعة اختیار نموده ام.

2. ابودرداء<sup>1</sup> رضی الله عنه فرموده است : ( كُنْ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا أَوْ مُحِبًّا أَوْ مُتَّبِعًا , وَلَا تَكُنِ الْخَامِسَ فَتَهْلِكُ. قَالَ: قُلْتُ لِلْحَسَنِ: مَنْ الْخَامِسُ؟ قَالَ: الْمُبْتَدِعُ )<sup>2</sup> ترجمه: عالم به قرآن شو ، یا شاگرد قرآن شو، یا دوست دار قرآن باش، یا تابع قرآن شو، پنجمین گروه نباش چون هلاک خواهی شد ، گفت، گفتم برای حسن که پنجمین گروه چه کسانی اند ؟. گفت بدعت کاران (کسانیکه در دین چیز های جدید ایجاد می کنند که از دین نیست). به اساس این گفته عالم بزرگوار صحابی جلیل القدر به اساس نبشته هاذا قصد دارم تا در جمله شاگردان قرآن و محبین قرآن کریم قرار گیرم.

3. به هدف غنای علمی بنده و اینکه با اشراف جناب استاد بزرگوار بتوانم این مرحله را به کمال برسانم تا شود که به اساس همین تحقیق بسیاری از سوره های قرآن کریم را نوشته و تحقیق نمایم.

### سوالات تحقیق

سوالات تحقیق به دو بخش تقسیم می شوند: 1- سوالات اصلی تحقیق 2- سوالات فرعی.

#### 1. سوالات اصلی تحقیق

- 1- سوره واقعه چه موضوعات را در بر گرفته و بحث میکند؟.
- 2- بیان مقاصد الهی در مورد قیامت از خلال سوره واقعه؟.

#### 2. سوالات فرعی تحقیق

- 1- آیا قیامت و منظر آن خیال هست و یا حقیقت؟.

1- ابو در داء

2- المدخل الی سنن الکبری. البیهقی ، احمد بن الحسین بن علی بن موسی الخسروجردی الخراسانی، ابوبکر. متوفی(458هق). تحقیق: د محمد ضیاء الرحمن الاعظمی. ناشر: دار الخلفاء للکتاب الاسلامی، کویت. تعداد اجزاء ( 1). ص269

2- نتیجه ایمان آورنده گان و منکرین در قیامت چه خواهد شد؟.

3- مناسبت سوره واقعه با سوره ماقبلش چگونه هست؟.

### پیشینه تحقیق:

تفسیر موضوعی ریشه دیرینه داشته که به زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم بر میگردد چون پیامبر صلی الله علیه وسلم بعضی اوقات آیات قرآن کریم را با بعضی دیگر تشریح و تفسیر مینماید و همچنان بعضی از علماء در تفاسیر خود از تفسیر قرآن بالقرآن استفاده نموده اند که این خود بیان گر ریشه تفسیر موضوعی در تاریخ است ولی به این شیوه و قواعدی که امروز مروج هست زمان کمی میشود که مردم با آن آشنایی دارند .

باوصف آنکه تفسیر موضوعی تاریخ زیادی را سپری نکرده ولی برای اینکه سهل ترین راه برای فهم قرآن است و امروز به این منهج همه روی آورده و آنرا با جان دل میپذیرند و در مراکز اکادمیک دانشمندان در این زمینه مقالات و تحقیقاتی را انجام میدهند که مابعضی از آثار آنرا در دست رس داریم ولی هنوز زمان زیادی را خواهد گرفت تا درین عرصه نوشته ها و تحقیقات گسترده صورت گیرد.

در مورد پیشینه تحقیق باید بگویم که من در راستای اینکه آیا قبلاً کسی به زبان فارسی (دری) تحقیقی در مورد تفسیر موضوعی سوره واقعه نوشته باشد جستجو نمودم و هیچ اثری پیدا نکردم به بسیاری از کتاب خانه های شهر کابل سر زدم ولی هیچ اثری که درین رابطه نوشته شده باشد دریافت نکردم ، همچنان به کتاب خانه های الکترونی هم مراجعه نمودم ولی چیزی نتوانستم بدست آورم ؛ و حتی در آثار عربی نیز جز یک تفسیر که جمع از علماء تحت نظر استاد مصطفی مسلم بنام **(التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم)** ترتیب داده اند و در آن سوره واقعه به مانند سوره های دیگر قرآن کریم بطور مختصر تفسیر موضوعی شده است و بس. و همچنان تحقیق دیگری که صورت گرفته رساله ماستری است عبارت از **(التناسق الموضوعی فی سورة الواقعة)** از احمد بن محسن بن علی العبیدی میباشد؛ منهج تفسیری که من داشتم بر آن تحقیق می نمودم با منهج این تحقیق تفاوت داشت و همچنان مباحث و مطالبی که من در خطه خود به آن اشاره نموده بودم نیز تفاوت داشت ولی بعضی از موضوعات حسب ضرورت نیز از آن استفاده نموده ام. و نیز از کتب معتبر تفسیری جهان اسلام استفاده نموده بعضی از نکات و اشارات مهم از خود در آن اضافه نموده ام.

## روش تحقیق

در راستای تحقیق و تدوین این بحث علمی از روش تفسیر موضوعی استفاده نموده ام ،

1. ابتداء خود منهج تفسیر موضوعی را بیان داشته و بعد آنچه که ضرورت بوده از جمله تعریف سوره ، نام سوره ، وجه تسمیه سوره ، اسباب نزول سوره ، مکی و مدنی بودن سوره ، تعداد آیات، کلمات و حروف سوره ، محور اصلی سوره ، و مناسبات سوره با سوره قبلی و مناسبت های مقاطع سوره واقعه را بایک دیگر بیان داشته ام.
2. سوره واقعه را به پنج مقطع تقسیم نموده ام ، و ارتباط هر مقطع را با محور سوره ، و ارتباط هر مقطع را با مقطع دیگر بطور واضح ذکر نموده ام. هر مقطع را به چند موضوع تقسیم نموده ام که هر موضوع دارای فروعات نیز میباشد. موضوعات مهم تفسیری را حسب ضرورت شرح داده و تفسیر نموده ، و برای هر مقطع درس ها و اندرز های برگرفته شده از مقطع را مفصلاً شرح داده.
3. در اخیر بحث خلاصه تفسیر سوره را بیان داشته. و نتیجه گیری بحث را بشکل فشرده درج نموده ام.
4. در اخیر کار فهرست را ذکر نموده که شامل فهرست آیات ، فهرست احادیث، فهرست اعلام میباشد آورده ام و با فهرست مأخذ و منابع این اثر علمی و تحقیقی را به پایان رسانیده ام.
5. در ترتیب این اثر علمی از منابع معتبر تفسیری کتب تفسیر علماء جهان اسلام استفاده نموده ام و برای غنا مندی بیشتر موضوع از کتب متعدد استفاده نموده ام.
6. در عرصه الفاظ آیات قرآن کریم طبق دستور جناب استاد گرانقدر ( داکتر محمد اسماعیل لیبیب بلخی) از پروگرام کمپیوتری مصحف المدینه استفاده نموده ام.
7. در قسمت ترجمه آیات از تفسیر نور اثر جناب شیخ مصطفی خرمدل استفاده نموده ام.
8. برای اینکه بتوانم احادیث را با یک روش خاص سلیس و آسان باشد از لغت نامه ها استفاده نموده و کتب ترجمه احادیث را نیز استفاده نموده ام ولی اکثر الفاظ را به زبان ساده خودم ترجمه نموده ام، تا آسان تر برای تفهیم باشد.
9. در قسمت آوردن احادیث تلاش نموده ام که از کتب معتبر حدیثی الفاظ حدیث را بیاورم و کوشش بخرچ دادم تا احادیث صحیح را در قبال موضوع خویش درج نمایم ولی از احادیث ضعیف نیز استفاده نموده ام تا خواننده محترم در مورد موضوع بحث احادیث صحیح و ضعیف هر دو را داشته باشد.



10. درجه احادیث و حکم بر آن، و همچنان تخریج حدیث را بیان داشته ام تا خواننده بتواند جزئیات حدیث را از منابع آن بدست آورد.

11. اعلام را حسب ضرورت معرفی نموده ام ولی بعضی آنها را برای اینکه از تطویل جلوگیری شود فقط به آوردن اسم آن اکتفا نموده ام .

## خطه بحث

### تفسیر موضوعی سوره واقعه

بحثی که من در مورد آن تحقیق کرده ام ، قرار ذیل میباشد: مقدمه ، تمهید، بیان اصل مسئله ، خلاصه بحث ، و نتیجه گیری.

**مقدمه:** درین قسمتی از بحث پیرامون تعریف موضوع ، اهمیت موضوع ، سبب اختیار موضوع ، غرض و هدف از موضوع مورد تحقیق ، سولات تحقیق اصلی و فرعی ، روش تحقیق، و پیشنهاد تحقیق به صورت مختصر و فشرده بحث صورت خواهد گرفت.

**تمهید:** درین بخشی از تحقیق در مورد آشنایی با تفسیر موضوعی و سوره مبارکه واقعه در موارد ذیل بحث صورت خواهد گرفت.

**موضوع اول:** معرفی تفسیر موضوعی: درین بخش پیرامون تفسیر موضوعی که دارای فروع متعدد بوده بحث مفصل خواهد گردید.

**موضوع دوم:** معرفی سوره واقعه . درین قسمت معرفی سوره واقعه و آنچه که در منهج تفسیر موضوعی به آن ضرورت است همه را به طور مفصل بیان نموده ام.

### اصل موضوع بحث و تحقیق

این سوره دارای پنج مقطع بوده که اصل و اساس موضوع تحقیق را در بر میگیرد که در ذیل به آن اشاره خواهیم کرد.

### مقطع اول از آیه (1) سوره الی (6).

### وقوع قیامت و حالت و اوضاع جهان هستی

**موضوع اول:** مناسبت های این مقطع. درین قسمت ارتباطات مقطع با محور سوره و با مقطع اخیر سوره قبلی بیان می گردد.

**موضوع دوم:** تفسیر اجمالی این مقطع و توضیح واژه ها. درین قسمت پیرامون تفسیر اجمالی مقطع و لغات مشکل این مقطع بیان می گردد.

**موضوع سوم:** درسها و اندرز های مستفاد ازین مقطع. درین جا درس های که از آیات این مقطع بر گرفته شده شماره وار بیان می گردد.

**مقطع دوم از آیه (7) الی(56).**

**تقسیم افراد انسان به سه گروه، نعمت ها و عذاب های مربوط به آنها،**

**موضوع اول:** مناسبت های این مقطع. درین قسمت ارتباطات مقطع با محور سوره و با مقطع قبلی بیان می گردد.

**موضوع دوم:** تفسیر اجمالی و توضیح واژه ها. درین قسمت پیرامون تفسیر اجمالی مقطع و لغات مشکل این مقطع بیان می گردد.

**موضوع سوم:** درس ها و اندرز های مستفاد از این مقطع. درین جا درس های که از آیات این مقطع بر گرفته شده شماره وار بیان می گردد.

### **مقطع سوم از آیه (57)سوره الی (74)**

#### **دلایل عقلی و انفسی برای اثبات توحید و قیامت**

**موضوع اول:** مناسبت های این مقطع. درین قسمت ارتباطات مقطع با محور سوره و با مقطع قبلی بیان می گردد.

**موضوع دوم:** تفسیر اجمالی این مقطع و توضیح واژه ها. درین قسمت پیرامون تفسیر اجمالی مقطع و لغات مشکل این مقطع بیان می گردد.

**موضوع سوم:** درس ها و اندرز های مستفاد از این مقطع. درین جا درس های که از آیات این مقطع بر گرفته شده شماره وار بیان می گردد.

### **مقطع چهارم از آیه(75) سوره الی (82)**

#### **حقانیت قرآن کریم و صدق اخبار آن در مورد قیامت**

**موضوع اول:** مناسبت های این مقطع . درین قسمت ارتباطات مقطع با محور سوره و با مقطع قبلی بیان می گردد.

**موضوع دوم:** تفسیر اجمالی این مقطع و توضیح واژه ها. درین قسمت پیرامون تفسیر اجمالی مقطع و لغات مشکل این مقطع بیان می گردد.

**موضوع سوم:** احکام فقهی درین مقطع

**موضوع چهارم:** درس ها و اندرز های مستفاد از این مقطع. درین جا درس های که از آیات این مقطع بر گرفته شده شماره وار بیان می گردد.

### **مقطع پنجم از آیه (83) الی (96)**

**قیامت صغری (احتضار) دلیل بر وقوع قیامت کبری می باشد**

**موضوع اول:** مناسبت های این مقطع. درین قسمت ارتباطات مقطع با محور سوره و با مقطع قبلی بیان می گردد.

**موضوع دوم:** تفسیر اجمالی این مقطع و توضیح واژه ها. درین قسمت پیرامون تفسیر اجمالی مقطع و لغات مشکل این مقطع بیان می گردد.

**موضوع سوم:** درس ها و اندرز های مستفاد از این مقطع. درین جا درس های که از آیات این مقطع بر گرفته شده شماره وار بیان می گردد.

**خلاصه بحث:** این مطلب مربوط به همه بحث که قبلاً در مورد آن سخن رفت بحث میشود و در آن خلاصه و فشرده بحث بیان میشود.

**نتیجه گیری:** درین قسمت نتیجه کاری که در طول زمان طولانی با انجام تحقیق بدست آمده میپردازیم و آنرا درین جا بطور مختصر درج خواهیم نمود.

**پیشنهادهای:** درین قسمت پیشنهادات که در عرصه پیشرفت علمی موثر و یا هم راحل برای مشکلات محصلین و عموم جامعه اسلامی نتیجه بخش باشد شماره وار بیان می گردد.

**فهرست آیات:** آیاتی که درین بحث و تحقیق به آن استناد شده را شماره وار بیان میدارد.

**فهرست احادیث:** احادیث مبارکه که درین بحث به آن استناد صورت گرفته را بیان

میدارد.

**فهرست اعلام:** علماء و دانشمندانی که نظریات ایشان در رابطه به موضوع ذکر شده

شهرت مکمل آنها بیان شده و درین جا به اساس حروف الفبا از آنها تذکر داده میشود.

**فهرست مأخذ:** فهرست مأخذ تمام آن مصادری که در ترتیب این بحث از آن استفاده شده

با نام و نویسنده آن طبق اصول نگارشی و مطابق نورمهای اکادمیک درج میشود.

تمهید  
مفاهیم کلی بحث  
معرفی تفسیر موضوعی  
معرفی سوره الواقعة

این بخش برای شرح و بیان موضوعات مقدماتی مانند تعریف ، تاریخچه تفسیر موضوعی ، و معرفی سوره واقعه اختصاص داده شده است ، که طی دو موضوع مسائل متعلق به آن مورد بحث قرار می گیرد.



## ب. تعریف تفسیر در اصطلاح

تفسیر در اصطلاح چنانکه علامه زرکشی رحمة الله علیه فرموده است: (هُوَ عِلْمٌ نُزُولِ الْآيَةِ وَسُورَتِهَا وَأَقْصِيصِهَا وَالْإِشَارَاتِ النَّازِلَةِ فِيهَا ثُمَّ تَرْتِيبِ مَكِّيَّهَا وَمَدَنِيَّهَا وَمُحْكَمِهَا وَمُتَشَابِهِهَا وَنَاسِخِهَا وَمَنْسُوخِهَا وَخَاصِهَا وَعَامَّتِهَا وَمُطْلَقِهَا وَمُقَيَّدِهَا وَمُجْمَلِهَا وَمُفَسَّرِهَا).<sup>1</sup> ترجمه: تفسیر علم نزول آیات و سوره ها و قصص و اشاراتی که در آن نازل شده ، پس علم ترتیب ، مکی و مدنی بودن، محکم و متشابه ، ناسخ و منسوخ ، خاص و عام ، مطلق و مقید، مجمل و مفسر بودن آنها می باشد.

شیخ عبدالعظیم زرقانی رحمة الله علیه فرموده است : (علم يبحث فيه عن القرآن الكريم من حيث دلالاته على مراد الله تعالى بقدر الطاقة البشرية).<sup>2</sup> ترجمه: تفسیر عبارت از علمی است که در آن از قرآن کریم از نگاه دلالتش بر مراد الله تعالی به اندازه توان بشری بحث می شود. همچنان تعریف دیگری از علامه زرکشی رحمة الله علیه است : التَّفْسِيرُ عِلْمٌ يُعْرِفُ بِهِ فَهْمُ كِتَابِ اللَّهِ الْمُنَزَّلِ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبَيَانُ مَعَانِيهِ وَاسْتِخْرَاجُ أَحْكَامِهِ وَحِكْمِهِ. تفسیر عبارت از علمی است که به آن کتاب الله جل جلاله دانسته می شود که نازل شده بر پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم و بیان معانی آن و استخراج احکام و حکمت های آنرا گفته میشود.

## ج. تعریف موضوع در لغت

موضوع اسم مفعول است که از ریشه وضع اشتقاق شده است ، کلمه وضع در لغت به معنای پست کردن و پائین کردن است چنانچه ابن فارس<sup>3</sup> رحمة الله علیه در کتابش فرموده است: ( وضع) الواو والضاد والعين: أصل واحد يدلُّ على الخفض [للشيء] و حَطِّه).<sup>4</sup> ترجمه: وضع ؛ و ض ، ع . اصلی واحدی است که دلالت به پست نمودن و پائین کردن و کم ساختن یک شی را دارد.

1 - البرهان في علوم القرآن. زرکشی ، ابو عبدالله بدر الدین محمد بن عبدالله بن بهادر. متوفی (794ه). طبع اول. سال طبع ( 1376ه). تعداد اجزاء ( 4). تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. ناشر: دار احیاء الکتب العربیة عیسی النابی الحلبي و شرکائه. ج2، ص148.  
2 - مناهل العرفان فی علوم القرآن. الزرقانی ، عبدالعظیم. طبع اول. سال طبع ( 1996ه). تعداد اجزاء (2). تحقیق: مکتب بحوث و الدراسات. ناشر: دارالفکر ، بیروت. ج2، ص3.  
3 - ابن فارس ، احمد بن فارس بن زکریا قزوینی الرازی ، از ادیبان لغت عرب است که در سال 329ه ق در قزوین متولد شده و مدتی را در همدان گزرانیده است بعداً به ری سفر نموده و در آنجا رحلت نموده است ، از تصانیف مشهور آن کتاب هذا ( مقایس اللغة) و (المجمل) در ادبیات عربی و تفسیر ( جامع التاویل فی تفسیر) می باشد، ابن فارس در سال 395 ه ق در (ری) وفات نمود. الاعلام للزرکلی ، ج1، ص 193.  
4 - معجم مقاییس اللغة . أبو الحسین أحمد بن فارس بن زکریا القزوینی . طبع اول. سال طبع (1399). تعداد اجزاء (6). تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. ناشر : دارالفکر، بیروت، لبنان. ج6، ص117.

امام راغب اصفهانی<sup>1</sup> رحمة الله عليه در کتابش مفردات فی غریب القرآن نگاشته است: (وضع یعنی پائین آوردن و فرود آوردن ، معنای آن از حط و انحطاط عام تر است ، چنانکه در آیه کریمه آمده است<sup>2</sup> **مَجْرَجًا بِمِ بَهِ** □ <sup>2</sup>**ترجمه:** سخنان را از جاهای خود منحرف می‌گردانند ( و کلام را از معانی اصلی به دور می‌دارند و وارونه و چندانگونه و چند پهلو صحبت می‌کنند ). و مواضع جمع بمعنی جای و مکان هر چیزی را که در دسترس باشد گویند ، و در وضع حمل بکار میرود چنانکه عرب می‌گویند: ( وضعت الحمل ) یعنی بار خود را به زمین گذاشت و یا وضع حمل نمود ، در قرآن کریم نیز آمده است: <sup>3</sup>**أُجْم** □ <sup>3</sup>**ترجمه:** وساعرهائی که ( در کنار چنین چشمه‌هایی و در حضور بهشتیان ) گذارده شده‌اند. یعنی جام‌های گذاشته شده و همچنان الله متعال فرموده است: <sup>4</sup>**أُ** □ □ □ **نی** <sup>4</sup>**ترجمه:** خداوند زمین را برای ( زندگی ) انسانها آفریده است .

خداوند جل جلاله زمین را برای مردم در دسترس شان قرار داده که آنرا در اختیار بگیرند و بهره مند شوند و واژه وضع درین آیه بمعنی ایجاد و خلق است.<sup>5</sup>

#### د. تعریف موضوع در اصطلاح

شیخ سید شریف جرجانی رحمة الله علیه فرموده است : موضوع عبارت از اختصاص یک شی در یک محل و مکان .<sup>6</sup> همچنان کتاب المعجم الوسیط نگاشته است: ( **المَوْضُوعُ الْمَادَّةُ الَّتِي يَبْنَى عَلَيْهَا الْمُتَكَلِّمُ أَوْ الْكَاتِبُ كَلَامَهُ** ).<sup>7</sup> ترجمه: موضوع عبارت از ماده ای است که متکلم و یا کاتب سخن خویش را بر آن بنا می‌نماید.

1 - راغب، حسین بن محمد بن المفضل ابو القاسم اصفهانی از ادیبان حکماء و علماء است که در اصفهان متولد شده و در بغداد سکونت گزیده و به شهرت رسیده است ، از تالیفات ابن عالم فرزانه میتوان : ( محاضرات الادباء الذریعة الی مکارم الشریعه ) ( الاخلاق ) ( المفردات فی غریب القرآن ) ( حل متشابهات القرآن ) ( تفصیل النشأتین ) ( تحقیق البیان ) و ( الاعتقاد ) نام برد ، وی در سال ( 502 ) وفات یافته است. الاعلام للزرکلی، ج 5 ، ص 170 .

2 - المائدة: 13 .

3 - الغاشیة: 14 .

4 - الرحمن: 10 .

5 - المفردات فی غریب القرآن. راغب ، ابو القاسم الحسین بن محمد بن المفضل اصفهانی متوفی ( 502 هـ ) . طبع: اول. سال طبع ( 1412 ) . تعداد اجزاء ( 1 ) . تحقیق : صفوان عدنان الداودی. ناشر: دارلقلم، الدار الشامیة، دمشق بیروت. ص 874 .

6 - التعریفات ، ص 236 .

7 - المعجم الوسیط . ابراهیم مصطفی ، احمد الزیات ، حامد عبدالقادر ، محمد النجار . طبع ( ب - ت ) . تحقیق : مجمع اللغة العربیة قاهره . ناشر: دار الدعوة . ج 2 ، ص 1040 .



## ه. تعریف ترکیبی تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی به این نام و مشخصه در گذشته وجود نداشته و تنها در عصر حاضر به آن شهرت یافته است، که در ذیل بعضی تعاریفات دانشمندان اسلامی راجع به تفسیر موضوعی را بیان خواهیم کرد.

شیخ مصطفی مسلم<sup>1</sup> در کتاب خویش مباحث فی التفسیر الموضوعی تعاریفات دانشمندان نسبت به تفسیر موضوعی را بیان داشته است که در ذیل تذکر خواهیم داد:

1- هو بیان ما يتعلق بموضوع من موضوعات الحياة الفكرية أو الاجتماعية أو الكونية من زاوية قرآنية للخروج بنظرية قرآنية بصدده. عبارت از بیان موضوعی از موضوعات زندگی فکری اجتماعی و یا کونی از آدرس قرآن کریم برای بدست آوردن نظریه قرآن کریم درین مورد.  
2- هو علم يتناول القضايا حسب المقاصد القرآنية من خلال سورة أو أكثر<sup>2</sup>. تفسیر موضوعی عبارت از علم است که قضایای را حسب آنچه مقصد قرآن کریم است بیان میدارد از خلال یک سوره و یا بیشتر از آن.

3- بیان موضوع ما من خلال آیات القرآن، الکریم فی سورة واحدة أو سورة متعددة. عبارت از بیان یک موضوع مشخص از خلال سوره ای از قرآن کریم و یا آیات قرآن کریم.<sup>3</sup>

در اخیر شیخ رحمه الله قول راجح را ذکر می کند میفرماید: جمع الآيات المتفرقة في سورة القرآن المتعلقة بالموضوع الواحد لفظاً أو حكماً وتفسيرها حسب المقاصد القرآنية. جمع آیات متفرق قرآن در مورد موضوع واحد از نگاه لفظ و حکم؛ و تفسیر و بیان آن مطابق مقاصد قرآن کریم.<sup>4</sup>

پس تفسیر موضوعی عبارت از بیان مقاصد قرآن کریم در مورد موضوع مشخص از خلال یک سوره و یا بیشتر از آن می باشد.

## فرع دوم: منشأ تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی به حیث یک علم مستقل به این اسم در قرن چهارده هم شهرت پیدا کرد و آن زمانی بود که در پوهنتون از هر پوهنهی اصول دین به این اسم مضمون جایگزین گردید ولی اشکال مختلف تفسیر موضوعی از ابتداء نزول قرآن کریم بر رسول الله صلی الله علیه وسلم موجود بوده و پیامبر صلی الله علیه وسلم در موضوعات مختلف تفسیر ازین شیوه برای فهماندن اصحاب

1 -

2 - مباحث فی تفسیر الموضوعی ، مسلم ، مصطفی . طبع اول . سال طبع (1430-2009م). ناشر: دار التدمیریه ، ریاض. ص 13.

3 - دراسات فی تفسیر الموضوعی . قرعاوی، سلیمان بن صالح ، طبع دوم . سال طبع (1430). تعداد اجزاء (1). ص 27.

4 - همان منبع.



در نتیجه تفسیر موضوعی یکی از شیوه های تفسیری است که در طول تاریخ مفسرین از آن استفاده نموده اند. ابن تیمیه<sup>1</sup> رحمة الله علیه گفته است: بهترین طریقه برای تفسیر قرآن کریم اینست که از خود قرآن استفاده شود و آنچه که به طور مجمل ذکر شده را در جای دیگر مفصل ذکر نموده و جایی که خاص ذکر شده جای دیگر آنرا عام ذکر نموده است و زمانی که آنرا مختصر ذکر نموده جای دیگر آنرا بشکل مفصل بیان داشته است.<sup>2</sup>

در نتیجه تفسیر موضوعی به اشکال مختلف از زمان نزول قرآن کریم شهرت داشته و استفاده می شد و لی به شکل یک فن جدا و یک علم جدا در قرن چهارده هم علماء در جامعه از هر آنرا رایج ساخته اند.<sup>3</sup>

### فرع سوم: اهمیت تفسیر موضوعی

وقتی به شیوه تفسیر قرآن کریم به اساس تفسیر موضوعی نظر اندازیم در می یابیم که تفسیر موضوعی مهم ترین علم است، که مقاصد و اهداف قرآن کریم در آن به وضاحت دیده می شود در ذیل به طور فشرده به اهمیت تفسیر موضوعی از نظر استاد مصطفی مسلم می پردازیم که در کتابش مباحث فی تفسیر الموضوعی نگاشته است:

- 1- برای سوالات و موضوعات جدید علمی که در افکار انسانها خطور می کند و علوم دیگر آنرا به اذهان ما داخل می سازد جز با تفسیر موضوعی نمی توان پاسخ داد.
- 2- تفسیر موضوعی به نسبت شیوه های دیگر از تفاسیر سهل و آسان است که به همه موضوعات تفسیری مانند: اسباب نزول، مقاصد آیات و حل تعارض که میان آیات بطور شبه در ذهن پیدا می شود می پردازد.
- 3- از طریق تفسیر موضوعی انسان به جوانب جدیدی از اعجاز قرآن کریم دست پیدا می کند، که اعجاز قرآن کریم تمام شدنی نیست، و هر روز موضوعی جدید و مفهوم جدید اعجازی از آن بدست می آید.<sup>4</sup>

1 -

2 - مقدمة في أصول التفسير. ابن تیمیه، تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تیمية الحراني الحنبلي الدمشقي. متوفی: (728هـ). سال طبع (1490هـ - 1980م). تعداد اجزاء (1). ناشر: دار مكتبة الحياة، بيروت، لبنان. ص 39.

3 - مباحث فی التفسیر الموضوعی، ص 13.

4 - مباحث فی التفسیر الموضوعی، ص 30.

## موضوع دوم: معرفی سوره واقعه

درین جا بحث از معرفی کلی سوره می شود مانند : نام سوره ، فضایل سوره ، سبب نزول سوره، محل نزول سوره ، ترتیب نزولی سوره، خصوصیات سوره ، مضامین سوره ، محور سوره، و مناسبات سوره. که در هشت فرع همه این بحث صورت خواهد گرفت بتوفیق الله ذولجلال و یاری باریتعالی برای ادا کردن حق کامل این بحث ان شاءالله.

### فرع اول : نام سوره مبارکه واقعه و وجه تسمیه آن

#### الف : نام سوره واقعه

اسم سوره ها از جمله مواردی است که به اتفاق اکثر علماء توقیفی بوده و اجتهاد انسان ها در آن دخلی ندارد ، در ذیل به این امر که آیا اسماء سور توقیفی بوده و یا اجتهادی نظریاتی را ذکر خواهیم کرد.

در مورد اینکه اسم سوره ها اجتهادی است و یا توقیفی علماء دو نظر دارند

1- نظر اول اینکه اسماء سوره ها توقیفی بوده و در آن دخلی از طرف عالم و یا مفسری و حتی صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین نبوده است.

2- نظر دوم اینست که اسماء سوره ها اجتهادی بوده و صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین برای سوره ها اسم های انتخاب نموده اند.<sup>1</sup>

بعد از بررسی و کاوش در روایات نقل شده از دانشمندان اسلامی به این نتیجه رسیده ام که اسماء سوره ها توقیفی بوده و اجتهادات علماء و حتی صحابه در آن دخل ندارد.

#### در مجموع سوره های قرآن کریم به سه نوع است

1- اینکه سوره دارای چند نام بوده و به نام های مختلف یاد میشود مانند سوره فاتحه که در کتب علوم قرآن و تفاسیر برای آن الی بیست و چند نام ذکر میکنند .

2- سوره های که دارای دو نام و یا سه نام بیشتر نیست مانند : سوره بقره و آل عمران که بنام الزهراوین نیز یاد میشوند .

1 - البرهان فی علوم القرآن. ج1، ص186.

3- سوره های که دارای یک نام بوده و جز همان نام مشهور، دیگر نامی برای آن نیست مانند سوره واقعه<sup>1</sup>.

سوره مبارکه واقعه دارای یک نام بوده که از احادیث و آثار صحابه رضوان الله عليهم اجمعین ثابت است چون پیامبر صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام آنرا به این نام خوانده اند. امام ترمذی رحمة الله علیه نقل میکند: (عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو بَكْرٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ شَبِّتَ، قَالَ: «شَبِّبْتَنِي هُوْدٌ، وَالْوَأَقِعَةُ، وَالْمُرْسَلَاتُ، وَعَمَّ يَتَسَاءَلُونَ، وَإِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ»).<sup>2</sup> ترجمه: از عبدالله ابن عباس رضی الله عنه روایت است که ابوبکر صدیق رضی الله عنه برای پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب فرمود: یا رسول الله آثار پیری در چهره ات نمایان گردیده. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: موهای مرا سفید ساخت: سوره های هود، واقعه، والمرسلات، و عم يتساءلون، و اذا الشمس كورت.

درین حدیث بطور واضح پیامبر صلی الله علیه وسلم از سوره واقعه یاد نموده و آنرا به نام واقعه مسمی نموده است.

همچنان در احادیث دیگری که درجه شان به صحت نمیرسد نیز نام این سوره را واقعه گفته اند. أَنَّ ابْنَ مَسْعُودٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْوَأَقِعَةِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ لَمْ تُصِبْهُ فَاقَةٌ أَبَدًا» قَالَ: وَقَدْ أَمَرْتُ بَنَاتِي أَنْ يَفْرَأْنَهَا كُلَّ لَيْلَةٍ.<sup>3</sup> ترجمه: از عبد الله ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که میفرمود: کسی که سوره واقعه را هر شب تلاوت نماید هرگز دچار تنگ دستی نخواهد شد. ابن مسعود رضی الله عنه میفرماید: من به دخترانم امر نموده ام که آنرا هر شب تلاوت نمایند.

درین حدیث نیز واضح میشود که نام این سوره مبارکه را رسول الله صلی الله علیه وسلم واقعه خوانده است.

1 - دراسات في علوم القرآن . الرومی ، فهدبن عبدالرحمن بن سليمان. ناشر: حقوق طبع محفوظ برای مؤلف. طبع دوم، سال طبع (1424). تعداد اجزاء (1) ص 105.

2 - سنن الترمذی. أبو عیسی ؛ محمد بن عیسی بن سؤرة بن موسی بن الضحاک، الترمذی م(279ه). طبع دوم . سال طبع (1395هق) عدد اجزاء (5). ناشر شرکت مکتبه و مطبعه مصطفی البانی الحلبي مصر. محققین : احمد محمدشاکر ج1-2 محمد فواد عبدالباقی ج 3 و ابراهیم عطوة عوض مدرس از هر الشریف (ج 4، 5). ج5، ص402. شیخ البانی حدیث را صحیح دانسته است (صحیح جامع الترمذی، از شیخ البانی ص 955).

3 - عمل اليوم والليلة سلوك النبي مع ربه عز وجل ومعاشرته مع العباد. ابن السُّنِّي، أحمد بن محمد بن إسحاق بن إبراهيم الدَّبَّيْتُورِيُّ متوفى(364هق). ب ت. تعداد اجزاء: (1). ناشر: دار القبلة للثقافة الإسلامية ومؤسسة علوم القرآن - جدة / بيروت. محقق: كوثر البرني. ص 629. شیخ البانی آنرا ضعیف گفته است سلسله احادیث الضعیفه ج 1، ص 457 .

همچنان در اثری از جابر ابن سمره رضی الله عنه نقل است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» يُصَلِّي الصَّلَاةَ كَنَحْوِ مَنْ صَلَاتِكُمْ الَّتِي تُصَلُّونَ الْيَوْمَ، وَلَكِنَّهُ كَانَ يُخَفِّفُ، كَانَتْ صَلَاتُهُ أَخْفَ مِنْ صَلَاتِكُمْ، وَكَانَ يَقْرَأُ فِي الْفَجْرِ الْوَاقِعَةَ وَنَحْوَهَا مِنَ السُّورِ<sup>1</sup> ترجمه: از سماک بن حرب روایت است که شنیدم از جابر ابن سمره رضی الله عنه فرمودند: حالت رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین بود که ادا میکرد نماز مانند نماز های شما که امروز ادا میکنید، مگر این که در نماز خود تخفیف میکرد پیامبر صلی الله علیه وسلم و نمازش از نماز شما سبک تر بود و در نماز صبح سوره واقعه و یا مانند آنها را تلاوة میکرد.

درین اثر جابر ابن سمره رضی الله عنه نیز واضح دیده میشود که سوره مبارکه واقعه به همین نام در نزد صحابه کرام مشهور بود.

پس سوره واقعه دارای یک نام بوده و از اولین آیه این سوره گرفته شده است که بحث از حادثه بزرگ دارد. و آن همان قیامت است که با نفخه دوم بوقوع میپیوندد.

#### **ب : وجه تسمیه سوره واقعه**

سوره واقعه موضوع و بحث بسیار زیبایی در مورد قیامت دارد و تمام شکوک و شبهات کسانی که در وقوع قیامت شک دارند را جواب داده است و از اول سوره شروع الی اخیر آن تمام آنچه در ذهن انسان در مورد قیامت خطور میکند را بطور مفصل و به شکل بسیار موجز به تصویر کشیده و با دلایل آفاقی و انفسی به آن جواب میدهد و به همین خاطر نام سوره واقعه را هم واقعه گذاشته چون بحث از واقعه قیامت دارد.

1- مسند الامام احمد بن حنبل. ابن حنبل الشیبانی، ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل. متوفی (241ه). طبع اول. سال طبع (1421ه). عدد اجزاء (45). ناشر: موسسه الرساله. تحقیق: شعیب الارنوط - عادل مرشد - و دیگران به اشراف: دکتور عبدالله بن عبدالمحسن التركي. ج.34، ص.504. حافظ ابن حجر قول حاکم را ذکر میکند که این حدیث را صحیح دانسته است. روضه المحدثین: ج.11 ص.145.

دكتور وهبه الزحيلي<sup>1</sup> ميگويد: سوره واقعه بحث از قيامت و وقوع آن دارد به همين خاطر واقعه ناميده شده است و نام اين سوره از اولين آيت آن گرفته شده است.<sup>2</sup>

چون در كل ، سوره واقعه از قيامت بحث دارد و محور و موضوع سوره اثبات قيامت است به همين خاطر به واقعه مسمی شده است ، و اين بيانگر موضوعيت سوره مبارکه ميباشد.

## فرع دوم: فضائل سوره

سوره واقعه داراي فضائلي است که رسول الله صلى الله عليه وسلم به آن اشاره نموده و يا ما برداشتي از آن در ذهن خویش داریم :

ابوبکر صديق رضی الله عنه علت سفید شدن موهای پیامبر صلی الله علیه وسلم را جویا میشود چون در آن زمان انسان های کم سن موی سفید نمیشدند رسول الله صلى الله عليه وسلم علت موی سفید شدنش را بیان می دارد که پیام سوره های قرآن کریم و عظمت قول الله تبارک و تعالی ایشان را مو سفید ساخته است. امام ترمذی رحمة الله عليه نقل میکند : (عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو بَكْرٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ شَبِبْتُ، قَالَ: «شَبِبْتَنِي هُوْدٌ، وَالْوَأَقِعَةُ، وَالْمُرْسَلَاتُ، وَعَمَّ يَتَسَاءَلُونَ، وَإِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ»)<sup>3</sup> ترجمه: از عبدالله ابن عباس رضی الله عنه روایت است که ابوبکر صديق رضی الله عنه برای پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب فرمود: یا رسول الله موهایت سفید گشته. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: موهای مرا سفید ساخت: سوره های هود ، واقعه ، والمرسلات، و عم يتساءلون، و اذا الشمس كورت.

این چنین پیام سنگینی در آن ها است که مرا موی سفید ساخته چون در اکثر این سوره ها احوال قیامت و احوال آن بیان شده است ، حوادث مشقت بار و سنگینی چنانکه آفتاب به آن بزرگی و مهتاب در هم می پیچند ، نظام ستاره ها بر هم می خورد ، کوه های غول آسا از شدت اوضاع

1 - شيخ دكتور وهبة الزحيلي در سال 1931 در دير عطيه يکي از قريه های دمشق متولد گرديده است ، پدر ایشان حافظ قرآن کریم و تاجر و زارع بوده ، شيخ دكتور وهبة الزحيلي داراي پنج فرزند می باشد. درسهای ابتدائی را در شهر دمشق خوانده و بعداً به پوهنتون ازهر شريف برای تحصيل رفته مرحله لیسانس ، ماستری و دکتورا و تخصص را از پوهنتون ازهر شريف فرا گرفته. از اساتید مشهور ایشان میتوان : الشيخ محمود ياسين در حديث النبوي، الشيخ محمود الرنكوسي در عقائد، الشيخ حسن الشطي در فرائض، الشيخ هاشم الخطيب در فقه الشافعي، الشيخ لطفى الفيومي در اصول الفقه ومصطلح الحديث، و از مشايخ ازهر شريف : شيخ الأزهر الإمام محمود شلتوت، والإمام الدكتور عبد الرحمن تاج، والشيخ عيسى مَنُون در فقه المقارن و غيره. و از شاگردان مشهور ایشان : الدكتور محمد الزحيلي پسر ایشان، والدكتور محمد فاروق حمادة والدكتور محمد نعيم ياسين، والدكتور عبد الستار أبو غدة و ديگران هستند. از مصنفات ایشان: الوسيط في أصول الفقه الإسلامي. الضوابط الشرعية للأخذ بأبصر المذاهب. الإسلام دين الجهاد لا العدوان. التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج.

2 - التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج. الزحيلي، دكتور وهبه بن مصطفى. طبع دوم. سال طبع (1418 هـ). (عدد اجزا 30). ناشر: دار الفكر المعاصر، دمشق. ج 27، ص 237.

3 - سنن الترمذی. ج 5، ص 402. شيخ الباني حديث را صحيح دانسته است، سلسله الاحاديث الصحيحة نمبر حديث 955.

قیامت و نفخه ریزه ریزه گردند. و اوضاع انسانیت که به گروه های مختلف طبق عمل کرد خویش تقسیم می شوند، جزای انسان ها شقی و بد بخت که سراسر انسان را در فکر فرو می برد و پاداش صالحان که چشم ندیده گوش نشنیده و به اذهان انسان ها خطور نکرده است، همه اسبابی است که انسان های بادرک را موی سفید می سازد.

همچنان واقعه عبدالله بن مسعود و عثمان بن عفان رضی الله عنه نیز بیان گر چنین مطلب است: **قَالَ عُمَانُ لِابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: مَا تَشْتَهِي؟ قَالَ: رَحْمَةً رَبِّي، قَالَ: أَدْعُو لَكَ الطَّبِيبَ؟ قَالَ: الطَّبِيبُ أَمْرَضَنِي قَالَ: أَلَا أَمَرَ لَكَ بِعَطِيَّةٍ؟ قَالَ: لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ، قَالَ: يَكُونُ لِبَنَاتِكَ؟ قَالَ: قَدْ أَمَرْتُ بَنَاتِي أَنْ يَقْرَأْنَ كُلَّ لَيْلَةٍ سُورَةَ الْوَاقِعَةِ، إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ قَرَأَ كُلَّ لَيْلَةٍ، أَوْ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ سُورَةَ الْوَاقِعَةِ لَمْ تُصِبْهُ فَاقَةٌ»<sup>1</sup>. ترجمه: عثمان بن عفان رضی الله عنه به ابن مسعود رضی الله عنه خطاب فرمود: چه چیزی (دوست داری) ضرورت داری؟ گفت: رحمت پروردگارم را. گفت: آیا طبیبی را برای تداوی ات طلب کنم؟ گفت طبیب مرا مریض ساخته. گفت: آیا توصیه به مالی نکنم تا بتو بدهند؟ گفت: ضرورت ندارم. گفت: برای دخترانت. گفت: من آنها را امر نموده ام که هر شب سوره واقعه را تلاوت نمایند. من از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیده ام: کسی که هر شب و یا در هر شب سوره واقعه را تلاوت نماید هرگز به تنگدستی دچار نخواهد شد.**

در روایت دیگری به طور فشرده عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت نموده است. که هرکی در شب سوره واقعه را تلاوت نماید از فقر نجات پیدا می کند. **أَنَّ ابْنَ مَسْعُودٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْوَاقِعَةِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ لَمْ تُصِبْهُ فَاقَةٌ أَبَدًا» قَالَ: وَقَدْ أَمَرْتُ بَنَاتِي أَنْ يَقْرَأْنَهَا كُلَّ لَيْلَةٍ»<sup>2</sup>. ترجمه: ابن مسعود رضی الله عنه فرمود: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: کسی که سوره واقعه را در هر شب تلاوت نماید هرگز فقر بسویش روی نمی آرد.**

1- ترتیب الأمالی الخمیسیة . شجرى، مرشد بالله، یحی بن حسین بن اسماعیل بن زید الحسنی الشجرى الجرجانی. متوفی (499هـ). طبع اول. سال طبع (1422هـ-2001م). تعداد اجزاء (2). ترتیب: قاضی محی الدین محمد بن احمد القرشى العیشمی. متوفی (610هـ). تحقیق: محمد حسن اسماعیل. ناشر: دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان. ج 2، ص 391. شیخ البانی ضعیف گفته است سلسله الاحادیث الضعیفه حدیث نمبر 289.

2- عمل الیوم و الیله لابن سنی. ج 1، ص 629. شیخ البانی آنرا ضعیف گفته است حدیث نمبر 289.



از روایات احادیث فوق دانسته می شود که سوره الواقعة دارای مباحث بس مهم بوده که در آن هر فرد مسلمان تفکر و تدبیر نموده و از پیام های آن درس عبرت گرفته و توشه راه برای خویش آماده سازد. چون رسول الله صلی الله علیه وسلم سبب سفیدی موی خویش را محتویات مهم این سوره بیان نموده است.

### فرع سوم : اسباب نزول سوره واقعه

قرآن کریم در طول بیست سه سال به رسول الله صلی الله علیه وسلم طبق ضرورت و برای حل مشکلی که در آن رسول الله صلی الله علیه وسلم و یا صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین مواجه میشدند و یا سؤالی که کفار از رسول الله صلی الله علیه وسلم میکردند و برای جواب آن آیه و یا سوره ی نازل شده و به آن جواب میداد و یا هم بدون موضوعات ذکر شده وحی بر رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل میگردد. پس برای فهم دقیق آیه و یا سوره قرآن کریم ضمن موضوعات دیگری که علماء ذکر میکنند یکی هم شناخت اسباب نزول است که برای انسان کمک میکند تا موضوع و محور اصلی و اساسی سوره و یا آیه را بداند چنانکه امام ابی الحسن علی الواحدی<sup>1</sup> رحمة الله علیه در کتابش اسباب نزول اهمیت شناخت اسباب نزول را ذکر نموده میفرماید: (تفسیر قرآن کریم را نمیتوان دانست مگر اینکه اسباب نزول و قصه مربوط به آن را بدانیم).<sup>2</sup>

پس دانستن اسباب نزول هر سوره و آیه که برای آن سبب نزول وجود دارد در فهم و درک موضوع آن سوره و آیه ما را کمک میکند.

مجموع سوره واقعه سبب نزول مشخصی ندارد ولی بعضی از آیاتی در آن وجود دارد که دارای اسباب نزول بوده ولی در اسناد آنها ضعف وجود دارد که علماء در مورد عمل به احادیث ضعیف نظریات متفاوتی دارند از جمله کسانی که احادیث ضعیف را معمول به میدانند شرایطی برای آن وضع نموده اند که طبق آن شرایط میتوان به احادیث ضعیف نیز عمل کرد در این مورد میتوان به کتاب محاضرات فی علوم الحدیث مراجعه نمود.<sup>3</sup>

1 - ابو الحسن علی بن احمد بن محمد بن علی الواحدی ، نیشاپوری ، شافعی . از منطقه ساوه بوده و از اولاده التجار می باشد ایشان دارای درجات علمی خاصی بوده که دانشمندان ایشان را مفسر نحوی لغوی فقیه گفته اند، از مشهور ترین تصانیف آن : البسیط در نحو، تفسیر در 16 مجلد ، المغازی ، شرح دیوان المتنبی، الاغراب فی الاعراب ، و نفی التحریف عن القرآن الشریف می توان نام برد و در نیشاپور درجمادی الاخر سال 468 وفات یافته است.

2- اسباب نزول آیات. النیشاپوری، ابی الحسن علی الواحدی. متوفی (468ه). سال طبع (1388ه). ناشر: موسسه الحلبي و شرکاه للنشر والتوزیع. ج 1، ص 6.

3 - محاضرات فی علوم الحدیث. الفحل، دکتور ماهر یاسین. برگرفته شده از مکتبه شامله. محاضره چهارم، ص 12.

در مورد سبب نزول این آیه کریمه روایتی است : (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ ﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ [الواقعة: 14] ، شَقَّ ذَلِكَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، فَنَزَلَتْ ﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ [الواقعة: 39] ، فَقَالَ: " أَنْتُمْ ثَلَاثُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، بَلْ أَنْتُمْ نِصْفُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَتَقَاسِمُونَهُمُ النَّصْفَ الْبَاقِيَّ ".<sup>2</sup> ترجمه: از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که وقتی آیه (ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ) نازل گردید بر مسلمانان سخت تمام شد. پس آیه (ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ) نازل گردید پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: شما یک سوم اهل بهشت هستید بلکه نصف اهل بهشت هستید و نصف باقی بین امت ها تقسیم می شود.

و در روایت دیگری با تفاوت الفاظ چنین آمده است: (عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: " لَمَّا نَزَلَتْ إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ. فَذَكَرَ فِيهَا ﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ﴾ [الواقعة: 13] قَالَ عُمَرُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَقَلِيلٌ مِمَّا؟ فَأَمْسَكْتُ آخِرَ السُّورَةِ سَنَةً ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ ﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ [الواقعة: 40] أَلَا مِنْ آدَمَ إِلَيَّ ثَلَاثَةٌ ، وَأُمَّتِي ثَلَاثَةٌ، أَلَا وَلَا تُسْتَكْمَلُ ثَلَاثًا حَتَّى نَسْتَعِينَ بِالسُّودَانِ ، مِنْ رِعَاةِ الْإِبِلِ ، مِمَّنْ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ".<sup>3</sup> ترجمه: از جابر ابن عبدالله رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود: وقتی سوره واقعه نازل گردید و در آن آیه (ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ) ذکر شد عمر ابن خطاب رضی الله عنه گفت ای پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم یک سوم از امت اول و اندکی از ما؟ پس منتظر شدم الی اخیر سوره مدت یک سال پس نازل فرمود الله متعال جل جلاله ( ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ ) آگاه باشید از آدم الی من یک سوم و یک سوم از امت من . آگاه باشید دو بر سه تکمیل نخواهد شده تا آنکه از سودان همراه نشوند ، کسانی از شتر چران ها، که به لاله الا الله شهادت میدهند.

ب . أَخْ لَ لَهْ جَحَّى إِلَيَّ أَيْ ي □ □ □<sup>4</sup>

1 - الواقعة: ۱۳ - ۱۴

2 - مسند احمد بن حنبل: ج 15، ص 28. حسن لغیره : به تحقیق خود کتاب.

3 - مسند الشاميين. ابوالقاسم الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي. متوفى (360هـ). طبع اول. سال طبع (1405هـ). عدد اجزاء (4). ناشر: موسسه الرساله بيروت. تحقيق حمدي بن عبدالمجيد السلفي. عدد اجزاء (4). ج 1، ص 298. صاحب كتاب الايماء الی زوائد الامالی والاجزاء گفته است : که در سند این حدیث مشکل وجود دارد و عثمان بن علان مجهول است و عروه از جابر رضی الله سمع نکرده است. الايماء الی زوائد الامالی والاجزاء: ج 2، ص 204.

4 - الواقعة: 75 الی 82.

در مورد سبب نزول این آیه امام مسلم رحمه الله علیه حدیثی را روایت میکند : ( عن ابن عباس قال مطر الناس على عهد النبي صلى الله عليه وسلم فقال النبي صلى الله عليه وسلم أصبح من الناس شاكراً ومنهم كافر قالوا هذه رحمة الله وقال بعضهم لقد صدق نوء كذا وكذا قال فنزلت هذه الآية فلا أقسم بمواقع النجوم حتى بلغ وتجعلون رزقكم أنكم تكذبون) (الواقعة / آية 75-82).<sup>1</sup>

ترجمه: از عبدالله ابن عباس رضی الله عنه روایت است که در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم بارانی آمد و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: صبح کردن گروهی از مردم سپاس گزار و گروهی هم ناسپاس کسی که گفت این باران رحمتی از جانب الله متعال جل جلاله است و بعضی گفتند این اثر ستاره فلان و فلان است پس این آیه نازل گردید (فلا أقسم بمواقع النجوم - الی - وتجعلون رزقكم أنكم تكذبون).

#### فرع چهارم : محل نزول سوره واقعه

فهم مکان نزول در هر آیه و سوره قرآن کریم از اهمیت بسزای برخوردار است. و میتوان که از آن در فهم دقیق مقصد و معنای آیه و سوره قرآن کریم استفاده کرد، چون قرآن کریم در اصل خود دارای دو مکان نزولی بوده مکی و مدنی، آیه و سوره های که در مکه و حومه های آن نازل شده مکی گفته میشوند همان آیه و سوره یی است که قبل از هجرت رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل شده و اکثراً در مورد توحید رسالت و معاد صحبت دارد و اخلاق و آداب زندگی را مورد بحث قرار داده است. و لی سوره های که مدنی هستند بعد از هجرت نازل شده و در مورد ایجاد حکومت و قوانین و احکام مربوط به جامعه را مورد بحث قرار داده است که با شناخت مکان نزول هر آیه و سوره قرآن کریم میدانیم که بحث این سوره و آیه در مورد چیست؟ و در مورد مکی و مدنی بودن کتب علوم القرآن بحث های جالبی دارند که میتوان حسب ضرورت از آن استفاده نمود.

در مورد سوره واقعه با ید گفت: به اتفاق مفسرین سوره واقعه در مکه نازل شده است و در مورد اینکه چند آیت آن مدنی است اختلاف نظر وجود دارد که در ذیل به آن اشاره خواهیم کرد.

1 - صحیح مسلم. ج 1، ص 84.

امام قرطبی<sup>1</sup> رحمة الله عليه به نقل از : جابر<sup>2</sup> ، عكرمه<sup>3</sup> ، عطاء<sup>4</sup> ، و قتاده<sup>5</sup>، و حسن<sup>6</sup> رحمت الله عليهم اجمعين، میگوید که این سوره مکی است جز آیه (وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكذِبُونَ) که در مدینه منوره نازل شده است.

اما جلال الدین سیوطی رحمة الله عليه قول امام کلبی را نقل نموده که فرموده است این سوره مکی است جز چهار آیت آن که آیه های: (أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ. وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكذِبُونَ) در سفر به مکه نازل شده و آیه های: (ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ. وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ) در سفر به مدینه منوره نازل شده است.<sup>7</sup>

امام ابن عطیه<sup>8</sup> رحمة الله عليه در تفسیرش در مورد محل نزول این سوره گفته است که سوره واقعه مکی است و کسانی که میگویند چند آیه آن مدنی بوده و یا در سفر نازل شده همه اقوال بی اساس است.<sup>9</sup>

همچنان مفسر مشهور و معاصر جهان اسلام علی الطنطاوی رحمة الله عليه در تفسیر الوسيط گفته است که کسانی که مدنی بودن چند آیه آن نظر داده اند هیچ دلیلی ندارند.<sup>10</sup>

---

1 - محمد بن احمد بن ابی بکر ابو عبدالله القرطبی، مصنف تفسیر مشهور (جامع الاحکام القرآن و المبین). از استادانش میتوان: ابن رواج، ابن الجمیزی، ابی العباس احمد بن عمر القرطبی را نام گرفت. از شاگردان مشهور میتوان: شهاب الدین احمد پسرش را نام برد. تصانیف زیادی دارد که از جمله: التذکار فی أفضل الأذکار، التذکره فی أحوال الموتی وأمور الآخرة، شرح التقتصی، و تفسیرش اشاره کرد. در سال 671 هجری فانی را وداع گفت است. طبقات المفسرین الداودی ج2، ص69.

2 - جابر ابن عبدالله، کنیه اش ابو عبد الله و یا ابو عبد الرحمن. از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم بود. در شب دوم عقبه اشتراک داشت و در غزوه خندق و بعد از آن اشتراک داشته. از رسول الله صلی الله علیه وسلم و ابوبکر صدیق و عمر و علی و معاذین جبل و دیگر صحابه روایت نموده است. شاگردانش: سعید بن مسیب، عطاء بن ابی رباح، سالم بن ابی الجعد، حسن بصری و دیگران. از علماء فقیه بود. در سال بعد از 70 به عمر 90 سالگی وفات یافته است. سیر اعلام النبلا: ج5، ص185.

3 - ابابعدالله عكرمه شاگرد و غلام عبدالله ابن عباس رضی الله عنه عالم به الفاظ و معانی قرآن کریم. از ابو هریره، عایشه صدیقه، ابی سعید، و دیگران روایت کرده است. و جماعتی از علماء از وی درس خوانده اند و در سال 150 هجری وفات یافته است.

4 - عطا ابن رباح، کنیه اش ابی محمد، و یکی از غلامان بنی فهر بود. از تابعین است که عالم و مفسر قرآن کریم بوده و در چند دنیا آمده و در مکه بزرگ شده است. استادانش: جابر بن عبدالله، زید بن ارقم، اسامه ابن زید، و دیگران. شاگردانش: اسامة بن زید اللیثی، اسودبن شبیان، ابان بن صالح. و دیگران. در سن 80 سالگی در سال 115 هجری وفات یافته است. سیر اعلام النبلا: ج9، ص86.

5 - قتاده بن دعامة سدوسی خطابی، از راس طبقه چهارم است، استادانش چون: انس ابن مالک، سعید بن مسیب و دیگران نام برد. و شاگردانش چون: ابن عروبه و مسعر و بسیاری درس خوانده. امام احمد بن حنبل میگوید قتاده عالم به تفسیر و به اختلاف علماء است و کم مردم رامیتوان با آن مقایسه نمود. در سال 117 و یا 118 به عمر 57 سالگی وفات یافته است. سیر اعلام النبلا: ج9، ص338.

6 - حسن بن ابی الحسن بیسار ابوسعید البصری، غلام زید بن ثابت رضی الله عنه. از عبدالله ابن عباس، عمران بن حصین، مغیره بن شعبه، و سمره رضی الله عنهم روایت نموده است. شاگردانش: ایوب، شیبان نحوی، یونس بن عبید و غیره را میتوان نام گرفت. این عالم بزرگوار یکی از تابعین فصیح و بلیغی بود که در زمان صحابه کرام فتوای میداد و عالم به قرآن کریم و معانی آن بود به سن 98 سالگی در سال 110 هجری وفات یافته است. موسوعة مواقف سلف فی العقیده و منهج و التریبه. ج2، ص78.

7 - الجامع لاحکام القرآن. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح الانصاری الخزر جی شمس الدین. متوفی (671ه). تحقیق هشام سمیر البخاری. ناشر: دار عالم الکتب، ریاض، عربستان سعودی. سال طبع (1423ه). ج 17، ص 194.

8 - قاضی ابو محمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن تمام بن عطیه. از علماء مفسر و فقیه بوده. روایت از پدرش و ابی علی الغسانی، و محمد بن الفرج الطلاعی و دیگران نموده است. شاگردان مشهورش: ابو جعفر بن مضاء، و عبدالمنعم بن الفرس و غیره. در سال 480 تولد شده و در سال 542-542 وفات یافته است. طبقات المفسرین جلال الدین سیوطی، ج1، ص50.

9 - المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز. اندلسی المحاری، ابو محمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن تمام بن عطیه. متوفی (542ه). طبع اول. سال طبع (1422ه). عدد اجزاء (6). تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد. ناشر: دارالکتب العلمیه، بیروت. ج 5، ص 238.

10 - التفسیر الوسيط للقرآن الکریم. طنطاوی، محمد سید. طبع اول. سال طبع (1998 م) عدد اجزاء (15) ناشر: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، القاهرة. ج14، ص155.

اما در عموم میتوان گفت که سوره واقعه مکی است و در مورد بعضی از آیات آن اختلاف نظر وجود دارد.

## فرع پنجم : ترتیب نزول سوره ، تعداد آیات کلمات و حروف

### الف : ترتیب نزولی و ترتیب عثمانی

سوره واقعه در ترتیب مصحف پنجاه و ششم سوره است و لی به اعتبار نزول چهل و ششم سوره بعد از سوره ( طه ) و قبل از سوره ( شعراء ) نازل شده است.<sup>1</sup>

### ب : تعداد آیات ، کلمات ، حروف سوره واقعه

#### 1. تعداد آیات سوره مبارکه واقعه

قران کریم کتاب و کلام الهی است که با تمام محتوا و مضمون آن قبل از نزول الی روز قیامت محفوظ و مصئون از دست برد و کم و کاستی است و برای هیچ بشری این اجازه داده نشده حتی یک حرف از آن را کم و یا زیاد نماید و این حفاظت را الله متعال جل جلاله به عهده خود گرفته است الله متعال جل جلاله میفرماید: ﴿ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰ ﴾ ترجمه: ما این کتاب را نازل کردیم و حفاظت آن بدوش ما است.

ولی در مورد اینکه تعداد آیات قران کریم چند است اختلافاتی بین علماء وجود دارد چه در مجموع آیات قرآن کریم و چه در مورد آیات یک سوره مشخص این بیان گر زیاده و نقصان در کلام الهی نبوده بلکه در ارقامی است که مربوط به وقف و ابتداء تلاوة رسول الله صلی الله علیه وسلم میباشد. چون اصحاب کرام رضوان الله علیهم اجمعین از وقف و ابتداء تلاوت رسول الله صلی الله علیه وسلم آغاز و انجام آیه را حساب میکردند همین باعث شد که بعضی وقوفی که برای تجدید نفس انجام شده را هم آیه تصور نمایند و یا بعضی از وصل های که در بین دو آیه اتفاق افتاده را یک آیه حساب نمایند.<sup>3</sup>

پس سوره مبارکه واقعه نیز از این اختلافات در امان نمانده و علماء در تعداد آیات سوره مبارکه واقعه با هم اختلاف دارند که علماء تفسیر این اختلاف شان را بیان نموده اند.

1 - همان، ج 14، ص 153.

2 - الحجر: 9.

3 - البرهان فی علوم القرآن: ج 1، ص 252.

علامه آلوسی<sup>1</sup> رحمة الله عليه میفرماید: سوره مبارکه واقعه به رأی اکثر علماء دارای نود شش آیه بوده ولی بعضی علماء در مورد تعداد آیه های آن اختلاف دارند که علامه آلوسی رحمة الله عليه اختلاف علماء را بطور خلص نقل مینماید:

کوفیین قایل بر این اند که تعداد آیه های سوره واقعه (96) نود و شش آیه است و در مصاحف دست داشته ما نیز همین رقم ذکر شده است.

و در نزد بصریین تعداد آیه های سوره واقعه (97) نود هفت آیه است.

و حجازیین و شامیین تعداد آیه های سوره واقعه را (99) نود و نه آیه بر شمرده اند.<sup>2</sup>

علماء نظریات مفسرین را در زمینه بیان داشته اند که بطور خلص فقط از علامه آلوسی رحمة الله عليه یاد آور شدیم.

## 2. تعداد کلمات و حروف سوره واقعه

سوره واقعه دارای سه صد و هفتاد و هشت کلمه بوده و دارای یک هزار و هفتصد و سه حرف می باشد.

### فرع ششم : خصایص سوره واقعه

قرآن کریم کتابی است که همه الفاظ و معانی ، تراکیب ، حروف و جملات آن دارای یک اعجاز علمی خاصی است که هیچ کتاب را نمیتوان با آن مقایسه نمود و مصدر بزرگی برای علوم و فنون علمی قدیم و جدید قرار گرفته است و در مورد ابتداء سوره های قرآن کریم اسلوب متفاوت با کمقاصد بزرگی را در نظر گرفته است از جمله سوره مبارکه واقعه از سوره های است که با جمله شرطیه شروع شده و در هفت سوره قرآن کریم **{إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ}** **{إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ}** **{إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ}** **{إِذَا السَّمَاءُ انفطرت}** **{إِذَا السَّمَاءُ انشقت}** **{إِذَا زُلْزِلَتْ}** **{إِذَا جَاءَ نصر الله}** این روش در نظر گرفته شده است. این سوره ها همه در مورد مهم ترین اخبار برای پیامبر صلی الله علیه وسلم اشاره میکنند که سوره واقعه بحث از قیامت کبری دارد همچنان سوره تکویر ، انفطار ، انشقاق، الزلزله، از احوال و احوال قیامت بحث دارد. و سوره منافقون از قشر بد بخت جامعه که

1 - آلوسی، شهاب الدین محمود بن عبدالله بن محمود بن درویش علامه آلوسی بغدادی، شافعی. از تصانیف مشهورش : سفره الزاد فی سفره الأجهاد، حواشی علی میر ابی الفتح در ادب. خاتیبیه علی شرح القطر. خاتیبیه الشمسیة. الشجرة الفاطمیة. و تفسیر روح المعانی که از مهم ترین تفاسیر بشمار میرود میتوان نام برد. در سال (1217ه) در بغداد متولد شده به قسطنطنیه سفر نموده و در بازگشت از سفر در سال (1270ه) در بغداد وفات یافته است. هدیه العارفین: ج2، ص 418.

2 - روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. الالوسی ، شهاب الدین محمود بن عبدالله الحسینی. متوفی (1270ه). طبع اول. سال طبع: (1415ه). عدد اجزاء (16). ناشر: دار الکتب العلمیه بیروت. تحقیق: علی عبدالباری عطیه. ج 14، ص 128.

هر زمان مسلمانان ازین قشر ضربه های میخورند جبران ناپذیر و سوره نصر از مهم ترین اتفاق در عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر میدهد که همانا فتح مکه و رحلت رسول الله صلی الله علیه وسلم هر دو را در بر میگیرد.<sup>1</sup>

1- سوره واقعه یکی از سوره های است که با لفظ شرط شروع شده و نمایان گر این است که این واقعه ای است که اتفاق خواهد افتاد و در آن شکی باقی نخواهد ماند و حالتی است که کسی نمیتواند جلو آنرا بگیرد.<sup>2</sup>

2- دومین ویژه گی و خصوصیت این سوره بیان تقسیم مردم به سه گروه در روز قیامت است چون همه قرآن کریم انسان ها را به دو دسته تقسیم نموده فائزون و خاسرون و لی درین سوره مبارکه گروه فائزون را به دو بخش واضح تقسیم نموده است سابقون و اصحاب الیمین .

3- این سوره با بیان تقسیم انسان های مطیع و فرمانبردار به سابقون و اصحاب الیمین مسلمانان را تشویق و ترغیب مینماید تا با هر مشکل و مصیبتی مقابله نموده و خود را به این کامیابی بزرگ برساند.

4- سوره مبارکه با مشخص نمودن چهار عنصر مهم زندگی:

(1) - آب منی : که از آن انسان بوجود میاید.

(2) - بذر : همه خوراکی های انسان بواسطه زرع و بذر بوجود میاید که بدون آن زندگی انسان دچار مشکل میشود.

(3) - آب آشامیدنی: خداوند جل جلاله باران را وسیله حیات بشر گردانیده است و ابر آب ذلال و شفاف را به هر جای که الله متعال بخواهد منتقل میکند و مخلوقاتش را سیراب میسازد. اگر آب باران نباشد انسان نمیتواند زندگی نماید چون آب بحر همه شور است و قابل استفاده نیست.

(4) - آتش : منبع چهارم که انسان به آن اشد ضرورت دارد آتش است، آتش وسیله برای پختن غذا میشود که انسان غذای خود را پخته نوش جان میکند و اگر این آتش نباشد

---

1 - البرهان فی علوم القرآن :ج1، ص 180.  
2-تفسیر المنیر: ج27،242.

غذای انسان با غذای حیوان تفاوتی ندارد. و همچنان استفاده نمودن از آتش در دیگر ابعاد زندگی نیاز مبرم انسان بشمار میرود.<sup>1</sup>

الله متعال جل جلاله برای ربوبیت خود این چهار عنصر مهم زندگی که برای هر انسان متمدن و عقب مانده از ضروریات حیات بشمار میرود یاد آوری میکند

5- سوره مبارکه واقعه با لفظ قسم برای اثبات اینکه قرآن کریم منزل من عند الله است اشاره میکند.

6- لفظ مخضود یگانه لفظی است که در تمام قرآن کریم جز در همین سوره ذکر نشده است.

7- بیان حالت گروه های سه گانه حین احتضار در اخیر این سوره بیانگر دیده است ، مانع شدن حالت احتضار از توان بشر خارج است همچنان مانع شدن وقوع قیامت نیز از توان بشر خارج است.

#### فرع هفتم : مضمون و محتوای سوره واقعه

سوره واقعه از مهم ترین سوره های قرآن کریم در دلایل اثبات قیامت است که الله متعال جل جلاله با شرط آنرا شروع نموده و تمام آنچه از دلایلی که در ذهن انسان شک ایجاد میکند را پاسخ داده است، پس میتوان مضامین سوره واقعه را طور ذیل بر شمرد:

1- وقوع قیامت: سوره واقعه بحث از وقوع قیامت دارد که الله متعال جل جلاله با الفاظ قطع وقوع قیامت را ترسیم نموده و برای قبول نمودن این ادعا فقط وقوع قیامت را بدون اینکه برای وقوع آن دلیلی ذکر نماید بیان میکند.

تقسیم افراد انسان در روز قیامت به سه گروه و بیان نعمت ها و عذاب های مربوط به هر گروه با ویژه گی خاصی که در آن گروه وجود دارد مانند که الله متعال میفرماید: **أَأَجْرٌ بِهِ<sup>2</sup>** ایشانند نزدیکان درگاه الهی . در آیه دیگری میفرماید: تعامل با ایشان طبق عمل کردی است که در دنیا انجام دادند: **أَأُتُّ<sup>3</sup>** گروه کفار را به یک ویژه گی خاصی ذکر میکند میفرماید: **أَأُتُّ<sup>4</sup>**

1 - فی ظلال القرآن. سیدقطب، ابراهیم حسین الشاربی. متوفی(1380ه). طبع(14). سال طبع (1412ه). ناشر: دارالشروق بیروت قاهره. ج6، ص534.

2 - الواقعة: ۱۱

3 - الواقعة: ۲۴

4 - الواقعة: ۴۶ - ۴۸



**ترجمه:** و پیوسته بر انجام گناهان بزرگ ، پافشاری داشته‌اند . و می‌گفته‌اند : آیا زمانی که مُردیم و خاک و استخوان گشتیم ، آیا دوباره زنده گردانده می‌شویم ؟ !. آیا پدران و نیاکان پیشین ما هم ؟ ! ( که هیچ اثری از آنان باقی نمانده است ، دوباره زنده می‌شوند ؟ ! ) .

**دلایل اثبات قیامت:** الله جل جلاله در این سوره برای اینکه شبهات بر طرف شده و انسان جاهل قناعت نماید و بپذیرد که قیامت در کار است و روزی خواهد شد که از همه عملکردها سوال خواهد شد دلایلی ذکر میکند و آنرا با اشیایی که در زندگی انسان نقش اساسی دارد به اثبات میرساند.

**2- اثبات توحید:** مشرکین مکه همه به الله متعال ایمان و باور داشتند و لی هرچه که برای شأن الله جل جلاله مناسب بود را به بت‌ها نسبت میدادند و آنچه که مناسب شأن بنده گان بود را به الله جل جلاله نسبت میدادند پس الله جل جلاله برای اثبات توحید و اینکه شأن الهی متمایز از آنچه‌ای است که آنها نسبت میدهند دلایلی ذکر نموده و آنرا به اثبات رسانیده است.

**3- قرآن منزل از جانب الله جل جلاله است:** الله جل جلاله در سوره مبارکه واقعه قسم به مواقع نجوم یاد نموده و گفته است که این کتاب از جانب الله متعال نازل شده و کسی حق ندارد تا خود را پاک نکرده به آن دست زند.

**4- حالت احتضار:** در اخیر سوره مبارکه الله متعال اثبات قدرت خود و ضعف انسان‌ها را با یک مثال واضح و روشن به نمایش می‌گزارد که حالت احتضار است و برای هر انسان در هر مقام و منصبی که باشد اتفاق می‌افتد و هیچ مانع نمیتواند جلو این حالت را بگیرد.

### **فرع هشتم : محور سوره مبارکه واقعه**

قرآن کریم برای رهنمایی بشر فرستاده شده و تمام شبهات آنرا جواب داده است تا هیچ دلیلی برای رد دعوت اسلام باقی نماند، سوره واقعه هم یکی از سوره‌های است که برای بعد مهم ایمانی انسان جواباتی دارد و آنرا با دلایل عقلی و حسی جواب داده است، که هیچ عقل سلیم نمیتواند جوابات آنرا نادیده گرفته و خود را با بهانه‌های پوچ و بی‌معنی برهاند.

سوره واقعه دور یک محور می‌چرخد که همان اثبات قیامت است و از آیه اول الی اخیر این سوره به آن تصریح دارد.

اول سوره بدون مقدمه از اینکه قیامت برپاشدنی است شروع میکند و طوری حرف از بر پاشدن قیامت میزند که هیچ کسی را جرأت سؤال باقی نمی گذارد، با قول: **أَأَنْتُمْ أَنْتُمْ** 1 تمام در های که انسان منکر از آن میخواهد فرار کند را بسته میکند .  
در مرحله دوم از تقسیم مردم در روز قیامت حرف میزند و در آن از کسانی که بر پا شدن قیامت را انکار میکنند به شدید ترین الفاظ نشانه گزاری میکند. جزا و فرجام بد آنها را به نمایش میگذارد.

چون اثبات قیامت قابل شک نیست ولی برای اثبات آن دلایلی را بیان میکند که انسان دارای عقل سلیم نمیتواند آنها را انکار کند از خلقت انسان شروع الی کشت های که از آن میخورد و آبی که می آشامد و آتشی که می افروزد همه به این دلالت دارند.

پس از آن با قسم عظیم نسبت به ستاره گان بر حقانیت قرآن کریم تاکید میورزد و با حقانیت قرآن کریم حقانیت ادعای آخرت بر ملا میشود.

در اخیر سوره برای اینکه خوب تر بفهماند و انسان را متوجه سازد حالت احتضار را بیان میدارد، که انسان هرچه با قدرت و قوت دنیوی باشد از حالت احتضار نمیتواند خود را نجات دهد و حتی پول دارایی اش، قدرت و سلطنتش و غیره نمیتواند جلو این حالت رادر برابر انسان بگیرد پس جلو وقوع قیامت رانیز کسی نمیتواند بگیرد.

سوره مبارکه واقعه با لفظ امر به تسبیح و تمجید الله سبحانه و تعالی پایان میپذیرد و هیچ راهی جز قبول وقوع قیامت برای مشرکین و ملحدین باقی نمیگذارد.<sup>2</sup>

### فرع نهم : مناسبت های سوره واقعه

#### أ. مناسبت مضمون سوره واقعه با مضمون سوره الرحمن

سوره های قرآن کریم در مجموع دارای دو خاصیت متفاوت بوده که عبارت از حالت نزول یعنی مکی و مدنی بودن سوره است اگر سوره مکی باشد مضمون و محتوای آن مربوط به

1 - الواقعة: ۲

2 - فی ظلال القرآن: ج6، ص211-3461.

بحث توحید رسالت معاد جنت دوزخ و غیره موارد میشود. ولی اگر سوره مدنی باشد از احکام و آداب زندگی بحث میداشته باشد.

پس سوره الرحمن مانند دیگر سوره های مکی بوده و از اصول اعتقادی چون: توحید ، رسالت و معاد بحث میکند و همچنان از وحی قیامت جنت دوزخ و نعمت ها و عذاب ها بحث دارد. پس میتوان مضمون سوره الرحمن را در سه نکته خلاصه کرد:

**1-** بیان مظاهر رحمت الهی در دنیا نعمت قرآن و دیگر نعمت های سماوی و ارضی و فنای آن ها و بقای ذات لایزال.

**2-** تخویفات متنوع برای منکرین قیامت احوال دردناک ایشان در آخرت و عذاب های آنها.

بیان نعمت های گوناگون الهی برای پرهیزگاران در آخرت و وصف بهشت و نعمتهای آن که الله متعال برای بهشتیان آماده ساخته است سوره مبارکه واقعه نیز مکی بوده و مانند سوره الرحمن بحث از اصول ایمان توحید رسالت وحی و معاد بهشت جهنم و غیره میکند که در ذیل آنرا میتوان بیان کرد:

**1-** مضمون سوره واقعه اثبات قیامت تقسیم انسان ها در قیامت به سه گروه مقربین اصحاب الیمین اصحاب الشمال نعمت ها و عذاب های مربوط به هر گروه را بیان میدارد.

**2-** اثبات قیامت با دلایل نقلی و عقلی و اثبات توحید ربوبیت با مثال های از خلقت انسان و نبات ، نزول باران و خلقت آتش را مورد بحث قرار میدهد.

**3-** اثبات حقانیت قرآن کریم و شرح حال سه گروه: مقربین ، اصحاب الیمین ، اصحاب الشمال در آستانه مرگ را بیان میدارد.

پس مضمون و محتوای هر دو سوره کاملاً یکی است و جز در چند چیز مختصر با هم اختلاف ندارند، و چون هر دو سوره مکی است پس با هم در مناسبت های مضامین مشابه بوده و هر دو برای مشرکین دلایلی پیش میکنند تا از تکذیب روز رستاخیز دست کشیده و خود را موجب آتش جهنم قرار ندهند.<sup>1</sup>

سوره رحمن با اسم الله متعال **جَلْ جَلَالَه** آغاز گردیده ( **الرَّحْمَنُ (1)** ) و با اسم الله متعال **جَلْ جَلَالَه** خاتمه پیدا کرده است ( **تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (78)** ) ، و سوره مبارکه واقعه

1 - از هر البیان فی تفسیر کلام الرحمن فارسی. شیخ محمد اکرام الدین ، بدخشانی. حاشیه و تعلیق : معتمد بالله اکرامی. طبع پنجم. سال طبع (1397 هـ). عدد اجزاء (8). ناشر مکتبه اسلامیة، لاهور. ج 8، ص 240.





چنانکه واقعه نفعه دوم از وقوع قیامت است ، خود وقوع قیامت نفعه اول می باشد که به آن روز قیامت یا همان بعث که صورت می گیرد گفته می شود.<sup>1</sup>

### **نکته مناسبت محور سوره واقعه با مقاطع آن**

مناسبت های میان محور سوره مبارکه واقعه و مقاطع آن را میتوان در چند سطر بیان کرد:

1- محور سوره مبارکه بیان گر اثبات قیامت با دلایل عقلی و نقلی میباشد و برای اثبات این ادعا دلایلی را ذکر میکند که هر کدام جواب دهنده شبهه ای است که مشرکین و ملحدین و معاندین ایجاد میکنند .

2- مقاطع سوره مبارکه واقعه که به پنج بخش تقسیم شده این دلایل اثبات را به گونه های مختلف تقسیم نموده است:

#### **(1) مقطع اول**

مقطع اول سوره از آیه اول آن الی آیه ششم سوره بیان گر وقوع قیامت است که وقتی این واقعه و حادثه بوقوع بپیوندد هیچ احدی را اختیار و قدرت منع وقوع آن نیست حتی کسانی که امروز آنرا انکار میکنند هم نمیتوانند با دیدن وقوع رستاخیز آنرا انکار کنند و بزرگترین مخلوق روی زمین که همانا کوه ها است در آن روز از تحمل این حادثه بزرگ عاجز مانده جز ریزه ریزه شدن چاره ای برای شان نمیماند که الله جل جلاله از آن یاد آوری نموده است **(وبست الجبال بسا)** یعنی کوه ها مانند گرد های دیده شده در روشنی آفتاب میگردند. و همچنان انسان های که آنرا تصدیق نموده درین روز به علوی شان میرسند و کسانی که آنرا تکذیب نموده و انکار کرده اند به پست ترین منزلت نزول میکنند.

#### **(2) مقطع دوم**

مقطع دوم سوره مبارکه از آیه هفتم الی پنجا و ششم این سوره (7-56) همچنان بیان تقسیم انسان ها را طبق اعمال شان و موفقی که نسبت به آخرت و رستاخیز داشتند بیان میکند اگر بسیار مقرب بوده و هیچ اشتباه و خطایی در نامه اعمال شان درج نشده به اعلی ترین درجه صعود

---

1 - فی ظلال القرآن ، ج 6، ص 3461.

خواهند کرد و نعمت های بیکران آنها احاطه خواهند کرد و اگر خطا و اشتباهی در نامه اعمالش دیده شده و لی از شرک و کفر مصون مانده به درجه عالی دست پیدا خواهد کرد.

و اگر از کسانی بود که با این روز به ستیز برخاسته و آنها بدون شنیدن دلیل و تفکر در مورد آن انکار کرده بود به اسفل السافلین نزول خواهد کرد.

### **(3) مقطع سوم**

مقطع سوم سوره مبارکه و افعه از آیه (57-74) آنچه که محور سوره مبارکه در مورد آن بحث دارد را با دلایل حسی به اثبات میرساند، بحث نطفه در رحم مادر و تشکیل انسان و حیات آن . روییدن گیاه و درخت هر سال در وقت مشخص آن بعد از خشکیده شدن آن در خزان. نزول آب گوارا از ابر های که طاقت انسان برای بارور کردن آن وجود ندارد و رسانیدن آن آب به گلو های انسان ها و حیوانات و نباتات. و بر افروخته شدن آتشی که انسان بدون آن نمیتواند به قله های تمدن عالی برسد این همه دلایلی است که محور سوره مبارکه و افعه را به اثبات میرساند.

### **(4) مقطع چهارم**

مقطع چهارم سوره مبارکه و افعه از آیه (75-82) بیان گر این مطلب است که حادثه رستاخیز یکی از قضایای است که جز با قرآن کریم به اثبات نمیرسد پس مشرکین و منکرین با شبهه ایجاد کردن نسبت به قرآن کریم میخواهند رستاخیز را انکار کنند. مقطع چهارم سوره مبارکه و افعه این شکوک را برطرف ساخته و آنها نازل شده از جانب الله متعال جل جلاله معرفی میکند و برای اثبات آن بر نجوم قسم یاد میکند.

### **(5) مقطع پنجم**

مقطع پنجم سوره و افعه از آیه (83-96) بیان گر حالت احتضار است که برای انسان خود بیان گر و افعه قیامت است که درین مقطع آنها با صراحت بیان میدارد و انسان را متوجه میسازد که این حالت نیز از تصور انسان بدور است که چگونه شخصی که قبلاً حرکت میکرد امروز با یک حالتی که هیچ انسان نمیتواند احساس کند چه چیزی انسان را بیحرکت میسازد ولی این حادثه اتفاق می افتد و هیچ انسانی از آن مستثنی نیست که همه این ها دلیل بر وقوع قیامت کبری است.





## مقطع اول سوره مبارکه واقعه

### وقوع قیامت و حالت و اوضاع جهان هستی از آیه اول الی ششم (1-6).

مقطع اول سوره مبارکه واقعه بیان از وقوع قیامت است که الله متعال آنرا با حرف شرط بیان داشته و در آیه بعدی بطور قطع از اثبات قیامت خبر میدهد و اینکه اگر انسان بپذیرد و یا خیر این قیامت در حال وقوع بوده و هیچ مانعی برای آن وجود ندارد اینکه حالت و اوضاع جهان هستی تغییر خواهد کرد و زمین همواری که مکان آرام و آسایش برای انسان و موجودات دیگر است به لرزه در خواهد آمد و کوه که زمین را آرام نگهداشته از جای برکنده خواهند شد و ریزه ریزه خواهد گشت.

### موضوع اول: مناسبت های این مقطع

#### فرع اول: مناسبت این مقطع با مقطع اخیر سوره قبلی

سوره واقعه با سوره رحمن در چند موضوع با هم مناسبت دارد:

1. سوره الرحمن و سوره واقعه هر دو بحث از نعمت ها برای بهشتیان و عذاب ها برای جهنمی ها دارد، که سوره الرحمن با متمایز ساختن جنت گروه سابقین را مشخص میسازد و سوره واقعه به صراحت نعمت های سابقین را جدا از اصحاب الیمین ذکر میکند.
2. سوره رحمن و سوره واقعه هر دو قیامت، بهشت و جهنم را توصیف نموده و از نعمت های بهشت و عذاب های جهنم یاد آوری میکنند.
3. سوره رحمن در ابتداء از بزرگی پروردگار جل جلاله و قرآن کریم ، خلقت انسان و جن ذکر آفتاب و مهتاب و قیامت ، بهشت و جهنم ، نعمت ها و عذاب های مربوط به انسان ها سخن گفته است و سوره واقعه در ابتداء از وصف قیامت شروع نموده و تقسیم انسان ها حسب اعمالشان و نعمت ها و عذاب های مربوط به آنها سخن گفته و بعد از خلقت انسان و نبات و نزول آب و خلقت آتش سخن گفته است ، در اخیر حقانیت قرآن کریم و تسبیح الله سبحانه و تعالی را بیان داشته است و لکن هر کدام عکس دیگر است چون آنچه در اول سوره رحمن بیان شده در اخیر سوره واقعه از آن ذکر بعمل آمده است و آنچه در اخیر سوره رحمن ذکر شده در ابتداء سوره واقعه ذکر یافته است، مثلاً در ابتداء سوره رحمن ذکر از قرآن کریم و آفتاب و مهتاب است و بعد از خلقت انسان و جن و خلق آتش و سپس وصف

قیامت و آتش جهنم ، و سوره واقعه شروع به وصف قیامت و وحشت آن پس از آن توصیف از بهشت و سخن از آتش جهنم پس از آن خلقت انسان را بیان میدارد ، باز از نبات و آب و آتش و پس از آن ذکری از ستاره گان دارد که در سوره رحمن ذکر نشده بدانگونه که یادی از آفتاب و مهتاب در این سوره صورت نگرفته است ، و چون تقابل ، تضاد و عکس بودن هم نوعی از متناسب است در اینجا این نوع مناسبت وجود دارد. که این سوره عکس سوره قبلی است.

4. همچنان اخیرسوره رحمن بیان گر صفات الهی از باب نفی و اثبات است و اول سوره واقعه بیان گر احوال قیامت و ثواب ها و عقوبات است که هر کدام آن دلالت بر عظمت شأن الهی و کمال قدرت الله جل جلاله دارد.<sup>1</sup>

#### فرع دوم : مناسبت این مقطع با محور سوره.

محور سوره واقعه عبارت از اثبات وقوع قیامت است که با انواع دلایل آنرا به اثبات رسانیده و چگونگی وقوع قیامت و اینکه وقوع قیامت چه پیامد های در قبال انسان داشت را بیان میدارد و مقطع اول سوره بطور مقدمه وقوع قیامت و اینکه نتیجه برخورد انسان ها در برابر وقوع قیامت چیست و وقتی که قیامت بر پا شود چه احوال انسان ها و در مجموع زمین و آنچه بر آن است را بیان میدارد.

مقطع اول سوره از آیه اول آن الی آیه ششم سوره بیان گر وقوع قیامت است که وقتی این واقعه و حادثه بوقوع بپیوندد هیچ احدی را اختیار و قدرت منع وقوع آن نیست حتی کسانی که امروز آنرا انکار میکنند هم نمیتوانند با دیدن وقوع رستاخیز آنرا انکار کنند و بزرگترین مخلوق روی زمین که همانا کوه ها است در آن روز از تحمل این حادثه بزرگ عاجز مانده جز ریزه ریزه شدن چاره ای دیگری ندارد که الله متعال جل جلاله از آن یاد آوری نموده است<sup>2</sup> □ □ □ □<sup>2</sup> یعنی کوه ها مانند گرد های دیده شده در روشنی آفتاب میگردند).

و همچنان انسان های که آنرا تصدیق نموده درین روز به علوی شأن میرسند و کسانی که آنرا تکذیب نموده و انکار کرده اند به پست ترین منزلت نزول میکنند.

1 - مفاتیح الغیب فخر الرازی. الرازی ، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التیمی الرازی الملقب بفخر الدین الرازی خطیب الری. متوفی (606هـ). طبع سوم. سال طبع (1420هـ). اجزاء : (32). ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت. ج29، ص384. و التفسیر المنیر: ج 27، ص237.

2 - الواقعة: ه



## فرع سوم: توضیح برخی کلمات این مقطع

### 1. الْوَاقِعَةُ:

واقعه عبارت از قیامت است که الله متعال در قرآن کریم به نام های مختلف آنرا مسمی نموده است. و صاحب کتاب المعجم الوسیط گفته است: (الواقعة) القيامة والنازلة من صروف الدهر والمصادمة وهي اسم من الواقعة بالحرب وهي الصدمة بعد الصدمة ويقال رجل واقعة شجاع (في الفلسفة) ما حدث ووجد<sup>1</sup>. ترجمه: واقعه عبارت از قیامت است، مانند نازله از حوادث زندگی است، و مصادمه اسم از اسماء واقعه جنگ است به معنی ضربه بعد از ضربه، چنانکه گفته می شود (رجل واقعة) شجاع یعنی مرد شجاعی است. و در فلسفه به چیزی می گویند که جدیداً بوجود آمده و بدست آمده.

صاحب کتاب (تاج العروس) قول زجاج رحمة الله علیه<sup>2</sup> را ذکر نموده می فرماید: إذا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ، يُقَالُ لِكُلِّ آتٍ يُنَوَّقَعُ: قَدْ وَقَعَ الْأَمْرُ.<sup>3</sup> ترجمه: زجاج در تفسیر قول الله متعال فرموده است: اذا وقعت الواقعة، گفته می شود برای هر حادثه در حال آمدن انتظار کشیده می شود. و آن حادثه اتفاق می افتد.

### 2. كَاذِبَةٌ:

بعضی آنرا مصدری همچون عاقبة خاتمة و عافیه به معنی دروغ میدانند. برخی هم آن را اسم فاعل می شمارد در صورت اخیر معنی آیه چنین است به هنگام وقوع قیامت هیچکس نمیتواند آن را انکار و تکذیب کند چرا کاذبه مونث آمده است. مصدر است مانند عافیه، کذب و کاذبه اسماء اند که در مواضع مصادر قرار داده شده اند. امام زجاج رحمة الله علیه فرموده است: چنانکه گفته می شود (حَمَلَةٌ فَلَانٍ لَا تَكْذِبُ أَي لَا يَرُدُّ حَمَلَتَهُ شَيْءٌ). اشیاء نقل شده فلان شخص واپس کرده نمی شود، یعنی آنچه آورده شده و یا انتقال داده شده برگردانیده نمی شود. امام فراء رحمة الله علیه فرموده

1 - معجم الوسیط، ج2، ص1051.

2 - الزجاج، ابراهیم بن السری بن سهل، ابو اسحاق، عالم نحو و لغت بوده در بغداد در سال 241 متولد شده و در همانجا در سال 311 وفات یافته است. علم نحو را از استادش میرد فرا گرفته است و دارای مناظراتی با ثعلب نیز دارد. عبید الله بن سلیمان برای فرزندش استادی را از میرد رحمة الله علیه طلب نموده ایشان زجاج رحمة الله علیه را به ایشان معرفی نمود. از مشهورترین کتب ایشان: 1- معانی القرآن، 2- اشتقاق، 3- خلق الانسان 4- الامالی در ادب و لغت، 5- فعلت و افعلت در علم صرف، مثلث در علم لغت، 6- اعراب القرآن، را میتوان نام برد. الاعلام، زرکلی، ج1، ص40.

3 - تاج العروس، ج22، ص353.

: هیچ چیزی قابل انکار نیست و نمی شود که برگردانیده شود و کاذبه در این جا مصدر قرار گرفته است.<sup>1</sup>

### 3. خَافِضَةٌ:

خافضه، خفضه، یخفضه خفضا، فانخفض، و اختفض. از خفض گرفته شده ضد رفع. و تخفیض: کشیدن سر شتر است بسوی زمین، و عبارت از پایین نمودن آواز زن را گفته می شود، همچنان خفض و خفیضه به زندگی آسان و آرام نیز گفته می شود. و درین جا به اسم فاعل آورده شده که پایین و پست کننده بعضی از افراد است که معاصی انجام داده و اوامر الهی را نادیده گرفته اند. چنانکه صاحب کتاب ( المحکم و محیط المعظم) نقل نموده: (الْخَفْضُ: ضِدُّ الرَّفْعِ، خَفْضُهُ يَخْفِضُهُ خَفْضًا، فَانْخَفَضَ، وَاخْتَفَضَ. وَالتَّخْفِيزُ: مَدَكُ رَأْسِ الْبَعِيرِ إِلَى الْأَرْضِ: يَكَادُ يَسْتَعْصِي عَلَى مُخْفِضِهِ وَامْرَأَةٌ خَافِضَةُ الصَّوْتِ، وَخَفِيزَةُ الصَّوْتِ: وَالْخَفْضُ وَالْخَفِيزَةُ، جَمِيعًا: لِيْنِ الْعَيْشِ وَسَعْتِهِ).<sup>2</sup> ترجمه: خفض ضد رفع است و خفضه یخفضه خفضا، فانخفض، و اختفض ازین باب آمده است. و تخفیض به معنی پایین کشیدن سر شتر بسوی زمین است. قریب است که شتر بر کسی که می خواهد سراورا به سوی زمین بکشد نافرمانی نماید. و زن صدای خود را پایین می کند. و پایین نمودن صدا است. خفض و خفیضه هر دو به معنی زندگی آرام و راحت گفته می شود.

### 4. رَافِعَةٌ:

رافعه ضد خافضه است و از رفعت گرفته شده به معنی بلندی و بزرگی، و رافعه به معنی راجع نمودن حکم است به حاکم و یا قاضی، شکایت نمودن برای کسی. زجاج رحمة الله علیه فرموده است: (الْمَعْنَى: أَنَّهَا تَخْفِضُ أَهْلَ الْمَعَاصِي وَتَرْفَعُ أَهْلَ الطَّاعَةِ).<sup>3</sup> ترجمه: رافعه به این معنی که پست می سازد اهل معاصی و نافرمان را و بلند می گرداند اهل طاعت و فرمان بر دار را. چنانکه در حدیثی رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: ((إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ الْآخَرِينَ)).<sup>4</sup> ترجمه: بیشک الله متعال بلند می سازد به واسطه این کتاب اقوامی را و پست می سازد بعضی را.

ازین حدیث دانسته می شود که رفع و رافعه به معنی بلندی است.

1 - تهذیب اللغة. ابو منصور الهروی، محمد بن احمد بن الازهری الهروی. متوفی (370هـ). طبع اول. سال طبع (2001م). تعداد اجزاء (8). تحقیق: محمد عوض مرعب. ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت. ج 10، ص 98.

2 - المحکم و محیط المعظم المرسی، ابوالحسن علی بن اسماعیل بن سیده. متوفی (458هـ). طبع اول. سال طبع (1421هـ-2000م). تعداد اجزاء (11) با فهرست. تحقیق: عبدالحمید هنداوی. ناشر: دار الکتب العلمیه، بیروت. ج 5، ص 34.

3 - تهذیب اللغة. ج 2، ص 216.

4 - صحیح مسلم، ج 1، ص 559.

## 5. رُجَّتْ :

رج، یرج، رجاً، رجت به معنی حرکت شدیدی است که سبب انهدام همه آنچه بر روی زمین است می شود. الله متعال درین مورد فرموده است: **{إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا}** زمانی که زمین بلرزد به لرزیدن شدید.<sup>1</sup>

شیخ ابوسعود رحمة الله علیه<sup>2</sup> در تفسیرش فرموده: زلزله شدیدی که هر آنچه از بلندی است را پست می سازد و آنچه از پستی است را بلند می گرداند به این معنی که هیچ پستی و بلندی در زمین باقی نمی ماند همه یکسان هموار می گردد.<sup>3</sup>

## 6. بُسَّتْ :

بست به معنای ریزه شده و به خاک یکسان شده را گویند چنانکه تاج العروس نقل نموده: **وَقَالَ الرَّجَّاجُ: بُسَّتْ: لُتَّتْ وَخُلِطَتْ، وَقَالَ ثَعْلَبٌ: خُلِطْتُ بِالثَّرَابِ، وَنَقَلَ اللَّحْيَانِيُّ عَنْ بَعْضِهِمْ: سُوَيْتٌ.**<sup>4</sup> ترجمه: زجاج گفته است: بست به معنی آرد و خلط شد، و ثعلب گفته: با خاک یکسان گشت. لحياني از بعضی نقل نموده که هموار و یکسان گشت. یعنی آن کوه های شامخ و بزرگ با خاک یکسان گشته و بلندی های خویش را از دست داده اند. و به پستی زمین رسیده اند.

## 7. هَبَاءٌ :

هبا از هبو گرفته شده به معنی غبار و گردی است که در اثناء روشنی آفتاب دیده می شود. المفردات فی غریب القرآن گفته: **(هَبَاَ الْغَبَارُ يَهْبُؤُ: ثَارٌ وَسَطِعٌ، وَالْهَبُوءَةُ كَالْغَبْرَةِ، وَالْهَبَاءُ: دَقَاقُ الثَّرَابِ وَمَا نَبَتَ فِي الْهَوَاءِ فَلَا يَبْدُو إِلَّا فِي أَثْنَا ضَوْءِ الشَّمْسِ فِي الْكُوَّةِ. قَالَ تَعَالَى: فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا- [الفرقان/ 23] ، فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا. [الواقعة/ 6] .**<sup>5</sup> ترجمه: هبا غبار گفته می شود که در

1 - تاج العروس من جواهر القاموس الزبیدی، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، ملقب به مرتضى. طبع (ب ت). تعداد اجزاء (35). تحقيق: مجموعة محققين. ناشر: دار الهداية. ج5، ص591.

2 - ابوسعود، محمد بن محمد بن مصطفى العمادي الحنفي، از علماء ترك بود. شاعر و مفسر عالم جيد بوده در سال 893 با اختلاف اقوال در قرب شهر قسطنطنيه متولد گردیده، در سال 952 مسند فتواى بوى واگزار گردید، و مسند قضاء را در شهر قسطنطنيه و ايلي روم به پیش برده است. از مشهور ترین کتب و تصانیف آن: تفسیر که به اسم خودش مشهور است (ارشاد عقل السليم الى مزایا الكتاب الكريم)، قصه هاروت و ماروت، تحفة الطلاب، رساله در مسح على الخفين، و رساله در مسئله وقوف، را میتوان نام برد. از استادان مشهور ایشان: پدرش محمد بن مصطفى العمادی و عیسی بن امید خان الامیر الفاضل، المعروف سعدی حلبی. و محمد بن مصطفى القوجوی، المعروف شیخ زاده. می باشند. ایشان در نزد بزرگان سیاسی دارای قدر و منزلت زیادی بوده و در سال 982 در شهر قسطنطنيه در جوار حضرت ابو ایوب انصاری رضی الله عنه به خاک سپرده شده است.

3 - ارشاد العقل السليم الى مزایا الكتاب الكريم، العمادی، ابو سعود محمد بن محمد بن مصطفى. متوفی (982). ناشر: دار احیاء التراث العربی بیروت. ب ت. تعداد اجزاء (8).

ج8، ص188.

4 - تاج العروس، ج15، ص456.

5 - المفردات فی غریب القرآن، ج1، ص832.











مراد از یوم التلاق جمع شدن آدم و آخرین فرزندش است. قتاده گفته است مراد از یوم التلاق جمع شدن اهل آسمان و اهل زمین و خالق و مخلوق است.<sup>1</sup>

روز قیامت به مانند این اسم ها اسماء زیادی دارد که علماء آنرا در کتب خود ذکر نموده اند ولی به سبب طویل شدن بحث آنها را با شرح آن ذکر نخواهیم نمود و فقط به ذکر خود اسم اکتفاء مینمایم: و این اسماء عبارت اند از : **1 یوم الآخرة. 2 یوم البعث. 3 یوم الخروج. 4 یوم الفصل. 5 یوم الدین. 6 یوم الحسرة. 7 یوم الجمع. 8 یوم التغابن. 9 یوم التناد. 10 یوم الخلود. 11 یوم الوعيد. 12 القارعة. 14 الصاخة. 15 الطامة. 16 الحاقاة. 17 الغاشية. 18 الآزفة.** این اسماء را صاحب کتاب القیامة الکبری ذکر نموده است.<sup>2</sup>

امام غزالی<sup>3</sup> رحمه الله علیه در کتابش احیاء علوم الدین حکمت کثرت اسماء قیامت را چنین ذکر می کند: ذکر اسماء قیامت برای بهتر توصیف نمودن آن نیست ، بلکه برای اینکه بر هر اسم آن تفکر و تدبیر نمودن لازم است نه اینکه کثرت اسمی برای تکرار اسمی است بلکه برای آن است که صاحبان خرد در مورد آن تفکر نمایند و در هر اسم از اسماء قیامت اسراری است و در هر نعت از نعوت آن معانی.<sup>4</sup>

### ج : مراحل وقوع قیامت

وقوع قیامت دارای دو مرحله بوده است که الله متعال در آیه های قرآن کریم به آن اشاره نموده است.

گرچه علماء و دانشمندان اسلامی و مفسرین کرام اختلاف نظر یاتی را مبنی بر وقوع قیامت بیان داشته و گفته اند که مراحل وقوع قیامت سه است که عبارت اند از : **1 مرحله فزع. 2 مرحله صعق. 3 و مرحله قیام.** ولی امام قرطبی و امام رازی رحمه الله علیهم اجمعین قول ترجیح را بیان داشته و فرموده اند که وقوع قیامت دارای دو مرحله بوده است که در ذیل آنرا بطور تفصیل ذکر خواهیم نمود.<sup>5</sup>

1 - تفسیر القرآن العظیم ، ج 7، ص 122.

2 - القیامة الکبری ، ص 19-30.

3 - غزالی ، ابوحامد محمد بن محمد غزالی الطوسی ، فیلسوف ، متصوف ، و عالم مشهور جهان اسلام بوده که تعداد مولفانش به دوصد می رسد در طائران خراسان متولد گردیده و در سال (505 هـ) در طائران خراسان وفات یافته است ، نسبت او به غزال از جهت اینکه از قریه غزاله طوس بوده شهرت یافته است . سیر اعلام النبلاء ج 19، ص 328.

4 - احیاء علوم الدین. غزالی ، ابو حامد محمد بن محمد الطوسی. متوفی ( 505). سال طبع (بت). عدد اجزاء (4). ناشر دار المعرفه ، بیروت ، لبنان. ج 4، ص 516.

5 - جامع لاحکام القرآن ، ج 13، ص 240.





علیه وسلم فرمودند: الله متعال زمین را در قبضه خود میگیرد و آسمان را بادتش در هم میبچد، سپس میفرماید: من پادشاه و فرمانروایم، پادشاهان زمین کجایند.

بعد از دمیده شدن صور الله متعال مالک بودن صاحب اختیار بودن خود را برای همه اعلام میدارد که این ملکیت دنیا فنا شدنی بود و انسان های متکبر و ظالم از آن عبرت نگرفته و محاسبه روز حشر و ایستاده شدن در برابر شاهنشاه و مالک حقیقی را فراموش نموده بودند، امروز همه ندامت و پشیمانی که هیچ سودی برای شان نخواهد داشت اظهار خواهند کرد و لی وقتی است که دیگر فایده ی ندارد و انسان فرجام کار و عملی که در دنیا مرتکب شده خواهند دید. ابوجهل که بزرگی قوم و تعصب جاهلیت او را از پذیرفتن حق باز داشت و در برابر دعوت پیامبر دشمنی اختیار نمود خوار و ذلیل از قبر برخواید خواست و پسرش عکرمه با پذیرفتن حق شاد و خرم از کار کرد هایش راضی بوده و مشمول نعمت های پروردگار قرار خواهد گشت.

### ➤ مرحله دوم: قیام ( برخواستن از قبر )

مرحله دوم عبارت از قیام و برخواستن انسان ها از قبور است که همگی از قبر ها برخواسته و بسوی محشر در حرکت میشوند درین مورد رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: (عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: ( إِنِّي أَوَّلُ مَنْ يَرْفَعُ رَأْسَهُ بَعْدَ النَّفْخَةِ الْآخِرَةِ، فَإِذَا أَنَا بِمُوسَى مُتَعَلِّقٌ بِالْعَرْشِ، فَلَا أَدْرِي أَكْذَلِكُ كَانَ أَمْ بَعْدَ النَّفْخَةِ )<sup>1</sup> ترجمه: از ابی هریره رضی الله عنه روایت از که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: من اولین کسی هستم که بعد از نفخه دوم سرخود را ( از قبر ) بلند می کند، ناگاه موسی را می بینم که آویخته به عرش است، نمیدانم که ( از آغاز ) چنان بوده، یا بعد از نفخه (پیش از من ) برخاسته است.

چنانکه در حدیث شریف قبلاً گزشت بین نفخه اول و دوم چهل (سال ، ماه ، روز) فاصله است بعد از آن بار دیگر الله متعال برای اسرافیل امر مینماید که در صور بدمد و انسان ها را برای حساب و کتاب فراخواند.

در ابتداء سوره واقعه نیز الله متعال از نفخه دوم یاد میکند: **أَأْتِي تِي □ □ □ □**

□ <sup>2</sup> ترجمه: هنگامی که واقعه ( ی عظیم قیامت ) برپا شود-رخ دادن آن قطعی و جایی تکذیب

نیست <sup>3</sup>.

1 - صحیح البخاری، ج 6، ص 126.

2 - الواقعة: ۱ - ۲

3 - جامع لاحکام القرآن، ج 17، ص 194.







بیمعنا بوده و آنچه که امروز حق و حقیقت است بر خلاف کردار من است و بدون اینکه فیصله بر آن شود خود را مقصر دانسته و از زمره هلاک شده گان بحساب می‌آورد.

در آیه دیگر قرآن کریم الله متعال از حالت دنیای ایشان یاد آور شده می‌فرماید: ﴿أَمْ لَمْ يَلْمِزْهُمْ عَزَمَ الْفَرُوقَ﴾<sup>۱</sup> ترجمه: گناهکاران پیوسته (در دنیا) به مؤمنان می‌خندیدند و ایشان را ریشخند می‌کردند - و هنگامی که مؤمنان از کنار ایشان می‌گذشتند ، با اشارات سر و دست و چشم و ابرو، آنان را مورد تمسخر و عیبجویی قرار می‌دادند - و هنگامی که گناهکاران به میان خانواده‌های خود بر می‌گشتند ، شادمانه باز می‌گشتند ( و به استهزاءها و تمسخرهایشان مباحات و افتخار می‌کردند ! انگار با این کارها فتح عظیمی کرده‌اند و پیروزی مهمی فراچنگ آورده‌اند!) - و هنگامی که مؤمنان را (در کوچه و بازار) می‌دیدند ، می‌گفتند : اینان قطعاً گمراه و سرگشته‌اند - و حال این که بزهدکاران برای نگرهبانی مؤمنان و پائیدن کردارشان فرستاده نشده بوده‌اند(پس به چه حقی ، و مطابق کدام منطقی بر آنان خُرده می‌گرفته‌اند و برخوردی ناجوانمردانه و سختی با ایشان می‌کرده‌اند ؟ ! ) - لذا امروز (که روز سزا و جزای قیامت است) مؤمنان به کافران می‌خندند و ریشخندشان می‌کنند- بر تخت‌های مجلل(بهشتی) تکیه می‌زنند و(به زیباییها و نعمتهای بسیار آنجا ، و به حال زار کافران) - (خطاب به دوزخیان می‌گویند): آیا به کافران پاداش و سزای کارهایی که می‌کرده‌اند ، داده شده است ؟.

قرآن کریم از مشرکین مکه یاد میکند که آنها بر اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌خندیدند و آنها را به تمسخر می‌گرفتند تا جایکه اگر یکی از آنها با مسلمانان روبرو میشد چنان آنها را با زیر چشم و لب هایشان و با اشارات برای دیگران معرفی می‌کردند که همه می‌خندیدند ولی الله متعال در مقابل این کردار شان آیه های فوق را نازل فرمود که مسلمانان اطمینان داشته باشید که روزی شما در نعمت ابدی که هرگز نابود شدنی نیست و فنا نمیشوند خواهید بود و آنکسانی که امروز بر شما می‌خندند روز قیامت در عذاب درد ناک ابدی خواهند بود که شما بر آنها خواهید خندید و آنها را در حالت سخت عذاب خواهید دید.

۱ - المطففین: ۲۹ - ۳۶

گروه دومی که روز قیامت به اعلی درجات میرسند کسانی اند که در دنیا ضعیف و ناتوان بوده و برای رسیدن به حق و حقیقت هر گونه آزار و اذیت و شکنجه و گرسنگی و تشنگی را متحمل شده اند و برای دفاع از حق حتی خون های شان ریخته شده مال های شان به یغما برده شده و ده ها مصایب و مشکلات بر آنها رسیده است و لی در مقابل صبر اختیار نموده و منتظر کیفر و پاداش اخروی بودند.

الله متعال از آنها یاد نموده میفرماید: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقْوَاهُ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴾ [نور: ۱] ترجمه: و اما هر کس که نامه اعمالش به دست راست او داده شود، ( فریاد شادی سر می دهد و ) می گوید: (ای اهل محشر! بیایید) نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید!- آخر من می دانستم که (رستاخیزی در کار است و ) من با حساب و کتاب خود رویاروی می شوم - پس او در زندگی رضایت بخشی خواهد بود - در میان باغ والای بهشت ، جایگزین خواهد شد - میوه های آن در دسترس است - در برابر کارهایی که در روزگاران گذشته (دنیا) انجام می داده اید . بخورید و بنوشید، گوارا باد !.

مسلمانان در روز قیامت چنان خرسند و خوشحال میباشند که با رسیدن نامه اعمال بدست راست ایشان فریاد میزنند که من کامیاب شدم و من امروز رستگاری نصیب حالم گردید بشارت های الهی برایش داده میشود که در برابر تحمل سختی ها مشکلات و مصایب صبور بودی امروز نعمات فراوانی در انتظارت است هرگونه که میل داری از آن استفاده کن و بیاد داشته باش که این نعمت ها فنا شدنی نیستند.

در نتیجه الله متعال در آیه کریمه فرموده است که وقوع قیامت سبب تقسیم انسان ها میشود بعضی ها که در دنیا مشغول هوس پرستی و تکبر و غرور بودند امروز جایگاه شان عوض خواهد شد و کسانی که در دنیا منقاد فرمان بردار و نیک سرشت بودند به جایگاه ولایی دست پیدا خواهند کرد.

## و : حالت زمین و کوه ها

قیامت حادثه بسیار بزرگی است که در هیچ صفحه از قرآن کریم نیست که از آن یاد نشده باشد و این حادثه بزرگ موثر بر طبیعت و تمام آنچه عالم دانسته میشود میباشد الله متعال تاثیر وقوع قیامت را بر زمین و آنچه بر آن بنا شده و یا بحیث میخ ها بر زمین استوار قرار گرفته است را بیان میدارد.

زمین با وقوع قیامت حالت عادی خود را از دست داده و به اهتزاز و حرکت در میاید و کوه ها که مهم ترین عنصر برای برقرار بودن زمین میباشد مانند گرد و غبار در خواهند آمد و سختی و قوت خود را از دست خواهند داد الله متعال درین مورد میفرماید: **أَأَنْتَ أَشَدُّ حَالًا** □ □ □ □ تو درباره کوهها می پرسند ( و می گویند : کوههایی بدین عظمت - که به عقیده ایشان قابل تزلزل نیست - به هنگام پایان گرفتن جهان چه سرنوشتی خواهند داشت؟) . بگو : پروردگام آنها را از جا می کند و ( در هوا ) پراکنده می دارد ( و برباد می دهد ) .

کوه ها وسیله استوار ماندن زمین بوده اند چنانکه الله متعال در قرآن کریم به آن اشاره نموده میفرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَقِيمُوا فِي تَطَوُّرِ الْكَوَاكِبِ** □ □ **2** ترجمه: و آیا کوهها را میخهائی(برای نگاهداری زمین در برابر فشار مواد مذاب درونی) ننموده ایم؟

زمین بواسطه این کوه ها استوار و برقرار بوده و از تحرک و لرزش باز مانده بود ولی وقتی الله متعال قیامت را بر پا نماید این حالت زمین و کوه ها دگرگون خواهد شد و چنانکه آیه پنجم و ششم این مقطع به آن اشاره دارد کوهها مانند گندم بریان شده کوبیده شده در خواهند آمد و صلابت خود را از دست خواهند داد الله متعال در سوره قارعه مثال پراکنده شدن کوه ها را بمانند پخته ندافی شده که پراکنده شده و با اندک باد از یک جا بجای دیگر انتقال میکند بیان میدارد: **تِي سَمَكًا مَسْمُومًا** □ □ □ **3** ترجمه: و کوهها ، همسان پشم رنگارنگ حلاجی شده می شوند . یعنی این سختی که دارند از بین خواهد رفت.

1 - طه: ۱۰۵

2 - النبا: ۷

3 - القارعة: ۵

زمین و آنچه بر آن بحیث بنا است همه باهم تغیر نموده و زمین که سال ها انسان بر آن تلاش نموده و در آن بنا های مستحکمی ساخته است به یکبارگی بر هم خورده و نابود خواهند شد و همچنان کوه ها که بار سنگینی بر دوش زمین است و میخ های است که زمین را آرام ساخته تا انسان با کمال خاطر بر آن زیست نموده و از دستورات الهی پیروی نماید و خلافت الهی را بر پادارد در آن روز جز مانند پشم حلاجی شده و یا گرد و غبار چیزی دیگری نخواهند بود.

### موضوع سوم : درس ها و اندرز های مستفاد ازین مقطع

- 1- خافضة رافعة: این آیات ضمن بیان حوادث رستاخیز ، ترغیب و تشویق مومنان است که در انجام نیکی ها پیش از پیش کوشش کنند تا با مقامات عالی نایل آیند ، و همچنان تهدید و هشدار ی است برای مجرمان که اصرار آنها بر طغیان و گناه سبب سقوط و سرنوشت بد آنها در آن روز خواهد بود.
- 2- قیامت برپا شدنی است و اینکه مخالفت جز زیان و نقصان در پی نخواهد داشت.
- 3- انسان ها بر تناسب اعمال شان روز قیامت محاسبه میشوند : با مخالفان به شکل خودشان و با موافقان به شکل خودشان معامله صورت میگیرد.
- 4- در برابر امر الهی بزرگی کوه ها هم تاب مقاومت ندارند و همگی چنانکه قبلاً گفتیم از هم می پاشند و تکه تکه میشوند، پس انسان ضعیف و ناتوان چگونه بخود جرأت میدهد که با امر الهی مخالفت نماید.
- 5- قرآن کریم یکی از شیوه های دعوت را برای داعیین معرفی میکند و آن اینکه وقتی میخواستید پیام الهی را برسانید میتوانید از انذار و بیم دادن کار بگیریید تا بتوانید هدف را بدست آورید.

الله متعال با لفظاً □□□□ فرموده است که هیچ کسی نمیتواند آنرا تکذیب نماید و یا جای تکذیبی برای آن وجود ندارد، یعنی سزاوار انسان نیست که آنرا تکذیب نماید.<sup>1</sup>

1-الجامع لاحکام القرآن ، ج17، ص195.

## مقطع دوم سوره مبارکه واقعه

### تقسیم افراد انسان ها به سه گروه، نعمت ها و عذاب های مربوط به آنها از آیه (7-56)

بعد از آنکه الله متعال از وقوع قیامت خبر میدهد و اینکه وقوع قیامت سبب تقسیم افراد به گروه های مختلف میشود و قیامت است که در تقسیم افراد نقش مهم دارد درین مقطع پیرامون دسته های سه گانه از انسان ها که روز قیامت به اساس اعمال و کردار شان تقسیم میشود و برخورد الهی با آنها در اجرای پاداش نیک و رسیدن انسان ها به نعمت ابدی و یا هم جزای انسان های متکبر و خود خواه و غیر مسلمان که در برابر فراخوان حق به پا ایستاده شده و تکبر کنان از آن اعراض نموده اند و عذاب های که در آخرت بسبب این اعمال نصیب شان خواهد شد. که در آن موضوعات ذیل مورد بحث قرار می گیرد:

### موضوع اول: مناسبت های این مقطع

#### فرع اول: ربط مقطع با محور سوره

محور سوره مبارکه واقعه عبارت از اثبات وقوع قیامت است که ضمن وقوع قیامت از حوادثی که در آن روز رخ خواهند داد نیز خبر میدهد و بزرگترین حادثه بعد از بوقوع پیوستن قیامت تقسیم افراد است که به رستگاران و زیان کاران تقسیم خواهند شد پس ربط محور سوره مبارکه واقعه با مقطع دوم که تقسیم افراد انسان و نعمت ها و عذاب های آنها است ارتباط مستقیم است.

مقطع دوم سوره بیان گر تقسیم افراد انسان به سه گروه است چون الله متعال به حرف فا اشاره دارد به اینکه آنچه از اصناف ثلاثه بیان می گردد زمانی است که این حادثه بزرگ قیامت به وقوع بپیوندد. افراد انسان به سه گروه تقسیم خواهند شد که دو دسته و گروه آن به رستگاری خواهند رسید و لی گروه سوم جز خسران و زیان نتیجه دیگری بدنبال نخواهند داشت.<sup>1</sup>

گروه اول کسانی که مقرب درگاه کبریا خواهند بود آنها در دنیا نیز جز عمل نیک و مفید کاری نکرده و به بیراهه نرفته و از صراط المستقیم تجاوز نکرده اند این گروه روز قیامت نیز از

1 - مفاتیح الغیب ، ج 29، ص 387.

همه پیش قدم و جلو عرش پروردگار جل جلاله قرار داشته و در مورد دیگران میخوانند تا الله متعال شفاعت ایشان را قبول فرموده و از خطا و نسیان و عمل زشت دیگران درگذر شود.<sup>1</sup>

گروه دوم اصحاب الیمین اند کسانی که الله متعال آنها را به یمین نام برده به دلیل اینکه ایشان با جایگاهی که دارند اعمال نامه خویش را به دست راست خویش دریافت می کنند و یا با نوری از جانب الله جل جلاله روشن کرده شده و مورد استقبال قرار می گیرند و یا دلیل بر این است که خود جمله یمین بیان گر خیر و نیکی و کامیابی می باشد و یا یمین (دست راست) خود بیان گر قوت است که در برابر یسار (دست چپ) بکار رفته است، چون دست راست انسان و جانب راست انسان قوی تر است در برابر دست چپ.<sup>2</sup>

گروه سوم اصحاب الشمال کسانی که در برابر گروه دوم ذکر آنها آمده و از خود لفظ شمال دانسته می شود که که هیچ خیر و صلاح در زندگی ایشان نبوده و همیشه انسان های سرکش طغیان گر و از راه حق و حقیقت بدور بوده اند. در برابر پیامبران و دعوت گران راستین الهی ایستاده حقیقت را نپذیرفته بلکه از حد و حدود خود تا جای تجاوز نموده که دیگران را نیز از قبول حق باز داشته اند این گروه بدترین گروهی است که روز قیامت الله متعال با آنها سخن نمی گوید و آنها را به جهنم که بدترین جایگاه است و سراسر مشقت سختی و عذاب گوناگون خوراکی های نا گوارا و آتش سوزان چیزی دیگری برای ایشان داده نمیشود.<sup>3</sup>

### فرع دوم : ربط این مقطع با مقطع قبلی

بعد از آنکه الله متعال در مورد وقوع قیامت سخن گفت و آنرا با شدت و سختی آن توصیف نمود و حال زمین و کوه ها را بیان داشت که در اثر وقوع آن بلرزه در می آیند و کوه ها مانند گرد و غبار پراکنده می شوند و خود قیامت پست کننده بعضی و بلند کننده بعضی است ، در آیات بعدی از نتیجه وقوع قیامت صحبت می کند که انسان ها به دو گروه تقسیم می شوند یکی سعادت که دارای دو مرتبه اند سابقین آنها کسانی هستند به قول اما فخر الرازی که در مورد دیگران وساطت می کنند و درخواست بخشش دیگران را از الله منان دارند، (وَذِكْرُ السَّابِقِينَ الَّذِينَ لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ وَيَسْبِقُونَ الْخَلْقَ مِنْ غَيْرِ حِسَابٍ بِيَمِينٍ أَوْ شِمَالٍ، أَنَّ الَّذِينَ يَكُونُونَ فِي الْمُنْزِلَةِ الْعُلْيَا مِنْ

1 - مفاتیح الغیب ، ج 29، ص 387.

2 - همان

3 - همان







چه سمت چپهائی؟! ( بدا به حالشان!) . آنان در میان شعله‌های آتش و آب جوشان بسر خواهند برد! . و در سایه دودهای بسیار سیاه و گرم قرار خواهند گرفت . نه خنک است و نه مفید فایده‌ای . چرا که آنان پیش از این ( در دنیا ، مست و مغرور نعمت و ) خوشگذران بوده‌اند. و پیوسته بر انجام گناهان بزرگ ، پافشاری داشته‌اند . و می‌گفته‌اند : آیا زمانی که مُردیم و خاک و استخوان گشتیم ، آیا دوباره زنده گردانده می‌شویم؟! . آیا پدران و نیاکان پیشین ما هم؟! ( که هیچ اثری از آنان باقی نمانده است ، دوباره زنده می‌شوند؟! ) . بگو : پیشینیان و گذشتگان ، و پسینیان و آیندگان . قطعاً جملگی در وعده‌گاه روز معین ( رستاخیز ) گرد آورده می‌شوند . سپس شما ای گمراهان تکذیب کننده ( زندگی دوباره). قطعاً از درخت زقوم خواهید خورد . و شکمها را از آن پر خواهید کرد . و روی آن ، آب جوشان و سوزان خواهید نوشید . و همچون نوشیدن شترانی که مبتلا به بیماری تشنگی شده‌اند ، از آن خواهید نوشید . این ، وسیله پذیرائی از ایشان در روز جزا است.

### فرع دوم : تفسیر اجمالی

الله متعال در ابتداء سوره واقعه اشاره بسوی تقسیم افراد به دسته های که به درجات عالی خواهند رسید و دسته که با اعمال بد ایشان پستی و ذلت و خواری نصیب شان خواهد شد دارد. درین مقطع الله متعال آن دسته ها و گروه ها را بطور تفصیل بیان میدارد که روز قیامت تقسیم و دسته بندی میشوند که الله متعال در ابتداء بطور مقدمه گروه های سه گانه را به معرفی میگیرد تا که انسان خردمند و دارای عقل سلیم از آن پند گرفته و از تکبر و غرور دست کشیده و به راه حق و حقیقت تن دهد و حق را کما کان بپذیرد.

گروه های سه گانه اصحاب الیمین واصحاب الشمال و سابقین سه گروهی است که یکی به طرف دست راست محشر قرار داشته و از جایگاه شان دانسته میشود که رستگاری نصیب شان میشود و نامه اعمال ایشان به دست راست ایشان داده خواهد شد و به بهشت جاویدان داخل کرده میشوند. گروه دوم اصحاب شمال کسانی که از اول امر خواری و ذلت و حقارت و خسران ابدی نصیب شان گردیده که با داده شدن نامه اعمال بدست چپ ایشان آشکار میگردد و این گروه جهنمی بوده و هرگز رستگاری و خلاصی از جهنم نصیب ایشان نخواهد شد و همیشه در رنج و مشقت و عذاب درد ناک الهی دچار خواهند بود، هرگز ازین مشقت کاسته نمیشود بلکه بر آن افزوده شده تا بیشتر رنج کشند. و گروه سوم کسانی که از هر دو گروه قبلی پیشتاز بوده و مقربان درگاه الهی و از

کسانیکه در مورد دیگران شفاعت خواهی خواهند کرد و از درگاه الهی برای گنه کاران و خطا کاران طلب بخشش خواهند کرد و این گروه نزد الله دارای جایگاه والایی اند.

## فرع سوم : توضیح برخی از واژه ها

### 1- مَوْضُونَةٌ:

به زرهی که حلقه های آن پیوسته با هم بافته شده باشد و یا زرهی که با جواهر آراسته شده باشد گفته می شود، چنانکه لسان العرب گفته : **المَوْضُونَةُ: الدَّرْعُ الْمَنْسُوجَةُ، وَيُقَالُ: الْمَنْسُوجَةُ بِالْجَوَاهِرِ، بَعْضُهَا مُدَاخَلٌ فِي بَعْضٍ. وَدِرْعٌ مَوْضُونَةٌ: مُضَاعَفَةُ النَّسِجِ.**<sup>1</sup> و درین لفظ الله متعال نیز برای میوه های بهشت ازین لغت کار گرفته است چون کیله و دیگر میوه جات باهم پیوسته در خوشه ها برای بهشتیان آماده شده و در دست رس ایشان خواهد بود الله جل جلاله می فرماید: **وَطَلْحٍ مَنْضُودٍ (29).** (و در سایه درختان موزی بسر می برند که میوه هایش رویهم ردیف و چین چین افتاده است).

### 2- أَكْوَابٍ:

اکواب جمع کوب یعنی گیلاس و جام است که دارای دهن بزرگ و بیخ کوچک می باشد و دسته ندارد، چنانکه گفته شده: **كُؤْبٌ وَجَمْعُهُ أَكْوَابٌ، وَزَعَمَ أَبُو عُبَيْدَةَ أَنَّ الْكُؤْبَ مِنَ الْإِبَارِيقِ الْوَاسِعِ الرَّأْسِ الَّذِي لَا خِرْطُومَ لَهُ، وَقَالَ: بَلْ هُوَ الَّذِي لَا عُرْوَةَ لَهُ.**<sup>2</sup> ترجمه: کوب جمع آن اکواب است و ابو عبیده گفته که کوب در مقابل اباریق دارای دهن گشاده است و دسته ندارد، و یا اصلاً جای دستگیر ندارد ، . در قرآن کریم الله متعال در جا های مختلف از آن یاد نموده می فرماید: **□ □ □ □ □** <sup>3</sup> (برای آنان به گردش درمی آورند قنحها و کوزه ها و جامهائی از رودبار روان شراب را).

ابریق جمع آن اباریق است ، گیلاس و جام دسته دار و کاس هم جام شراب را گفته میشود که به آن اباریق و کوب گفته می شود چنانکه می گویند: **(لَا يُقَالُ كَأْسٌ إِلَّا إِذَا كَانَ فِيهَا شَرَابٌ وَإِلَّا**

1 - لسان العرب ، ج 13، ص 450.

2 - تصحيح التصحيف و تحرير التحريف. الصفي، صلاح الدين خليل بن ابيك ، متوفى ( 764هـ). طبع اول. سال طبع (1407هـ) - 1987م). تعداد اجزاء (1). تحقيق، تعليق و ترتيب فهرست: السيد الشرفاوى. مراجعه: دكتور رمضان عبدالقواب. ناشر: مكتبة الخانجي، القاهرة. ص 414.

3 - الواقعة: ١٨

فَهِيَ زَجَاجَةٌ وَإِنَاءٌ وَقَدَحٌ، وَتَسْمَى الْخَمْرُ نَفْسَهَا كَأَسًا).<sup>1</sup> ترجمه: کأس و قتی گفته می شود که در ظرف شراب باشد والا آنرا ظرف شیشه یی و جام گفته می شود ، و همچنان خود شراب را نیز کأس گفته می شود.

### 3- لَا يُصَدَّعُونَ

شراب بهشت برای انسان ها درد سر ایجاد نمیکند مانند شراب دنیا که باعث سر درد می شود به اثر خبثت و پلیدی که دارد.<sup>2</sup> همچنان محاسن التاویل گفته : لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا : أي لا يصدر عنها صداعهم لأجل الخمار، كخمر الدنيا، والصداع: وجع الرأس.<sup>3</sup> ترجمه: یعنی لایصدعون درد سر ایجاد نمی کند به سبب نوشیدن زیاد مانند شراب دنیا، و صداع خودش به درد که در سر پدید می آید گفته می شود.

### 4- وَلَا يُنْزِفُونَ

زوال عقل را گفته می شود ، و گفته شده: (أنزف) فلان لم يبق له شيء ويقال جادلته حتى أنزف نرف وشرب خمرا فأنزف سكر أو ذهب عقله وفي التنزيل العزيز {لا يصدعون عنها ولا ينزفون} وَالشَّيْءُ نَرْفَهُ<sup>4</sup>. انزفه یعنی هیچ چیزی برایش باقی نمانده و یا اینکه چنان مجادله نموده تا همه دلیل و براهینش به پایان رسیده و یا هم به کسی گفته می شود که به سبب نوشیدن شراب دنیا عقلش زایل شده باشد، و مراد از این کلمه نیز همین است که الله متعال شراب بهشت را توصیف نموده که عقل انسان ها را ذایل نمی سازد.

### 5- مُتْرَفِينَ

1 - الكليات معجم في المصطلحات والفروق اللغوية الكليات معجم في المصطلحات والفروق اللغوية. ابوالنقاء، ايوب بن موسى الحسيني القريمي الكفوي الحنفي. متوفى (1094 هـ). طبع (ب ت). تعداد اجزاء (1). تحقيق: عدنان درويش محمد المصري. ناشر: موسسه الرساله ، بيروت. ص 776.

2 - بيان المعاني ، بيان المعاني (مرتب حسب ترتيب النزول). العاني ، عبدالقادر بن ملا حويش السيد محمود آل غازي. متوفى (1398 هـ). طبع اول. سال طبع (1382 هـ-1965 م). ناشر: مطبه الترقى، دمشق. ج2، ص241.

3 - محاسن التاويل (تفسير القاسمي). القاسمي، محمد جمال الدين بن محمد سعيد بن قاسم الحلاق القاسمي. متوفى (1332 هـ). طبع اول. سال طبع (1418 هـ). تحقيق: محمد باسل عيون السود. ناشر: دار الكتب العلميه، بيروت. ج9، ص121.

4 - معجم الوسيط ، باب نون .

الترف و مترفین : ترف بمعنی منعم و کسی که به نعمت های الهی دست پیدا نموده. و ترف و مترفین مراد از آن گناهی است که در قیامت به آن عذاب داده شود و بزرگترین گناهان همانا شرک و کفر است.<sup>1</sup> و مترفین کسانی که این گناه هان را پیوسته انجام میدهند و به آن اصرار دارند. الله متعال فرموده: **أُولَئِكَ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ** **۲** **ترجمه:** چرا که آنان پیش از این (در دنیا ، مست و مغرور نعمت و ) خوشگذران بوده اند . و پیوسته بر انجام گناهان بزرگ ، پافشاری داشته اند .

## 6- الْحِنْتُ

یعنی گناه عظیم و بزرگ که عبارت از شرک است گفته می شود: **(الْحِنْتُ، بِالْكَسْرِ): الذَّنْبُ الْعَظِيمُ، وَ (الإثم) ، وَ فِي التَّنْزِيلِ الْعَزِيزِ { وَكَانُوا يَصْرُونَ عَلَى الْحِنْتِ الْعَظِيمِ } (سُورَةُ الْوَاقِعَةِ، الْآيَةُ: 46) وَقِيلَ: هُوَ الشِّرْكُ.**<sup>3</sup> **ترجمه:** حنث که به کسر آید، به معنی گناه بزرگ است و محض گناه را نیز گفته می شود چنانکه الله متعال در قرآن کریم نیز الله متعال فرموده است: و پیوسته بر انجام گناهان بزرگ ، پافشاری داشته اند . و مراد از گناه بزرگ درین آیه عبارت از شرک است که پیوسته به آن پافشاری می نمایند.

## 7- الهيم

به قول صاحب کتاب ( تحفة الاريب بما فى القرآن من الغريب ) گفته: **(الهيم: الإبل يصيبها داء يقال له الهيام تشرب الماء فلا تروى).**<sup>4</sup> **ترجمه:** وقتی شتری به مرض دچار شود و هرچه آب بخورد سیراب نشود الهيم گفته می شود. **معجم المعانى:** هم گفته است که هيم به زمین و شنزاری که سیراب نمی شود گفته شده است .<sup>5</sup>

1 - تفسير الحديث ( مرتب حسب ترتيب النزول). دروزة ، محمد عزت. متوفى (1404 هـ). طبع (ب ت). سال طبع (1373 هـ). ناشر: دار احیاء الکتب العربیة، القاہرہ، ج3، ص232.  
2 - الواقعة: ٤٥ - ٤٦  
3 - تاج العروس ، ج5، ص223.  
4 - تحفة الاريب بما فى القرآن من الغريب . أثير الدين الأندلسي ، أبو حيان محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان. متوفى (745 هـ). طبع اول. سال طبع (1403 هـ). تعداد اجزاء (1). تحقيق: سمير المجذوب. ناشر: المكتب الاسلامي. ص 308.  
5 - معجم المعانى ، پروگرام سافت وير اراء شده برای کمپیوتر و تلفون.

همچنان گفته شده است: ( {الهِيم} هِيَ (بِالْكَسْرِ: الْإِبِلُ الْعِطَاشُ) كَمَا فِي الصِّحَاحِ، وَقَالَ الْفَرَّاءُ: هِيَ الَّتِي يُصِيبُهَا دَاءٌ فَلَا تَرَوِي مِنَ الْمَاءِ، وَاحِدُهَا: {أَهِيمٌ، وَالْأُنْثَى: {هِيمَاءٌ، ثُمَّ يَجْمَعُونَهَا عَلَى هِيمٍ} <sup>1</sup> ترجمه: هیم به کسر ها به معنی شتر بسیار تشنه است، چنانکه در صحاح آمده. فراء گفته است: هیم به شتری گفته می شود که به سبب مرض سیراب نشود هر چند آب بسیار بنوشد. مفرد آن اهیم و مؤنث آن هیماء است و جمع آن هیم می شود.

#### فرع چهارم : توضیح و بیان برخی از موضوعات مهم این مقطع

موضوعاتی که درین مقطع بیان می گردد عبارت از : گروه های سه گانه ای است که الله متعال طبق اعمال و کردار ایشان آنها را به درجه های مختلف تقسیم نموده، و پاداش آنچه از کردار نیک و یا بدی انجام داده بودند و یا هم اعمال زشتی از آنها سر زده بود همه را به تمام جزا داده می شود در ذیل به گروه های سه گانه اشاره خواهیم کرد:

#### الف: السابقین

سابقین عبارت از گروهی که از دو گروه دیگر پیشتاز بوده و به نزد الله جل جلاله دارای مقام و مرتبه و جایگاهی اند. آنها کسانی اند که هرچه از خیر و نیکی در دنیا بوده با خود آوردند و در زندگی دنیا هرچه از زحمات و تکالیف بود کشیدند تا پاداش آخرت را بدست آورند، و برای عشق با خدا همه دنیا و آنچه در آن بود را فدا نمودند.

#### ➤ منزلت سابقین در نزد الله جل جلاله

گروه سابقین کسانی اند که نزد الله متعال دارای قدر و منزلت بوده و از جایگاه والای برخوردار اند چنانکه در آیه کریمه می فرماید: **أَأَنَّكَ كَفَرٌ بِيْءٌ فَسَبَّحْتَ بِمِجْرَابٍ مِّمَّنْ سَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ قَائِلِينَ إِنَّمَا أَكْرَمْتَنَا بِقُرْبَانِكُمْ فَذُقُوا الْحَرَّمَ أَنْ حُرِّمَ لَكُمْ فَذُقُوا كَمَا ذُقْتُمْ** <sup>2</sup> (و پیشتازان پیشگام! - آنان، مقربان (درگاه یزدان) هستند).

سابقین عبارت از گروهی است که دارای فضیلت و درجه اعلیٰ نزد الله متعال برخوردار بوده تا جایکه الله متعال آنها را به لفظ مقربین یاد نموده است امام فخر الرازی در تفسیر آیه میفرماید: سابقین کسانی اند که از آنها حساب گرفته نمیشود و از پیشگامان اصحاب الیمن اند که در اعلا

1 - تاج العروس، باب ه ی م، ص 128.  
2 - الواقعة: ۱۰ - ۱۱

ترین درجات قرار دارند آنها در مورد دیگران شفاعت خواهی میکنند و در مورد دیگران سفارشات دارند که این گروه از فضلاء اصحاب الیمین اند.

در مورد سابقین از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایتی ذکر شده که فرموده است: «أَتَدْرُونَ مَنْ السَّابِقُونَ إِلَى ظِلِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟» قَالُوا: اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «الَّذِينَ إِذَا أُعْطُوا الْحَقَّ قَبِلُوهُ، وَإِذَا سُئِلُوا بَدَّلُوهُ، وَحَكَمُوا لِلنَّاسِ حُكْمَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ»<sup>1</sup>. ترجمه: عایشه صدیقه رضی الله عنها از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت میکند که ایشان فرمودند: میدانید سابقین به سایه (عرش) الهی در روز قیامت کی ها اند؟ گفتند: الله عزوجل و رسولش دانا ترند. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آنها کسانی اند که برای ایشان حق عرضه شود می پذیرند، و وقتی حق خواسته شود ادا میکنند، و حکم میکنند در مورد مردم مانند کسی که در مورد خود حکم میکند.

درین حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم از سابقین یاد میکند که آنها نزد الله متعال دارای قدر و منزلت والای اند که در رفتن زیر عرش الهی سبقت دارند. و در حدیث دیگری طبقات متعدد از انسان ها که باهم در نوع عمل تفاوت میکنند ذکر میفرماید: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: " سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّهِ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: إِمَامٌ عَادِلٌ، وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ، وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ فِي خَلَاءٍ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ، وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فِي الْمَسْجِدِ، وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ، وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالَ إِلَى نَفْسِهَا، قَالَ: إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ، وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا صَنَعَتْ يَمِينُهُ ").<sup>2</sup> ترجمه: از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: هفت گروه اند که الله متعال روز قیامت آنان را در زیر سایه عرش خود قرار میدهد، در روزی که جز آن سایه (عرش) دیگر سایه ی نیست: 1- امام عادل، 2- جوانی که در عبادت الله نشو و نما نموده باشد، 3- شخصی که در خفا الله را یاد کند و چشمانش اشک بار شود، 4- شخصی که قلبش با مسجد بسته باشد، 5- و دو شخصی که باهم برای الله دوست اند، 6- و شخصی که زنی صاحب نصب او را به کار زشتی فرا خواند و در جواب گوید من از الله میترسم و ابا ورزد، 7- شخصی صدقه میدهد طوری پنهان میکند که دست چپ نمیداند که دست راست چه کرده است.

1- مسند احمدین حنبل: ج 40، ص 462. حافظ ابن حجر قول حاکم را ذکر میکند که این حدیث را صحیح اما موقوف دانسته است. ج 4، ص 442.

2 - صحیح البخاری، ج 8، ص 163.

این حدیث هم بیان گر گروه های مختلف است که زیر سایه عرش رحمن قرار داشته و از جایگاه بس عظیمی بر خور دار اند.

پس سابقین گروهی است از همه مقرب تر و دارای جایگاه والای که گروه های دیگری به این مقام و منزلت نخواهند رسید، و اینها در مورد دیگران نزد الله متعال شفاعت خواهی نموده و برای دیگران به اذن الله وساطت خواهند کرد.

### ➤ جایگاه سابقین در بهشت

بهشت بهترین منزل در آخرت است که برای انسان های ابرار و مقربان داده میشود، بهشت دارای هشت دروازه بوده است ،رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: " مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، نُودِيَ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ: يَا عَبْدَ اللَّهِ هَذَا خَيْرٌ، فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّلَاةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّلَاةِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجِهَادِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الْجِهَادِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصِّيَامِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الرِّيَّانِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقَةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّدَقَةِ "، فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا عَلَى مَنْ دُعِيَ مِنْ تِلْكَ الْأَبْوَابِ مِنْ ضَرُورَةٍ، فَهَلْ يُدْعَى أَحَدٌ مِنْ تِلْكَ الْأَبْوَابِ كُلِّهَا، قَالَ: «نَعَمْ وَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ»<sup>1</sup>).

**ترجمه:** از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که در راه الله دو جفتی را صدقه نماید ، از دروازه های جنت صدا زده می شود : ای بنده الله این برایت بهتر است . پس اگر از اهل نماز باشد(بیشتر وقت خویش را به نماز گزرانده باشد) از در نماز خوانده میشود. و اگر از اهل جهاد باشد( بیشتر وقت خویش را به جهاد گزرانده باشد) از دروازه جهاد فراخوانده می شوند.و اگر از اهل روزه باشد( که بیشتر وقت خویش را به روزه گزرانده باشد) از در ریان ( در روزه داران) است فرا خوانده می شود. و اگر از اهل صدقه باشد از دروازه صدقه فراخوانده می شود. ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمود ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم پدر و مادرم فدایت باد ، چه نیازی است بر کسی که از همه این دروازه ها خوانده شود. آیا کسی هست که از همه در های بهشت فراخوانده شود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود بلی و من امید دارم که تو از زمره آنها باشی.

1 - صحیح البخاری، ج3، ص 25.





همچنان امام رازی رحمة الله عليه به این نظر است که تعداد سابقین امت های قبلی نسبت به سابقین امت رسول الله صلى الله عليه وسلم بیشتر است ولی به این هم تصریح دارد که بیشتر بودن تعداد سابقین امت های قبلی به این معنا نیست که امت رسول الله صلى الله عليه وسلم جایگاه پایین تری نسبت به آنها داشته باشند.<sup>1</sup>

بعد از نظر انداختن به اینکه امام رازی امام قرطبی<sup>2</sup>، امام آلوسی رحمة عليهم اجمعین و دکتور وهبة الزهیلی به این نظر اند که تعداد سابقین امت های گذشته نسبت به سابقین امت رسول الله صلى الله عليه وسلم بیشتر است، به این حدیث رسول الله صلى الله عليه وسلم استدلال خواهیم کرد، فرموده اند: (يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَمْ النَّبِيُّونَ؟ قَالَ: «مِائَةٌ أَلْفٍ وَأَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ أَلْفَ نَبِيٍّ» قُلْتُ: كَمْ الْمُرْسَلُونَ مِنْهُمْ؟ قَالَ: «ثَلَاثٌ مِائَةٌ وَثَلَاثَةٌ عَشْرَ»).<sup>3</sup> ترجمه: از رسول الله صلى الله عليه وسلم سوال کرد، یا رسول الله تعداد انبیاء چه قدر است؟، رسول الله صلى الله عليه وسلم جواب داد: یک صد و بیست و چهار هزار پیامبر، ابوذر گفت: مرسل آن چند است؟، پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمود: سه صد و سیزده نفر.

پس سابقین امت های قبلی از سابقین امت محمد صلى الله عليه وسلم بیشتر است، چون تعداد انبیاء قبل از پیامبر صلى الله عليه وسلم بیشتر بوده و کسانی که به آنها ایمان آورده نیز بیشتر اند، ولی این به این معنا نیست که سابقین امت های قبلی جدا گانه از سابقین امت رسول الله صلى الله عليه وسلم بیشتر است بلکه مجموعه سابقین امت های قبلی نسبت به سابقین امت رسول الله صلى الله عليه وسلم بیشتر است.

چنانکه رسول الله صلى الله عليه وسلم فرموده اند: (أَهْلُ الْجَنَّةِ عِشْرُونَ وَمِائَةٌ صَفٍّ، تَمَانُونَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَأَرْبَعُونَ مِنْ سَائِرِ الْأُمَمِ).<sup>4</sup> ترجمه: سلیمان بن بریده از پدرش از رسول الله صلى الله عليه وسلم روایت میکند: پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمود: اهل جنت یک صد و بیست صف می باشند و هشتاد صف آن از امت محمد مصطفی صلى الله عليه وسلم بوده و چهل صف باقی از امت های دیگر.

1 - مفاتیح الغیب، ج 29، ص 392.

2 - به اثر طویل شدن بحث نظریات ایشان را ذکر نکرده ام. قرطبی، ج 17، ص 200. آلوسی، ج 14، ص 134.

3 - مستدرک علی الصحیحین. حاکم نیسابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد، معروف: بن البیع. متوفی (405). طبع اول. سال طبع (1411). عدد اجزاء (4). تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا. ناشر: دارالکتب العلمیه، بیروت. ج 2، ص 652.

4 - سنن ابن ماجه، ج 5، ص 350.





لي □ 1 (نوجواناني ، همیشه نوجوان ) براي خدمت بدیشان ، پیرامونشان در آمد و رفت هستند و باده را ) براي آنان مي گردانند .

نوجوانان خاصیت بارزی که دارند اینست که برای همیشه نوجوان باقی می مانند و هرمان و پیری به سراغ ایشان نخواهد آمد. خاصیت دیگری که الله متعال بدیشان بیان نموده عبارت از :  
□ حم □ نم □ □ □ سم □ □ □ □ 2 ترجمه: همواره نوجوانان جاودانه‌ای میانشان می‌گردند ( و به خدمتشان می‌پردازند ) که هرگاه ایشان را بنگری چنین می‌انگاری که مروارید غلتانند .

خدمت گزاران چنان سکه و صورت دارند مانند مروارید در صدف که دیدن آن خوش آیند و دلپذیر است. همچنان آیه دیگر بیان می کند که جوانان بهشتی یعنی ایشان خود نعمت دیگری اند که با دیدن آن احساس لذت کرده می شود ، همچنان الله متعال فرموده است:

أ □ □ ج □ ج □ ج □ ج □ ج □ 3 ترجمه: بیوسته در گرداگرد آنان نوجوانان ایشان(برای خدمتگزاریشان) در چرخش و گردشند. انگار آنان(در صفا و پاکی) مرواریدهای پنهان(در صدف) هستند.

نوجوانان که بادیدن آنها لذت برده می شود در گرداگرد بهشتیان برای خدمت حاضر اند و با گیلان ها و پیاله های شراب غیر مسکر از بهشتیان استقبال می کنند. و دائماً جوان باقی می مانند و پیر سالخورده و در مانده نمی شوند.

امام طنطاوی رحمة الله علیه فرموده است: (یدور علیهم من أجل خدمتهم غلمان، شبابهیم باق لا یتغیر، وهیئتهم الجمیلة علی حالها لا تتبدل، فهم دائماً علی تلك الهيئة المنعوتة بالشباب والمنظر الحسن).<sup>4</sup> ترجمه: گرداگرد بهشتیان نوجوانانی گشت می کنند ، جوانی شان دایمی است و تغیر نمی کند، زیبایی شان پایدار ، برای همیشه چنان با حسن و زیبایی و جوانی خواهند بود.

1 - الواقعة: ۱۷

2 - الإنسان: ۱۹

3 - الطور: ۲۴

4 - تفسیر الوسیط ، ج ۱۴، ص ۱۶۴.

در مورد اینکه این اطفال چه کسانی اند و از انسان های که در دنیا بودند و یا هم مخلوق بهشتی است که برای خدمت آفریده شده نظریاتی متفاوت وجود دارد که در ذیل بطور مختصر آنرا بیان خواهیم کرد.

امام راز رحمة الله عليه می فرماید: ( مراد از غلمان و صبیان همان اطفالی است که از کفار در خورد سالی وفات یافته اند و برای خدمت گزاری مومنین در بهشت می باشند، و اینکه بعضی می گویند اطفال مسلمانان اند که در خور سالی وفات یافته و در خدمت والدین خویش می باشند گفته بدور از واقعیت می باشد)<sup>1</sup>.

ولی دکتور وهبة الزهیلی فرموده است: ( **أي يدور عليهم للخدمة غلمان أو صبيان أو خدم لهم، مخلصون على صفة واحدة، لا يهرمون ولا يتغيرون، ولا يبعد أن يكونوا كالحور العين مخلوقين في الجنة، للقيام بهذه الخدمة**). ترجمه: در اطراف ایشان ( مومنین) برای خدمت می گردند، برای همیشه به یک حالت می باشند، نه پیر می شوند و نه تغییری در ایشان پدید می آید، و نه از عمل شان باز گردانیده می شوند، مانند حور عین خلق شده اند ، برای خدمت گزاری از اهل بهشت.

پس در مورد اطفال خدمت گزار در بهشت دو نظر است یکی اینکه اینها اطفال مشرکین اند که در طفولیت وفات یافته اند و به فطرت از دنیا رفته اند ، دوم اینکه مخلوقی است که در بهشت برای خدمت گزاری از بهشتیان خلق شده اند.

الله جل جلاله برای خدمت گزاری از بندگان نیک اش خدمت گزارانی را گماشته تا هر طوری که خواسته باشند امر نمایند و آنها برای ایشان خدمت کنند، و این یکی از امتیاز های است که الله متعال برای سابقین در نظر گرفته است.

### ✓ خوراکی ها و نوشیدنیها سابقین

از جمله نعمت های دیگری که الله متعال برای سابقین مهیا ساخته است عبارت از خوراک های خوشمزه دارای طعم عالی و نوشیدنی های لذیذ و گوارا و دلپذیر که با خوردن و نوشیدن آن لذت خاصی برای انسان دست پیدا میکند از همه مهم تر اینکه این خوراکی ها و نوشیدنی های است که به صحت انسان هیچ آسیبی نمی رساند و دچار ضعف و سستی و یا مرض نمی شود. الله جل جلاله در آیات بی شماری در مورد نوشیدنی های اهل جنت اشاره نموده است الله متعال می

1 - مفاتیح الغیب ، ج 29 ، ص 393.



### ➤ میوه جات سابقین

از جمله نعمت های دیگری که الله متعال برای بهشتیان و علی الخصوص سابقین آماده ساخته میوه جاتی است که با طعم های متفاوت و شکل های مختلف و خوشایند و در دست رس همه گان با بقای همیشه گی در هر فصل از سال مثال دنیا ، چون در دنیا میوه جات در فصل های مشخصی برای ما در دست رس قرار دارد ولی میوه جات بهشت در هر زمان قابل دسترس می باشند، درین موردالله متعال فرموده است: <sup>۱</sup> □ □ □ □ **ترجمه:** (نوجوانان بهشتی برای آنان می گردانند ) هر نوع میوه ای را که برگزینند .

میوه های برای سابقین مهیات شده هر قسم که میل دارند یعنی هر طوری که می خواهند برای ایشان قابل دسترس می باشد، در تمام فصول همه میوه جات برای ایشان مهیا شده است بدون اینکه تفاوت فصلی میان میوه ها وجود داشته باشد.(میوه خزان هم در بهار پیدا می شود و میوه تابستان هم در زمستان پیدا می شود و برعکس).

### ➤ غذا های سابقین

نعمت دیگری که الله متعال برای سابقین در نظر گرفته عبارت از خوراکی های لذیذ و خوشمزه است الله متعال می فرماید: <sup>۲</sup> □ □ □ **ترجمه:** و گوشت پرنده ای که بخواهند و آرزو کنند .

گوشت هر نوع پرنده که اینها تقاضا نمایند و از آن میل داشته باشند برای ایشان آماده است و می توانند از آن بخورند.

الله متعال در مورد نعمت های خوراکی قبل از گوشت پرنده گان یاد کرد چون که از هر گوشت دیگری لذیذ تر و خوشمزه تر پوده است.

اینکه الله متعال چرا اول از میوه یاد نمود و سپس از گوشت برای اینکه بهشتیان گرسنه نیستند که خواستار گوشت شوند بلکه اشخاصی که سیر باشند میل به میوه پیدا میکنند، و از سوی دیگر چون میوه از لحاظ تغذیه نسبت به گوشت عالی تر است به همین لحاظ نخست میوه را ذکر نمود سپس گوشت پرنده گان را <sup>۳</sup>.

1 - الواقعة: ۲۰

2 - الواقعة: ۲۱

3 - از هر البیان فی تفسیر کلام الرحمن، ج ۸ ، ص 286.

## ➤ همسران سابقین

نعمت دیگری که الله متعال برای سابقین الاولین در بهشت آماده ساخته است همسرانی می باشد که از یک سو دارای جمال و زیبایی بوده و از سوی دیگر در نهایت خوبی های اخلاقی می باشند آنها چنان فرمان بردار شوهران شان اند که لحظه جز رضایت و خشنودی شوهران شان چیزی نمی خواهند، و همیشه با جمال و زیبایی بوده و هرگز پیری و فرسوده گی به آنها دست نمی دهد، و جز همسران خویش به سوی دیگری نظر ندارند، الله متعال می فرماید: ﴿ ۱ ۲ ۳ ﴾<sup>۱</sup> ۴

ترجمه: و حوریان چشم درشت بهشتی دارند. همسان مروارید میان صدفند. زنان بهشتی دارای چشمان زیبا و درشتی دارند، و چنان جلد زیبایی دارند مانند: مروارید داخل صدف دست نخورده.

همچنان الله متعال در آیه کریمه می فرماید: ﴿ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰ ﴾<sup>۲</sup>

ترجمه: همسرانی دارند با چشمانی درشت و خمارآلود. انگار آنان تخمهای (شترمرغ) هستند که (در زیر بال و پر شترمرغ) پنهان (از دید مردمان و گرد و غبار) باشند.

یعنی این همسران چنان زیبا اند که توصیف آن دشوار است و این نعمت بزرگی است که الله متعال برای مومنان داده است.

## ➤ نعمت دیگری سابقین در بهشت

بهشت مکانی است که از همه رذایل اخلاقی مبراء و پاک بوده و جز صفایی قلب و عمل کرد پسندیده چیزی دیگری در آن دیده نمیشود همه آنچه که باعث خدشه دار شدن فضایل اخلاقی می شود در بهشت وجود ندارد و همه در قالب یک قلب سالم و دور از زشتی های اخلاقی زندگی می کنند و از آنچه نعمت های که الله متعال برای ایشان ارزانی داشته است استفاده می کنند، الله متعال درین مورد می فرماید: ﴿ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰ ﴾<sup>۳</sup>

ترجمه: در میان باغهای بهشت، نه سخن یاوه می شنوند، و نه سخن گناهآلود. مگر سخن سلام! سلام! را. یعنی بهشت فضای کاملاً سالم داشته و هرگز در آن به کسی سخن بیهوده و زشت گفته نمی شود.

1 - الواقعة: ۲۲ - ۲۳

2 - الصافات: ۴۸ - ۴۹

3 - الواقعة: ۲۵ - ۲۶





نمی‌گنجد) . در ( سایه درخت ) سدر بی‌خار آرمیده‌اند . و در سایه درختان موزی بسر می‌برند که میوه‌هایش رویهم ردیف و چین چین افتاده است . و در میان سایه‌های فراوان و گسترده و کشیده ( خوش و آسوده‌اند ) . و در کنار آبشارها و آبهای روان ( بسر می‌برند که زمزمه آن گوش جان را نوازش می‌دهد و منظره آن چشم انسان را فروغ می‌بخشد ) . و در میان میوه‌های فراوان هستند . که نه تمام می‌شود و نه منع می‌گردد . و در بین همسران ارجمند و گرانقدر ( خوش می‌گذرانند ) . ما آنان را ( در آغاز کار ، بدین شکل زیبا و شمائل دلربا ) پدیدار کرده‌ایم . ایشان را دوشیزگانی ساخته‌ایم ( که پس از آمیزش ، بکارت خود را باز می‌یابند ! ) . شیفتگان ( همسر خود ، و همه جوان و طناز و ) همسن و سال هستند . ( همه این نعمتهای ششگانه ) متعلق به سمت راستیها است . سمت راستیها گروه زیادی از پیشینیان ( گروندگان به هر دینی از ادیان آسمانی ) هستند . و گروه زیادی از پسینیان ( گروندگان به هر دینی از ادیان الهی ) .

مقربین امت محمد صلی الله علیه وسلم کمتر بوده و همچنان مقربین امت ها دیگر از لحاظ تعداد کم بوده به نسبت صالحین امت پیامبر صلی الله علیه وسلم و صالحین امت ها قبلی. ولی در مورد اصحاب الیمین فرموده است : **ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ (39) وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ (واقعه/ 40)**. (سمت راستیها گروه زیادی از پیشینیان ( گروندگان به هر دینی از ادیان آسمانی ) هستند . و گروه زیادی از پسینیان ( گروندگان به هر دینی از ادیان الهی ) .

تعداد اصحاب الیمین بیشتر از سابقین اند و درین تعدادی از امت محمد صلی الله علیه وسلم بیشترین مردم اند که در گروه اصحاب الیمین داخل میباشند ؛ درین مورد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است : **عَنْ عَمْرِو بْنِ مَيْمُونٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ فِي قُبَّةٍ، فَقَالَ: «أَتَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا رُبْعَ أَهْلِ الْجَنَّةِ» قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ: «أَتَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا ثُلُثَ أَهْلِ الْجَنَّةِ» قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ: «أَتَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا شَطْرَ أَهْلِ الْجَنَّةِ» قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونُوا نِصْفَ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَذَلِكَ أَنَّ الْجَنَّةَ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا نَفْسٌ مُسَلِّمَةٌ، وَمَا أَنْتُمْ فِي أَهْلِ الشِّرْكِ إِلَّا كَالشَّعْرَةِ الْبَيْضَاءِ فِي جُلْدِ الثَّوْرِ الْأَسْوَدِ، أَوْ كَالشَّعْرَةِ السَّوْدَاءِ فِي جُلْدِ الثَّوْرِ الْأَحْمَرِ»<sup>1</sup>.**

**ترجمه:** از عمرو بن میمون از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم روزی با پیامبر صلی الله علیه وسلم بودیم که ارشاد فرمودند: آیا راضی میشوید که شما چهارم حصه از اهل بهشت باشید؛ گفتیم بلی ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم. باز فرمود

1 - صحیح البخاری، ج 8، ص 110.





معنی است که همه درختان در بهشت موجود است ، و مثال آن چنین است که کسی گوید فلان شخص پادشاه مشرق و مغرب است به این معنی که پادشاه مشرق و مغرب و آنچه در میان آن است می باشد، پس ذکر از درخت سدر و درخت کیله بیان می دارد که کوچکترین و بزرگترین درخت در بهشت موجود است و بهشتیان در زیر سایه آنها بسر می برند و از درختان میوه دار استفاده خوراکی نیز می کنند.<sup>1</sup>

## 2. فضای آرام و مسرت بخش

الله متعال در زمره نعمت های بهشت یکی هم از فضای سبز و سایه طولانی یاد نموده است می فرماید: **أ □ □ □ 2** (و در میان سایه‌های فراوان و گسترده و کشیده (خوش و آسوده‌اند) ).

در حدیثی از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است که می فرماید : **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجْرَةً يَسِيرُ الرَّكْبُ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ سَنَةٍ».**<sup>3</sup> **ترجمه:** از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند: در بهشت درختی است که (به حدی بزرگ) سوار کار در زیر سایه آن صد سال راه کند ( تااز آن عبور نماید).

همچنان الله متعال فرموده است که بهشت باغ های سرسبز و خرم دارد: **أ خ ل م ل ل ل ل □ □ □ 4** **ترجمه:** ( مسلماً پرهیزگاران ، رستگاری ( از دوزخ) و دستیابی(به بهشت) بهره ایشان می‌گردد . باغهای سرسبز ، و انواع رزها ( بهره ایشان می‌گردد) ).

بهشت سر سبز و خرم است و در آن باغها و بساتیابی است که آرام بخش دلها بوده و راحت روح و جسم انسان میشود. در آن تمام میوه جات و درختان وجود دارد حتی درخت سدر که در دنیا خار داشته در بهشت آن درخت و جود دارد ولی بدون خار ها می باشد، همچنان الله متعال در آیه

1 - مفاتیح الغیب، ج 404، 29.

2 - الواقعة: ۳۰

3 - سنن الکبرا ، النسائی ، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب بن علی الخراسانی ، متوفی (303). طبع اول. سال طبع ( 1421). تعداد اجزاء ( 10). تحقیق: حسن عبدالمنعم شلبي ، ناشر: موسسه الرساله بیروت . ج 10 ، ص 286. تحفة الاشراف أنرا صحیح گفته است. ج 10 ص 305.

4 - النبأ: ۳۱ - ۳۲



برای همیشه جریان دارد و هرگز قطع نمی شود. همچنان الله متعال در آیه دیگری از آب بهشت یاد نموده می فرماید: **أَمْ يَدَّبَّدُوا أَعْيُنَهُمْ فَذُكِرُوا بِهِمْ** (وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده است ( چنین است که ) در آن رودبارهایی از آبی (زالال و خالص) است که گندیده و بدبو نگشته است).

آب بهشت قطع نمی شود بلکه برای همشه جاری بوده و همچنان در طعم آن هیچ تغییری ایجاد نمیشود گرچه راکد بماند برخلاف آب دنیا که اگر راکد باشد و زمان بگذرد طعم آن خراب می شود و بوی آن نیز بد می گردد.

### ➤ همسران فرمان بردار

الله جل جلاله در مورد اصحاب الیمین نعمت دیگری که ذکر نموده زنان و همسران پاکیزه و فرمان برداری اند که الله جل جلاله در بهشت خلق نموده و انتظار برای مردان دنیا می کشند الله متعال می فرماید: **أَمْ يَدَّبَّدُوا أَعْيُنَهُمْ فَذُكِرُوا بِهِمْ** <sup>2</sup> **ترجمه:** و در بین همسران ارجمند و گرانقدر ( خوش می گذرانند ) . ما آنان را ( در آغاز کار ، بدین شکل زیبا و شمائل دلربا ) پدیدار کرده ایم . ایشان را دوشیزگانی ساخته ایم ( که پس از آمیزش ، بکارت خود را باز می یابند ! ) . شیفتگان ( همسر خود ، و همه جوان و طناز و ) همسن و سال هستند.

نعمت همسر نیک از همه نعمت ها برای انسان در دنیا و آخرت مهم تر و ارزنده است نعمت همسر فرمان بردار و مطیع می باشد، که انسان در دنیا هم اگر به چنین نعمت دست یابد بهترین زندگی ، آرام آسوده و بدون هیچ غم و اندوه خواهد بود حتی اگر از نگاه مادیات ( پول و دارایی) نیز کمبود داشته باشد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیثی می فرماید : **عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ابْنِ الْعَاصِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ -صَلِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَنَّهُ قَالَ: "إِنَّ الدُّنْيَا كُلَّهَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ"**. <sup>3</sup> **ترجمه:** از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند : دنیا همه متاع است و بهترین متاع دنیا همسر صالحه است .

1 - محمد: ۱۵

2 - الواقعة: ۳۴ - ۳۷

3 - مستخرج ابی عوانه. الاسفرايينی ، ابو عوانه يعقوب بن اسحاق بن ابراهيم النيسابوري. متوفى ( 316 ). طبع اول. سال طبع (1419). تعداد اجزاء ( 5 ). تحقيق : ايمن بن عارف الدمشقي. ناشر: دار المعرفة ، بيروت. ج 3 ، ص 143. اين حديث را كتب زيادى روایت نموده است مانند : مسلم ، نسايى ، بغوى ، احمد. و ابن حبان. ابن حبان آنرا به شرط شيخين صحيح دانسته است.

و در حدیث دیگری آمده است : **عن سعد بن أبي وقاص قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : "من سعادة ابن آدم ثلاثة ومن شقوة ابن آدم ثلاثة. من سعادة بن آدم : المرأة الصالحة والمسكن الصالح والمركب الصالح. ومن شقوة ابن آدم: المرأة السوء والمسكن السوء والمركب السوء.**<sup>1</sup> **ترجمه :** از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند: نشانه سعادت بنی آدم سه چیز است، و نشانه شقاوت بنی آدم سه چیز است : نشانه سعادت عبارت از : همسر صالحه ، مسکن نیک و خوب ، و وسیله حمل و نقل که درکار خیر از آن استفاده شود. و اما نشانه های شقاوت بنی آدم عبارت از : همسر بد و نافرمان ، مسکن بدون خیر و برکت ، مرکب که در شر و بدی استفاده شود.

الله متعال در بهشت زنهای برای بهشتیان خلق نموده است که از آدم خلق نشده و دارای خواص جدا گانه می باشد که اهل دنیا از آن بهره مند نیستند؛ الله متعال فرموده است: **أَبْر □ □ بِن 2** (ما آنان را ( در آغاز کار ، بدین شکل زیبا و شمائل دلربا) پدیدار کرده ایم).

همچنان در آیه دیگر الله متعال صفات خلقی آنها را یاد آور می شود که مانند مروارید اند می فرماید: **أَأُ □ □ □ □ نِم 3 ترجمه:** همسرانی دارند با چشمانی درشت و خمارآلود . انگار آنان تخمهای ( شترمرغ) هستند که ( در زیر بال و پر شترمرغ ) پنهان ( از دید مردمان و گرد و غبار ) باشند .

زنهای بینظیر در خلقت و صورت و خواص فقط برای بهشتیان در نظر گرفته شده است رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد زنهای بهشتی فرموده است : **عن النبي صلى الله عليه وسلم "ولو أن امرأة من أهل الجنة اطلعت إلى أهل الأرض لأضاءت ما بينهما ولملأته ريحا ولنصيفها على رأسها خير من الدنيا وما فيها"**<sup>4</sup>. **ترجمه:** انس بن مالک رضی الله عنه روایت می کند که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر یکی از زنان بهشتی بر اهل زمین، جلوه نماید، فضای میان زمین و آسمان را روشن و ملامال از بوی عطر می نماید. و روسری ای که بر سر دارد، از دنیا و آنچه در آن، وجود دارد، بهتر است».

1 - مجمع زوائد و منبع فوائد. الهیثمی ، نورالدین علی بن ابی بکر . متوفی (807هـ.ق). سال طبع ( 1412). تعداد اجزاء (10). بتحریر الحافظین الجلیلین : العراقي وابن حجر. ناشر: دار الکتب العلمیة بیروت - لبنان. ج4، ص 500. أحمد و بزار و طبرانی در معجم الکبیر و اوسط روایت نموده و به قول صاحب مجمع زوائد این حدیث صحیح است. ذیل همین حدیث.

2 - الواقعة: ۳۵

3 - الرحمن: ۷۲

4 - صحیح البخاری ، ج4، ص17.



الله متعال این نعمت بزرگ را در آیات دیگر به یاقوت و مرجان تشبیه نموده می فرماید: **أَأَنْبِئُكُمْ بِشَيْءٍ لَّيْسَ بِكَبِيرٍ وَلَا يَرْجِعُ فِي الْأَرْضِ وَمَن يَرْجِعْ فِي الْأَرْضِ يَجْعَلْهَا عُتُقًا لِلَّغَايَةِ** **۱** ترجمه: در باغهای بهشت زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمی‌ورزند و پیش از آنان کسی از انسانها و پریها با ایشان نزدیکی و مقاربت نکرده است. پس کدامیک از نعمتهای پروردگار خود را تکذیب و انکار می‌کنید؟! انگار که آن حوریان، یاقوت و مرجانند.

زنان بهشتی از هر نوع عیب و نقص پاک می باشند چنان که الله متعال فرموده است: **أَأَنْبِئُكُمْ بِشَيْءٍ لَّيْسَ بِكَبِيرٍ وَلَا يَرْجِعُ فِي الْأَرْضِ وَمَن يَرْجِعْ فِي الْأَرْضِ يَجْعَلْهَا عُتُقًا لِلَّغَايَةِ** (و در آنجا همسران پاک و بی‌عیبی داشته و در آنجا جاویدان خواهند ماند).

این کثیر از مجاهد نقل نموده که در تفسیر آیه **(وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ)** فرموده است: **مِنَ الْحَيْضِ وَالْغَائِطِ وَالْبَوْلِ وَالنَّخَامِ وَالْبُرَاقِ وَالْمَنِيِّ وَالْوَلَدِ**.<sup>3</sup> ترجمه: مراد از آیه کریمه: پاک بودن از حیض، غائط و بول، آب دهن، آب بینی، و منی و اولاد است. یعنی همسران بهشتی از این چیزها پاک می باشند.

دکتر وهبه الزحیلی در ذیل این آیه گفته است: **مطهرات من الأقدار والأدناس المنفرة: الحسية والمعنوية، كالحيض والنفاس، والحدث من البول والغائط، والتخيم أو البصاق، وشرور النفس والهوى**.<sup>4</sup> ترجمه: همسران بهشتی از هر گونه عیب و نقص حسی و معنوی مانند: حیض، نفاس، نجاست بول و غائط، لعاب دهن و آب بینی و حتی از خواص نفسی (حسد، بخل و کینه) و غیره پاک می باشند.

حوران بهشتی و همسران دنیا که مستحق بهشت شده و داخل آن می شوند برای بهشتیان از نعمت های بزرگ و باارزشی دانسته می شوند که الله متعال در زمره دیگر نعمت های بهشت از آنها یاد آوری نموده است، الله متعال با این همه عطوفت و مهربانی که دارد و با آن همه عظمت و بزرگی و کبریایی که دارد امید دارم که من و شما خواننده گان عزیز را به این نعمت های بزرگ نایل سازد تا وعده های حق الهی را از نزدیک با عین الیقین حس نموده و از آن استفاده نمایم.

این بوده موضوع دوم این مقطع که پیرامون اصحاب الیمین و تعامل الله جل جلاله با ایشان را بطور مختصر و باتلاش زیاد توانستم تحریر نمایم و گرچه با این اختصار نمی توان حق موضوع

1 - الرحمن: ۵۶ - ۵۸

2 - البقرة: ۲۵

3 - تفسیر القرآن العظیم، ج 1، ص 205.

4 - التفسیر المنیر، ج 1، ص 204.

را ادا نموده باشم ولی تلاش نهایی خویش را به منظور جمع آوری معلومات درین مورد بخرچ داد  
ام امید که الله متعال از ما بپذیرد.

### ج: اصحاب الشمال

اصحاب الشمال کسانی که در دنیا پیامبران را به تمسخر گرفته و از قیامت و عذاب الهی  
در آن روز انکار کرده اند ، اعمال نیکی برای آخرت انجام نداده و هیچ تفکر در مورد حساب  
کتاب و غیره نداشته اند ، ایشان هرچه خوبی و بدی انجام داده فقط برای دنیا بوده و برای آخرت  
توشه ی با خود ندارند ، معیار مقبولیت عمل انسان همان ایمان به الله و پیروی از دستورات  
پیامبران است ، در صورتی که همه پیامبران برای نشر پیام الهی و راهنمایی مردم به شاهراه  
مستقیم هدایت نموده و دستورات الهی را با تمام و کمال برای بشریت و علی الخصوص به این  
گروه رسانیدند و لی ایشان برای ارضاء خواهشات نفسانی و تکبر و خود خواهی از پذیرفتن آن  
سر باز زده و هیچ گاه به فرمان خداوند جل جلاله و پیامبرانش علیهم السلام تن در ندادند. در مورد  
علل و عواملی که انسان ها از پیروی پیامبران سر باز زدند اسباب متفاوت و گوناگون است که  
در این بحث پیرامون آن چند نکته و سطوری خواهیم نوشت.

به دنبال گروه های اول و دوم الله متعال از گروه سوم که بدترین و زشت ترین مردم در  
روز قیامت خواهند بود نیز یاد نموده است که ایشان بسوی چپ در روز قیامت ایستاده می باشند  
و برای حساب و کتاب نزد الله متعال حاضر اند ولی هیچ عملی نکرده اند تا حساب شود، ایشان به  
سرای جهنم که برای ایشان آماده شده داخل خواهند شد و از انواع تعذیب ها در جهنم خواهند چشید.  
درذیل بطور خلص دید گزایی به آن تعذیب های که برای اصحاب الشمال میرسد نظر می اندازیم  
و عواملی که باعث سر کشی ایشان از پذیرفتن پیک الهی وجود داشته به صورت مختصر چند  
نکته را ذکر خواهیم کرد.

## ✓ عذاب های اصحاب الیمین

### 1. شعله بسیار گرم آتش

سموم عبارت از همان هوای گرمی است که شدت گرمای آن از آتش میباشد. این اولین عذابی است که الله متعال نسبت به اصحاب الشمال بیان داشته است ، الله جل جلاله آیه کریمه می فرماید: **أَمْ خِمٌّ □ □ □ 1** (آنان در میان شعله های آتش و آب جوشان بسر خواهند برد!).

علامه زمخشری<sup>2</sup> گفته : سموم عبارت از هوای گرم آتش است که از سوراخ بیرون می

آید.<sup>3</sup>

امام رازی رحمة الله علیه علت ذکر سموم وحمیم را عوض آتش و کیفیت آن که از بزرگترین عذاب های چیبیان میدارد : هوا و آب که الله متعال آنرا ذکر نموده از سرد ترین اشیا است نسبت به آتش ، پس وقتی که هوای و آب که زایل کننده گرمی و حرارت به این اندازه گرم و سوزان باشد که انسان ها را به قتل برساند پس چه برسد به نفس آتش که در دنیا هم آتش از موجودات نهایت گرم بشمار می رود. سموم عبارت از هوای نهایت گرمی است که انسان را مریض ویا هم از بین می برد.<sup>4</sup>

### 2. حمیم ( آب گرم و سوزان)

سرای جهنم پر از درد و رنج و عذاب است از جمله آب گرم و سوزانی که برای جهنمیان زمان تشنگی نوشانیده می شود که الله متعال آنرا به گرمای شدید توصیف می کند الله متعال می فرماید: **أَمْ خِمٌّ □ □ □ 5**. (آنان در میان شعله های آتش و آب جوشان بسر خواهند برد!).

حمیم کلمه عربی است که دارای معانی متفاوت می باشد مانند: صاحب قرابت را حمیم گفته می شود ، دوست و رفیق را حمیم گفته می شود و درین آیه کریم عبارت از آب گرم و

1 - الواقعة: ۴۲

2 - جار الله زمخشری ، محمود بن عمر بن محمد خوارزمی، مفسر ، محدث، متکلم ، نحوی ، لغوی، بیانی ، ادیب ، ناظم ، ناثر میباشد. در زمخشر که یکی از قریه های خوارزم است در سال (467) به دنیا آمده ، ودر جرجان خوارزم شب عرفه سال (538) چشم از جهان پوشیده است.از تصانیف مشهور آن می توان: 1- الکشاف عن حقائق التنزیل. 2- ربیع الابرار و نصوص الاخبار. 3- الفائق فی غریب الحدیث. 4- المفصل فی صنعة الاعراب. 5- دیوان شعر. نام برد. وی نزد بزرگترین دانشمندان عصر خویش کسب علم نموده از جمله: **أبی مضر محمود بن جریر الضَّبِّي الأصبهاني وأبی الحسن علي ابن المظفر النيسابوري و أبی منصور نصر الحارثي، ومن أبی سعد الشَّعْثَانِي** میتوان نام برد. الاعلام زرکلی ، ج7، ص178.

3 - کشاف، ج4، ص463.

4 - مفاتیح الغیب، ج29، ص409.

5 - الواقعة: ۴۲





#### 4. زقوم (درخت خار دار جهنمی)

زقوم عبارت از درختی است بد بو و بد شکل که در سر زمین تهامه می روید و دارای شیره ای است که اگر به بدن انسان بریزد ورم می کند.<sup>1</sup>

همچنان در مورد زقوم گفته اند: **إن شجرة الزقوم - المعروفة بقبح منظرها وخبث طعمها وريحها - طعام الفاجر كثير الآثام.**<sup>2</sup> ترجمه: درخت زقوم به زشتی از روی منظر می باشد و طعم خبیث و بوی بد که دارد مشهور است و این خوراک انسان های فاجر و کسانیکه بسیار گناه نموده می باشد.

الله متعال در مورد زقوم فرموده است: **أَأَنْتُمْ تَنْبِئُونَهُمْ نَمَ نِي ۚ** 3. (قطعاً از درخت زقوم خواهید خورد . و شکمها را از آن پر خواهید کرد) .

زقوم درخت بد بوی است که به دوزخیان خورانیده می شود و بسیار بد منظر و بد مزه است و در قرآن کریم اصل آن را از جهنم بیان نموده است الله متعال می فرماید: **أَأَنْتُمْ تَنْبِئُونَهُمْ نَمَ نِي ۚ** 3. (همه نعمتهای بیکران و جاویدانی که بهشتیان را با آن پذیرائی می کنند بهتر است ، یا درخت زقوم ( نفرت انگیز که از آن به دوزخیان می دهند ؟) . ما آن را مایه رنج و محنت ستمگران کرده ایم . زقوم درختی است که در ته دوزخ می روید . شکوفه و میوه آن انگار گلّه های شیاطین است . دوزخیان از آن می خورند و شکمها را از آن پر و آکنده می سازند .

حبر امت مفسر قرآن کریم عبدالله بن عباس در مورد زقوم قول رسول الله صلی الله علیه وسلم را ذکر می کند که فرمودند: **«لَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنَ الزَّقُومِ فَطِرَتْ فِي دَارِ الدُّنْيَا لَأَفْسَدَتْ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا مَعَايِشَهُمْ، فَكَيْفَ بِمَنْ يَكُونُ طَعَامَهُ؟»**<sup>5</sup> . (اگر قطره ی از درخت زقوم جهنم بر اهل زمین بریزد ، بر انسان ها زندگی را سخت و مشکل می سازد، پس طعام آن چگونه باشد).

1 - تفسیر نور، خرمدل، مصطفی. توسط سایت نوار اسلام ترتیب شده است . [www.IslamTape.Com](http://www.IslamTape.Com) . در ذیل آیه 62سوره صافات نگاشته است.  
2 - المنتخب من التفسیر القرآن الکریم. جمع از علماء ازهر. طبع (18). سال طبع (1416 هـ ق). تعداد اجزا(1). ناشر: مجلس الأعلى للشنون الإسلامية - مصر، طبع مؤسسة اهرام. ص736.  
3 - الواقعة: ۵۲ - ۵۳  
4 - الصافات: ۶۲ - ۶۶  
5 - سنن الترمذی، ج4، ص706. ابو عیسی الترمذی آنرا حسن صحیح گفته و لی شیخ البانی آنرا ضعیف دانسته است.



نخواهد بود ، الله متعال میفرماید: **بِنِ مَآءٍ حَيَّةٍ كَفَّارَةٌ** ( کافران علاوه بر شيرکشان ) مؤگدانه به خدا سوگند ياد ميکنند که خداوند هرگز کسی را که مي میرد زنده نمي گرداند . خير ! ( چنین نیست که مي گویند ، بلکه خداوند همه مردگان را دوباره زنده مي کند ، و اين ) وعده قطعي خدا است ، و ليکن بيشتري مردمان نمي دانند ( که زنده گرداندن براي قدرت خدا چيزي نیست و همان گونه که قبلاً به انسانها جان بخشیده است ، پس از مرگ نیز دوباره جان به پيکرشان مي دمد ) .<sup>2</sup>

قسم ناروای ياد نمودند و چنان بر جهالت خویش متأكد بودند که بدون هيچ تردیدی به خود جرأت دادن تا عليه قول الله جل جلاله قرار گیرند و قول صادق را انکار نمایند ، پس الله جل جلاله در برابر اين عملکرد شان به ايشان چنان عذاب های دردناکی را آماده نموده که با شنيدن توصيف آن لرزه بر اندام انسان می آید.

### موضوع سوم: درس ها و اندرز های مستفاد از اين مقطع

- 1- قيامت حقيقت دارد و انسان ها به سه گروه تقسيم می شوند و اين يک امر غير قابل انکار است.
- 2- عناد و سرکشی از امر الهی باعث خسران و زيان آخرت گردیده و اطاعت و فرمانبرداری سبب سعادت و فلاح انسان می شود.
- 3- انسان ها به اساس اعمال خویش به سه گروه تقسيم می شوند دو گروه به بهشت و يک گروه هم به جهنم می روند.
- 4- سابقين گروهی که بدون ترديد به آنچه الله جل جلاله امر نموده عمل کردند و چنان از خود جان فدایی نشان دادند که هيچ مانع را در نظر گرفتند از همه خواهشات نفسانی خود را خلاص ساخته فقط به اوامر الهی اولويت دادند.
- 5- فرمان برداران و مطيع تمام عيار ، لشکر سربکف و بدون مرخصی در همه امت ها بوده و کسانی از اهل الله بودند که از پيام رسان الهی اطاعت نمایند و فرامين پيامبر را به جان و دل بپذيرند.

1 - النحل: ۳۸

2 - تفسير الوسيط ، ج 14 ، ص 181.



- 6- الله متعال بنده گان خاص خویش را با بهترین نعمت های خویش اکرام و اعزاز می کند که این از هر فرمان روای انتظار می رود تا اطاعت کننده گان خویش را اکرام نماید.
- 7- بعضی از انسان های که مطیع و فرمانبردار بوده ولی به اندازه مقربین از خود شهکاری نشان ندادند در ردیف دوم قرار دارند و از نعمت های درجه دوم برخوردار می باشند.
- 8- هر آنچه که با فطرت سلیم انسانی چه ضرورت ، حاجت ، و یا هم زینت است برای مقربان درگاه الهی و اصحاب الیمین در بهشت مهیا شده است.
- 9- اصحاب الیمین گروه دوم از فائزین مجموعه بزرگ از امت محمد صلی الله علیه وسلم و امت های پیامبران گذشته شامل اند.
- 10- کسانی که امروز دعوی برحق بودن را دارند و به نوعی از انواع میخواهند عقیده و باور باطل خویش را در برابر حقیقت اسلام قرار دهند روز قیامت از زمره بدترین انسان ها بشمار می روند.
- 11- زمانی که فرد نتواند پارچه امتحان خویش را به درستی حل نماید و در کار های روزانه موفق به کامیابی نشود باید تنبه گردد ، وقتی الله جل جلاله به انسان ها مدت زمان طولانی را بحیث دوره آمادگی برای آخرت نصیب فرمود و انسان در آن نتوانست به کامیابی برسد و برای فردای آخرت توشه با خود داشته باشد ناگزیر تنبه شود که الله متعال تنبه نمودن خاسرین را با آب گرم و آتش سوزان برگزیده است.
- 12- جزا از جنس عملی است که انسان انجام داده.
- 13- بیان نعمت های برای اهل بهشت از جمله سابقین ( پیشتازان ).
- 14- نعمت های آخرت با نعمت های دنیا مقایسه نمی شود.
- 15- شراب آخرت با دو صفت بارز توصیف شده که عبارت از مبرا بودن از زوال عقل و همچنان بدون اینکه باعث سر درد شود.
- 16- اکرام و احترام مومنین از طرف الله ذولجلال.
- 17- پیره زن دنیا و قتی به بهشت داخل شود دختر پاک دل و جوانی می گردد که صاحب جمال می باشد.
- 18- قیمت بهشت ایمان و تقوای بوده و حسب و نسب سودی به حال انسان ها ندارد و معیار دخول بهشت برای اولین و آخرین انسان ها یکسان می باشد.
- 19- کبر و غرور و برتر بینی بر دیگران انسان ها را و می دارد تا تکالیف شرعی را نادیده گرفته و سبب هلاکت ایشان گردد.



## مقطع سوم

### دلایل عقلی و انفسی برای اثبات توحید و قیامت (57-74)

از آیه پنجاه و هفت الی هفتاد و چهار (57-74) نطفه در رحم مادر و تشکیل انسان و حیات آن . رویدن گیاه و درخت هر سال در وقت مشخص آن بعد از خشکیده شدن آن در خزان. نزول آب گوارا از ابر های که طاقت انسان برای بارور کردن آن وجود ندارد و رسانیدن آن آب به گلو های انسان ها و حیوانات و نباتات. و بر افروخته شدن آتشی که انسان بدون آن نمیتواند به قله های تمدن عالی برسد این همه دلایلی است برای اثبات قیامت که درین مقطع در مورد آن بحث صورت می گیرد.

### موضوع اول: مناسبت های این مقطع

#### فرع اول : ربط مقطع با مقطع قبلی

مقطع دوم سوره مبارکه واقعه پیرامون تقسیم افراد انسان به گروه های سه گانه و نعمت ها و عذابی که به آنها در انتظار است ، یعنی به تحقیق و بدون شک قیامت بر پا خواهد شد و این انسان ها اند که بعضی با نپذیرفتن وقوع قیامت خساره جبران ناپذیری را متحمل خواهند شد و بعضی با پیروی از دستورات خداوند جل جلاله و پیامبرانش صلوات الله علیهم اجمعین به بهترین پاداش های دست می یابند و بعد از آن در مقطع سوم به دلایل وحدانیت الله متعال می پردازد و این موضوع با دلایلی از آفاق و انفس به اثبات می رسد که الله متعال واحد و لاشریک است و همچنان الله جل جلاله قادر است تا انسان های که بار اول خلق نموده بار دیرگ نیز آنها بیافریند.<sup>1</sup> بعد از آنکه الله متعال حالت و اوضاع منکرین را بیان داشت که به هیچ وجه قبول ندارند تا قیامت را بپذیرند و به آن اعتراف نمایند دلایلی را بیان نمود که ای کسانی که شما از بعثت تعجب دارید و آنها محال می دانید ، این تخلیق کار شما است و یا ما آنها انجام دادیم پس شما به چشم می بینید که با انداختن منی در رحم این کار صورت می گیرد و در میان رحم مادر فرزند سالم بدون کمبود ما خلق می کنیم نش و نمو آن چگونه گی بزرگ شدن و غیره مسائل آنها که شما شاهد هستید پس چرا نمیپذیرید؟<sup>2</sup>

1 - تفسیر الوسیط ، ج14، ص183

2 - نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور. البقاعی ، ابراهیم بن عمر بن حسن الرباط بن علی بن ابی بکر . متوفی (885هق). تعداد اجزاء (22). ناشر: دار الکتب الاسلامی القاهره. ، ج19، ص220.

الله متعال در مقطع قبلی احوال گروه های موافقین و مخالفین را بیان نمود و علت عناد و سرکشی اهل ضلالت را نیز واضح ساخت پس دیرین مقطع برای اثبات ادله و اتمام حجت دلایل واضح پیش میکند تا آنچه که ایشان با دلایل باطل خویش مردود می شمارند را با دلایل جواب میدهد.<sup>1</sup>

و هم بعد از آنکه منکرین قیامت بر ادعای خویش پابندی نشان دادند و عقل خویش را محور قرار داده و بر آن تکیه زدند الله متعال درین مقطع دلایل واضح به جواب ایشان بیان میدارد ، آیا شما خالق خویش هستید و یا ما آنرا آفریدیم پس ذاتی که خالق است میراننده نیز است و ذاتی که می میراند دوباره زنده هم می کند و در آن هیچ جای شکی نیست چون بار اول که از عدم آفرید بدون نمونه قبلی بار دیگر که آسان تر از قبل است الله متعال درین مورد می فرماید: **أَأَنْتَ الَّذِي تَخْلُقُ النَّاسَ ثُمَّ تَقُولُ لَهُمْ أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِمْ يَوْمَئِذٍ فَمَا أَجَابُوا سِوَىٰ مَا أُنزِلَ عَلَيْهِمْ لِيَتَذَكَّرُوا أَلَّا يَكُونَ لَهُمْ عِزٌّ زَيْنٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ** <sup>2</sup> ترجمه: او است که آفرینش را آغاز کرده است و سپس آن را باز می گرداند ، و این برای او آسانتر است . ( زیرا کسی که بتواند کاری را در آغاز انجام دهد ، قدرت بر اعاده آن را نیز دارد ) . بالاترین وصف ، در آسمانها و زمین متعلق به خدا است ، و او بسیار باعزت و اقتدار ، و سنجیده و کار بجا است . ( لذا در عین قدرت نامحدود ، کاری بی حساب انجام نمی دهد ، و بلکه همه کارهایش از روی حکمت است ) .

این الله است که انسان را آفرید در حالی که نمونه آن موجود نبود پس چرا در خلقت دوباره آن شک دارید، و یا اینکه رویانیدن درختان در فصل بهار و خشکیدن آن در خزان و یا مثال های دیگری برای عقل سلیم کافی نیست تا درک نمایید که الله توانا است تا انسان ها را بار دیگر زنده گردانیده و از آنها حساب گیرد درین مقطع بطور مفصل دلایلی را برای پند به انسان ها ذکر میکند تا شخص خردمند از آن پند گیرد، و به توحید و روز رستاخیز ایمان آورد.<sup>3</sup>

### فرع دوم : مناسبت مقطع با محور سوره

محور سوره مبارکه واقعه بیان گر اثبات قیامت است که از ابتداء سوره الی ختم آن با شیوه های متفاوت به بیان وقوع قیامت اشاره می نماید؛ در ابتداء سوره به بیان وقوع قیامت بعد از آن به تقسیم افراد انسان ها به اصناف ثلاثه و اینکه گروه اخیر با بکار گیری عقل قاصر خویش از

1 - تفسیر المنیر، ج 27، ص 266.

2 - الروم: 27.

3 - التناسق الموضوعی فی سورة الواقعة. العبیدی ، احمد بن محسن بن علی . سال طبع : (1435). اشراف: دکتور فهد شتوی الشتوی استاد دیپارتمنت کتاب و سنت پوهنهی اصول الدین و دعوت پوهنتون ام القراء مدینه منوره . ص 219.



می‌رویانید ، یا ما می‌رویانیم ؟ 65- اگر بخواهیم کشتزار را به گیاه خشک و پرپر شده‌ای تبدیل می‌گردانیم بگونه‌ای که شما از آن در شگفت بمانید . 66- ( حیران و اندوهناک خواهید گفت : ) ما واقعاً زیانمندیم ! 67- بلکه ما بکلی بی‌نصیب و بی‌بهره ( از رزق و روزی ) هستیم ! ( آخر چیزی برای ما نمانده است و بی‌چیز و بیچاره شده‌ایم ) . 68- آیا هیچ درباره آبی که می‌نوشید اندیشیده‌اید ؟ . 69- آیا شما آب را از ابر پائین می‌آورید ، یا ما آن را فرود می‌آوریم ؟ 70- اگر ما بخواهیم این آب ( شیرین و گوارا ) را تلخ و شور می‌گردانیم . پس چرا نباید سپاسگزاری کنید ؟ 71- آیا هیچ درباره آتشی که برمی‌افروزید ، اندیشیده‌اید ؟ . 72- آیا شما ، در آغاز این آتش را پدیدار کرده‌اید ، یا این که ما پدیدآورندگان آن هستیم ؟ . 73- ما آن را وسیله یادآوری ( قدرت خدا ) و وسیله زندگی اقویاء و فقراء نموده‌ایم حال که چنین است . 74- نام پروردگار بزرگوار خود را ورد زبان ساز ( و سپاسگزار نعمتهای فراوان او باش ، و به ستایش وی بپرداز ) .

### فرع دوم: تفسیر اجمالی

درین مقطع پیرامون اثبات توحید و معاد چهار دلیل عقلی از عجائب خلق عالم ذکر میکند که هر کدام آنها دلیل روشنی برای اثبات توحید و معاد است ، مشرکین قریش از بارز ترین اعتراضات که نسبت به دعوت پیامبر صلی الله علیه وسلم داشتند توحید و معاد بود ه که الله متعال این دو اصل اسلام را درین جا بشکل واضح در محدوده مثال ها بیان داشته است. و این مقطع نتیجه آنچه در دو مقطع قبلی بیان شد را میرساند که همه آنچه قبلاً ذکر شد بدون تردید واقع شدنی است چون در دنیا بسیاری از دلایلی را مشاهده می‌نمایم که برای اثبات توحید و معاد دلالت دارند و این مقطع آنرا بیان میدارد، خلقت انسان با این ظرافت از نطفه ناچیزی که انسان در خلقت آن هیچ نقشی را افاده نمی‌کند آیا بین شما کسی است که در خلقت خویش سهیم باشد و یا اقلأ نظری اراء نماید؟. و یا هم گیاه که در بهار می‌روید و در خزان می‌خشکد و تمام حوایج و ضروریات خوراکی و غیر خوراکی انسان ها را تأمین می‌کند ، آب که وسیله حیات انسان و یک عنصر مهم زندگی است از ابر ها به پایین می‌ریزد پس چگونه می‌شود که در فرود آمدن باران این انسان ضعیف نقش داشته باشد، و همچنان آتش که پیشرفت و ترقی مادی انسان ها از اول تا به امروز بر این عنصر مهم حیات می‌چرخد آیا انسان در آفرینش آن نقشی دارد؟ واضح است که نه پس به کدام منظور انسان در برابر چیزی که الله جل جلاله وعده نموده ایستاده گی می‌نماید و آنرا کلاً انکار می‌کند درحالی که هیچ چیزی از عناصر حیات خویش را خود نیافریده است. باید بپذیرد که

قیامت و رستاخیز محقق خواهد شد چنانکه از ابر ها باران می ریزد، باید قبول کند که معاد حتماً هست مانند که از درخت سبز آتش سوزان ساخته می شود. باید به همه آنچه الله متعال وعده نموده منقاد باشیم و بپذیریم که الله هرچه خواهد میتواند انجام دهد چنانکه از نطفه ناچیز انسان با کرامت و با شخصیتی ساخته که بر همه مخلوقات بر تریب دارد ، درین مقطع به طور تفصیل الله جل جلاله دلایلی برای اثبات قیامت و توحید بیان میدارد و برای انسان ها می رساند که این کفر و عناد شما مانع آنچه الله وعده داده نمی شود پس به ناچار خواهید پذیرفت ، چه می شود که در دنیا آنرا بپذیرید تا از خسران و زیان آخرت نجات پیدا کنید.<sup>1</sup>

### فرع سوم: توضیح بعضی کلمات این مقطع

لغات و کلماتی که درین مقطع از آن استفاده شده و در مورد اصل معنی آن ضرورت به تحقیق بیشتر وجود دارد را بطور مختصر و فشرده میخواستیم معنی نمایم و نکات ظریفی که الله متعال از بکار بردن آن کلمات و لغات در نظر دارد را حد الامکان بیان داریم.

#### 1. تَمْنُونَ:

الْمَنِيَّ مَشَدَّدٌ سَمِي مَنِيَا لِأَنَّهُ يَمْنِي أَيْ يَصْبُ وَ سَمِيَّتْ مَنِي لِمَا يِرَاقُ بِهَا مِنَ الدِّمَاءِ وَيُقَالُ أَمْنِي وَمَنِي وَمَنِي بِنَشْدِيدِ النُّونِ ثَلَاثَ لُغَاتٍ وَبِالْأُولَى جَاءَ الْقُرْآنُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى {أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَمْنُونَ} 2. ترجمه: منی که با تشدید یا بیاید منی گفته می شود و آنرا به خاطری منی گویند که ریزانده می شود و از خونها جدا شده و ریختانده می شود. وبه سه لغت می آید: منی ، و منی ، و منی به تشدید نون آمده است. در قرآن کریم به صیغه اولی (امنی) : (آیا درباره نطفه‌ای که ( به رحم زنان ) می‌جهانید ، اندیشیده‌اید و دقت کرده‌اید؟

منی بمعنی ریزانیدن از باب افعال است و (امنی) زمانی گفته میشود که شخص به اثر جماع انزال شود، و در صورتی که به سبب احتلام، انزال شود (منی) گفته میشود. دکتور وهبه الزهیلی گفته : ( ما تَمْنُونَ ما تَقْدِفُونَهُ أَوْ تَصْبُونَهُ مِنَ الْمَنِي فِي الْأَرْحَامِ).<sup>3</sup> ما تمنون یعنی منی که شما می اندازید و می ریزانید در ارحام.

1 - تفسیر المنیر، ج 27، ص 266 الی 273. از تفسیر المنیر به اختصار .  
2 - تحریر ألفاظ التنبيه. النووی، ابو زکریا، یحیی بن شرف بن مری. طبع اول. سال طبع (1408 هـ). تعداد اجزاء (1). تحقیق: عبدالغنی الدقر. ناشر: دار القلم- دمشق.  
3 - تفسیر المنیر، ج 27، ص 267.

## 2. تَحْرُثُونَ:

تحرثون از باب نصرینصر ثلاثی مجرت ماضی مفتوح العین و مضارع مضموم العین است به معنی پاشیدن بذر قلبه نمودن زمین چنانکه صاحب کتاب فرموده: عبارت از اصلاح نمودن زمین و قلبه کردن زمین و پاشیدن بذر است در آن. <sup>1</sup> تحرثون از حرث گرفته شده بمعنی قلبه کردن و زیر و رو کردن زمین، و از مقدمات بذر است که با انجام دادن آن کار انسان تمام می شود ولی رویانیدن آن کار خالق است.

## 3. حُطَامًا:

عبارت از شکستن هر چه که باشدمانندی که الله متعال آنرا در آیاتی از قرآن کریم استعمال نموده می فرماید: **(لَا يَحْطَمَنَّ سَلِيمَانَ وَجُنُودَهُ...)(النمل:18)**. حطمه انحطام و حطم به معنای شکستن چیزی خشکیده را گفته می شود مانند که الله متعال فرمود: **(ثُمَّ يَهِيحُ فِتْرَاهُ مَصْفَرًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا)(الزمر:21)**. همچنان به جهنم هم حطمة گفته شده الله متعال می فرماید: **(وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَطْمَةُ)(همزه:5)**. ترا چه داناند که چیست حطمه. پس حطمه عبارت از چیزی است که در هم کوبنده ای آنرا کوبیده باشد.<sup>2</sup>

حطاماً جمع حطم است که عبارت از شکستن چیزی و در هم کوبیدن آمده است، که در قرآن کریم و مقوله های عربی بکار رفته است.

## 4. تَفَكَّهُونَ:

تعجب خواهید کرد به آنچه که بر شما می گزرد، تفسیر فتح القدیر از مفسرین نقل نموده می فرماید: **وَتَفَكَّهُ تَعَجَّبَ، وَيُقَالُ: تَنَدَّمَ. قَالَ الْحَسَنُ وَقْتَادَةَ وَغَيْرَ هُمَا: مَعْنَى الْآيَةِ: تَعَجَّبُونَ مِنْ دَهَابِهَا وَتَنَدَّمُونَ مِمَّا حَلَّ بِكُمْ. وَقَالَ عِكْرِمَةُ: تَلَاؤُمُونَ وَتَنَدَّمُونَ عَلَى مَا سَلَفَ مِنْكُمْ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ.**<sup>3</sup> **ترجمه:** تفکه به معنی تعجب و همچنان به معنی پشیمان شدن است، حس و قتاده و دیگران گفته اند معنی آیه چنین می شود: تعجب می کنید از گزشت آن و پشیمان خواهید شد به آنچه بر شما گزشته و عکرمة گفته: ملامت می کنید خویش را و پشیمانی خواهید کرد به آنچه که انجام داده اید از معصیت و نافرمانی خداوند جل جلاله در گذشته.

1 - التبيان في تفسير غريب القرآن. ابن الهائم، احمد بن محمد بن عماد الدين بن علي، ابوالعباس، شهاب الدين. متوفى (815هق). طبع اول: سال طبع (1423هق). تحقيق: د ضاحی عبدالباقي محمد. ناشر: دار الغرب الاسلامی بیروت. ص407.

2 - مفردات في غريب القرآن، ص 243.

3 - فتح القدیر. الشوكاني، محمد بن علي بن محمد بن عبدالله الشوكاني اليمنى. متوفى (1250هق). طبع اول. سال طبع (1414هق). ناشر: دار ابن كثير، دار الكلم الطيب، دمشق، بيروت لبنان. ج5، ص189.



## 5. مُغْرَمُونَ:

مغرم به معنی کسی که مالش همه از دستش رفته و هیچ چیزی به وی باقی نمانده باشد. چنانکه گفته شده: **تَقُولُونَ إِنَّا لَمُغْرَمُونَ، أَيُّ: مُزْمُونَ غَرَمًا بِمَا هَلَكَ مِنْ زَرْعِنَا، وَالْمَغْرَمُ الَّذِي ذَهَبَ مَالُهُ بِغَيْرِ عَوْضٍ، قَالَ الضَّحَّاكُ وَابْنُ كَيْسَانَ. وَقِيلَ: إِنَّا لَمُعْذِبُونَ. تَرْجَمَهُ: مَيَّ** گویند انا لمغرمون یعنی بر ما خسارت لازم گردیده به سبب آنچه از زعی که از ما هلاک گردیده، و مغرم به کسی گفته می شود که مال وی بدون عوض از دستش رفته باشد. ضحاک و ابن کیسان گفته: انا لمغرمون به معنی انا لمعذبون است ( ما تغذیب کرده شده ایم).

## 6. مُزْنٌ:

مزن به معنی سحاب أبر، شیخ ابو سعود گفته مزن به ابری گفته میشود که رنگ آن سفید و آب آن گوارا باشد.<sup>1</sup> **مَزْنٌ يَمُزْنُ مَرْنًا، وَمُزُونًا، وَالْمُزْنُ: السَّحَابُ عَامَّةً، وَقِيلَ: السَّحَابُ ذُو الْمَاءِ، وَاجِدْتُهُ مُزْنَةً.**<sup>2</sup> ترجمه: (مزن به معنی مطلق ابر ها را گفته می شود و یا این که به ابری که دارای آب باشد مزن گفته می شود).

**(مَزْنٌ) الْمِيمُ وَالزَّاءُ وَالنُّونُ أَصْلٌ صَحِيحٌ فِيهِ ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ مُتَبَايِنَةٍ الْقِيَاسِ: فَأَلْوَى: الْمُزْنُ: السَّحَابُ، وَالْقِطْعَةُ مُزْنَةٌ.**<sup>3</sup> (میم و زاء و نون اصل صحیح ثلاثی است، از جمله کلمات متباین قیاس می باشد، و مزن به ابر گفته می شود و به قطعه از ابر مزنة گفته می شود).

## 7. أُجَاجًا:

اجاج به ضمه جیم به آب نمکین گفته می شود و یا هم به آب زرداب و کره اللذة گفته می شود. و یا هم به آبی که نهایت گرم باشد اجاج گفته می شود: از عبدالله بن عباس رضی الله عنه نیز روایت شده است. **{الأجاج بالضم، من} الأجاج، وَهُوَ تَلْهُبُ النَّارِ، فَكَلَّ مَا يَحْرِقُ الْفَمَ مِنْ مَالِحٍ وَمُرَّ أَوْ حَارٍ فَهُوَ أُجَاجٌ. وَعَنِ الْحَسَنِ: هُوَ مَا لَا يُنْتَفَعُ بِهِ فِي شَرْبٍ أَوْ زَرْعٍ أَوْ غَيْرِهِمَا.**<sup>4</sup> ترجمه: از بعضی ائمه اشتقاق نقل شده که اجاج به ضمه از اجیج گرفته شده که به معنی شعله آتش است که زبانیه می زند. پس هرچه که دهن را از نمک داشتن زیاد و یا گرمی زیاد بسوزاند اجاج گفته می شود، و حسن گفته: که اجاج به آبی گفته می شود که نه نوشیده شود و نه در زراعت از آن استفاده

1 - ارشاد عقل السليم الى مزايا القرآن الكريم ، ج8، ص198.

2 - المحكم والمحيط الأعظم. ج9، ص67.

3 - معجم مقاييس اللغة، ج5، ص317.

4 - تاج العروس، ج5، ص399.











و درختان و ) ثمرات را به وجود آورد تا روزی شما گردند . پس شرکاء و همانندهایی برای خدا به وجود نیاورید ، در حالی که شما ( از روی فطرت ) می‌دانید ( که چنین کاری درست نیست). باید بپذیرید که لایق عبادت خدای است که همه آنچه شما دور بر خود می بینید آفریده و از آسمان آب نازل کرده تا زمین مرده بار دیگر زنده شود و وسیله رزق برای شما گردد.

در آیه دیگری نیز الله متعال اشاره می کند که : ﴿ قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَدَأَ لَهُمْ الْأَرْضَ وَمَا فِيهَا وَأَبَدَ الْأَرْضَ وَمَا فِيهَا لِيَوْمَ الْقِيَامَةِ ﴾ <sup>1</sup> ترجمه: و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده ( که برابر قوانین منظمی بخارها به ابرها تبدیل و بر پشت بادهای به جاهایی که خدا خواسته باشد رهسپار می‌گردند و پس از تلقیح ، به صورت برف و تگرگ و باران مجدداً بر زمین فرو می‌ریزند ) و با آن زمین را پس از مرگش زنده ساخته و انواع جنبندگان را در آن گسترده ، و در تغییر مسیر بادهای و ابرهایی که در میان آسمان و زمین معلق می‌باشند ( و برابر قوانین و ضوابط ویژه‌ای در پهنه فضا پراکنده نمی‌گردند و هدر نمی‌روند ) ، بی‌گمان نشانه‌هایی برای پی‌بردن به ذات پاک پروردگار و یگانگی خداوندگار ( است برای مردمی که تعقل و رزند .

گونگونی میوه جات و مزه های گوناگون یک نوع از میوه همه بر اثبات اینکه خداوند آنها را آفریده دلالت دارد و جز آن ذات عظیم و قدیر کسی نمیتواند حتی یک درخت و یا گیاه رویاند چنانکه الله متعال فرموده است: ﴿ أَلَمْ يَخْلُقْ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴾ <sup>2</sup> ترجمه: و او کسی است که از ( ابر ) آسمان ، آب ( باران ) فرو می‌فرستد ، و ما ( که خدائیم ، با قدرت سترگ خود ) به وسیله آن آب ، همه رُستنیها را می‌رویانییم و از رُستنیها سبزینه بیرون می‌آوریم ، و از آن سبزینه ، دانه‌های تنگاتنگ یکدیگر ، و از شکوفه‌های درخت خرما خوشه‌های آویزان نزدیک بهم و در دسترس ، و باغهای انگور و زیتون و انار پدید می‌سازیم که (در شکل و مزه و بو و سود) همگون و یا غیر همگونند. بنگرید به میوه نارس و رسیده یکایک آنها، آن گاه که میوه دادند. بیگمان در این (گونگونی درونی و بیرونی و تغییر آغاز و انجام میوه‌ها) نشانه‌ها و دلائل (خداشناسی) است برای کسانی که (حق را می‌پذیرند و بدان) ایمان می‌آورند .

1 - البقرة: ۱۶۴  
2 - الأنعام: ۹۹







- 3- الله متعال از آب جهنده ناچیز انسان های کریم و عزیز خلق نموده این خود بیان گر آن است که بار دیگر قادر است تا این انسان ها را خلق نماید.
- 4- هویدا شدن ضعف انسان ها در مجموع و علی الخصوص متکبرین بر اینکه هیچ کسی از مرگ مستثنی نیست و حتی قادر به درک اینکه چه زمانی فرا خواهد رسید نیستند و نه هم مانع آمدن آن شده می توانند.
- 5- زندگی اولی خود بیان گر زندگی دومی است بدون هیچ گونه شک و تردید.
- 6- رویانیدن گیاه دلیل واضح برای اثبات قدرت الهی و وقوع قیامت است که الله زمین را شق نموده و از دانه خشک گیاه سبز می رویاند.
- 7- خشکانیدن گیاه خود بیان گر آن است که این انسان ها قادر نیستند حتی از زرع خویش محافظت کنند که دلیل واضح برای وقوع قیامت می باشد درحالیکه از وقوع آن هیچ کسی راضی نخواهد بود.
- 8- آفرینش آتش که دارای حرارت است از ماده سبز و تازه که خاصیت برودت و سردی دارد ، یعنی خلقت شی از ضد آن دلیل واضح است بر اینکه میتواند خلاف میل انسان ها قیامت را برپا نماید.
- 9- خلقت آتش و ضرورت مبرم انسان به آن لازمه تأمل و تفکر دارد که نمیتوان فواید آنرا محدود ساخت.
- 10- بعد از اینکه همه قدرت الهی به اثبات رسید باید انسان به تسبیح ذات اقدس الهی بپردازد و آنرا چنانکه شأنش است یاد نماید.
- 11- بیان دلایل و شواهد پیرامون اثبات قیامت و رستاخیز و امکان آن از آدرس عقل.
- 12- بیان نعمت ها و منت های الهی بر بنده گانش در خلقت و رزق و مهیا ساختن زندگی مرفح و آرام.
- 13- وجوب شکر نعمت های الله جل جلاله در آسوده زیستن و آرام بودن انسان ها.
- 14- آتشی که ما آنرا می افروزیم و از آن در معیشت خویش استفاده می کنیم عبرت بزرگ برای آخرت ما انسان ها است.
- 15- منزه ساختن الله متعال از همه عیوب و شرکایی که مشرکین و کفار به الله نسبت می دهند و آنرا به پاکی یاد نمودن.

- 16- آب و آتش و درخت همه نعمت ها بسیار بزرگ الله جل جلاله است که بدون آن انسان ها نمی توانند زندگی آسوده و آرام داشته باشند، به پاس این نعمت ها باید فراخوان راه مستقیم را تصدیق نموده و به آنچه فرا می خواند سر اطاعت خم نمایم و از آن بدون چون و چرا پیروی نمایم.
- 17- بیاد آوری همه این نعمت ها از ما انسان ها شکر می طلبد تا در برابر این نعمت های بزرگ الهی شکر الله جل جلاله را بجا آوریم و هیچ گاهی تکبر و خود خواهی را به تفکر خویش راه ندهیم.

## مقطع چهارم

### حقانیت قرآن کریم و صدق اخبار آن در مورد قیامت از آیه (75-80)

این مجموعه از آیات سوره واقعه بیان گر صداقت قرآن کریم و اثبات آنچه از موضوعاتی که پیرامون آخرت بیان کرده شده است میپردازد، انسان ها در قبال پیام های پیامبران و علی الخصوص رسول الله صلی الله علیه وسلم در شک و تردید بسر می بردند و با دلایل باطل خویش ادعای رسول الله صلی الله علیه وسلم را مردود می شمردند، الله متعال با یاد نمودن قسم به قرآن کریم آنچه که پیامبر بیان داشته را تصدیق می کند و به شک و تردید انسان ها پاسخ میدهد ، قرآن کریم کتاب الهی است بدون شک و تردید از جانب الله بر پیامبر نازل شده و هیچ مخلوقی در آن تصرف ندارد، این مسائل درین مقطع مورد بحث قرار گرفته است.

### موضوع اول: مناسبت های این مقطع

#### فرع اول: ارتباط این مقطع با مقطع قبلی

مقطع سوم سوره واقعه دلایلی را برای اثبات توحید و بعث بعد از موت بیان داشته و از خلقت خداوند و عاجز بودن انسان ها یاد نموده است و در اخیر مقطع به تسبیح ذات یکتا امر نموده است ، درین مقطع پیرامون موضوع حقانیت قرآن کریم که این دلایل روشن و واضح در آن دیده میشود را به اثبات می رساند، قرآن کریم کتابی که از غیبیات سخن میزند همانا منبع بزرگ شناخت خداوند و توحید بوده و همچنان دلیل محکم برای اثبات قیامت می باشد چون این کتاب ساخته بشر نیست و از جانب الله متعال نازل شده الله متعال فرموده است: ﴿أَنبِئْهُمْ نَوْمًا﴾ (از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است) .

ذاتیکه همه مخلوقات را آفریده از جمله انسان که در مراحل سه گانه خلق شده و رویاننده گیاه های سبز ، و نازل کننده آب گوارا از آسمان، و پدید آورنده آتش از درخت سبز ، همه از خلال فرموده های قرآن کریم دانسته می شود و این دو مقطع باهم بطور کل یک موضوع بیان میدارد ، مقطع اول دلایل اثبات توحید و قیامت را بیان میدارد و در مقطع بعدی بحث اثبات قرآن

کریم که از جانب الله بوده مورد بحث قرار گرفته است که بدون ثبوت قرآن توحید و قیامت به اثبات نمیرسد و بدون اثبات توحید و قیامت از قرآن کریم اطاعت صورت نمیگیرد.

### فرع دوم: مناسبت این مقطع با محور سوره

در محور سوره بیان نمودیم که محور سوره واقعه در بیان اثبات قیامت و زنده شدن بعد از مرگ است و برای اثبات این نظریه دلایل متنوع ذکر می نماید ، در مقطع چهارم سوره مبارکه واقعه از آیه (75-82) بیان گر این مطلب است که حادثه رستاخیز یکی از قضایای است که به وسیله وحی به اثبات می رسد و مشرکین و منکرین با شبهه ایجاد کردن نسبت به قرآن کریم میخوانند رستاخیز را انکار کنند و آنرا محال و غیر قابل درک می دانند ولی درین مقطع الله متعال چهار دلیل و برهانی برای به اثبات رسانیدن وقوع رستاخیز بیان میدارد که عبارت از : خلق انسان از نطفه ، رویانیدن گیاه از زمین، نزول آب گوارا از آسمان ، و خلق آتش از درخت سبز همه بیان می دارد که چنانکه از ماده های ناچیز و مرده زنده بیرون کرده میتواند پس زنده کردن دو باره مرده گان از قبر امر سهل و آسان است.

### فرع سوم: سبب نزول آیات (75 الی 81) سوره واقعه

بعضی از آیات قرآن کریم دارای اسباب نزول می باشد که بعد از وقوع یک واقعه الله متعال برای اثبات و تاکید آن و یا هم برای رد و منع یک عمل آیتی از قرآن کریم فرستاده است از جمله آن این آیات از مقطع چهارم اند که الله متعال به سبب تفکر نادرست اهل جاهلیت فرستاده تا همه بدانند که روزی دهنده و باران نازل کننده فقط الله است نه ستاره ی و یا هم شخص و شی دیگر.

در حدیث صحیح از عبدالله ابن عباس رضی الله عنه روایت است که فرمود: (قال مطر الناس علی عهد النبي صلی الله علیه و سلم فقال النبي صلی الله علیه و سلم" أصبح من الناس شاکر ومنهم کافر قالوا هذه رحمة الله وقال بعضهم لقد صدق نوء کذا وكذا" قال فنزلت هذه الآية (فلا أقسم بمواقع النجوم حتی بلغ وتجعلون رزقکم أنکم تکذبون ] الواقعة / آیه 75 - 82 [ 1. ترجمه: از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که در زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم بر مردم باران نازل شد و رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند : بعضی از مردم شاکرین گردیدند

1 - صحیح مسلم ، ج 1، ص 84.



شده است . 81- آیا نسبت به این کلام ( یزدان ، یعنی قرآن ) سستی و سهل انگاری می کنید ( و آن را جدی نمی گیرید ؟ ) 82 - و آیا بهره خود را از قرآن تنها تکذیب بدان می کنید ؟ !.

### فرع دوم : تفسیر اجمالی

درین مقطع الله متعال منبع گفتار پیامبر را تصدیق می نماید و به آن مهر تأیید می زند که هرچه آورده و هرچه به آن فرا می خواند حقیقت دارد و از جانب من است ، الله متعال با ابراز حقیقت موضوع و قسم یاد نمودن به مواقع نجوم از همه آنچه که مشرکین و کفار به پیامبر نسبت داده یک سره انکار می کند که نه پیامبر دیوانه هست تا چنین شایعاتی را بجا آورد و نه هم کدام مقصود شخصی دارد بلکه آنچه آورده از طرف باری تعالی است که در آوردن و بیان آن هیچ اختیاری از خود ندارد ، قرآن کتابی است که الله متعال در لوح و محفوظ آنرا ثبت نموده و به آن جز پاکان کسی دست رسی ندارد شیطان از رفتن به آنجا منع شده و ملائکه همه معصوم و فرمان بردار اند که بدون اجازه به آن دست نمی زنند پس اگر شما به این فکر هستید که این قرآن محمد دست خورده شده است ، به ناچار باید بپذیرید که چنین نیست، قرآن کتاب الله و پیام الهی برای بشریت است که محمد صلی الله علیه وسلم فقط بیان کننده و مبلغ آن می باشد. الله جل جلاله می فرماید: **أَأَبْرَأُ بِنَبِيِّكُمْ هَلْ يَتَذَكَّرُونَ أَلَمْ يَكْفُرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أَلَمْ يَكْفُرُوا بِالْحَقِّ كَافِرِينَ** **ترجمه:** 1 **آیا فرستاده ( خدا ، محمد مصطفی ! ) هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است ( به تمام و کمال و بدون هیچ گونه خوف و هراسی ، به مردم ( برسان ( و آنان را بدان دعوت کن ) ، و اگر چنین نکنی ، رسالت خدا را ( به مردم ) نرسانده ای ( و ایشان را بدان فرا خوانده ای . چرا که تبلیغ جمیع اوامر و احکام بر عهده تو است ، و کتمان جزء از جانب تو ، کتمان کلّ بشمار است ) . و خداوند تو را از ( خطرات احتمالی کافران و اذیت و آزار ) مردمان محفوظ می دارد ( زیرا سنت خدا بر این جاری است که باطل بر حق پیروز نمی شود . و ) خداوند گروه کافران ( و مشرکانی را که درصدد اذیت و آزار تو برمی آیند و می خواهند برابر خواست آنان دین خدا را تبلیغ کنی ، موفق نمی گرداند و به راه راست ایشان ) را هدایت نمی نماید .**

این اختیار به شما نیست که اگر خواستید بیان نمایید و اگر خواستید از آن اباروزید بلکه این مکلفیت دایمی شما است که در هر حال آنرا بیان دارید. و این مشرکین شما را با کدام اساس





## فرع سوم: لغات مربوط این مقطع

### 1- بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ:

مواقع جمع موقع است جایی که چیزی در آن سقوط می کند. موقع و مواقع به معنای محل وقوع و افتادن است ، و گفته میشود ( وقع الشیء موقعه ) آن چیز در جای خود افتاد و مواقع الغیث به معنای جای سقوط قطرات باران است.<sup>1</sup>

### 2- مَكُونٌ :

مکنون به معنی مستور و یا محفوظ و مصئون یعنی این کتاب از دید دیگران پنهان است و مستور است و یا هم این کتاب تغیر ناپذیر است.<sup>2</sup>

### 3- الْمُطَهَّرُونَ:

یعنی ملائکه و فرشتگان پاک یا افراد پاکیزه از حدث ، از قبیل جنابت و نجاست و امور شبیه آنها که مانع صحت نماز می باشد، بنا بر معنای دوم، منظور آیه این است که جز افراد پاکیزه از جنابت و حدث ، کسی قرآن را لمس نکند. قناده رحمة الله علیه فرموده است : مراد از ( لا یمسه الا المطهرون ) در نزد الله است ولی در نزد شما که مشرک نجس و منافق رجس به آن دست می زنند.<sup>3</sup> امام ثعلبی رحمة الله علیه<sup>4</sup> نقل می کند که جمهور به این قول اند که : منع قرار داده شده مس مصحف را به هر آنکه جنب باشد و یا حائض و یا هم بی وضوء باشد ، و گفته اند جائز نیست حمل مصحف و یا مس آن مگر اینکه به حالتی باشد که بر آن نماز خوانده شود . و لی امام ابوحنیفه رحمة الله علیه از حمل مصحف و مس آن زمانی که در غلاف باشد اجازه داده است.<sup>5</sup>

### 4- مُدْهُنُونَ:

---

1 - لسان العرب ، ج 8 ، ص 402.  
2 - تاج العروس ، 64، باب کنن.  
3 - الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الاملی الطبری ، متوفی(310هق). طبع اول . سال طبع (1420هق)- (2000م). تعداد اجزاء(24). تحقیق: احمد محمد شاکر. ناشر: مؤسسه الرساله. ، ج23، ص152.  
4 - ثعلبی ، ابو اسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم، النیسابوری، از مفسرین مشهوری است ، از علماء نخبه عصر خود بوده. امام ثعلبی به بزرگترین دانشمندان زانوی تلمذ نهاده است از جمله: ابی طاهر بن خزیمه و امام ابی بکر بن مهران المقرئ. و علماء زیادی از آن کسب علم نموده اند از جمله : ابوالحسن الواحدی. در مورد این عالم بزرگ وار ابی القاسم قشیری فرموده است : که با رب در خواب ملاقات نمودم و با پرور دگرم کلام نمودم رب من فرمود با آن شخص صالح ملاقات نماید وقتی متوجه شدم که احمد ثعلبی از جلو می آید. و در سال 427ه ق وفات یافته است. طبقات المفسرین للداودی، ج، ص66.  
5 - الكشف والبیان عن تفسیر القرآن. ابواسحاق ، احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی. متوفی ( 427ه). طبع اول. سال طبع (1422هق). تعداد اجزاء(10). ناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان. تحقیق: امام ابی محمد بن عاشور. مراجعه و تدقیق: الاستاذ نظیر الساعدی.

سهل انگاری کننده گان . کسانیکه قرآن کریم را تکذیب نموده و در مورد آن بی توجه است . قرطبی گفته است : مدهن کسی را گفته میشود که ظاهر وی بر خلاف باطن اش باشد و در سهولت و نرمی به روغن تشبیه شده است.<sup>1</sup> لسان العرب گفته : مداهنه و ادهان به معنی مدارا و آسان گیری است و گفته شده: مداهنه به معنای تظاهر و نشان دادن چیزی که مخالف با آنچه در درون است.<sup>2</sup>

#### فرع چهارم: توضیح بعضی موضوعات این مقطع

##### الف: اثبات حقانیت قرآن کریم

بعد از اینکه در مقطع قبلی الله متعال پیرامون اثبات توحید و قیامت دلایلی را ذکر نمود، درین مقطع به اثبات حقانیت قرآن می پردازد؛ می فرماید: **أَمْ لَمْ یَلْمِ یَٰسَٰرَ ٱلْعَرَبِ ٱلَّذِی نَزَّلَ عَلَیْهِ ٱلْقُرْءَٰنَ مِن رَّبِّهِۦ ۚ قُلْ یٰٓأَعْمَٰی ۚ** ترجمه: سوگند به جایگاههای ستاره ها ، و محل طلوع و غروب آنها.

یعنی چنانکه تصور شما است چنین نیست که قرآن سحر و یا کهنانت باشد، و برای اثبات آن این قسم کافی است که به محل طلوع و غروب ستاره گان قسم یاد شده است. مراد از مواقع النجوم تفرق نزول قرآن است، قول بن عباس رضی الله عنه اینست که قرآن به یکبارگی از لوح محفوظ به آسمان دنیا نازل شده و از آسمان دنیا طبق ضرورت بر رسول الله صلی الله علیه وسلم متفرق نازل شده است، مجاهد رحمة الله علیه گفته است مراد از **أَمْ لَمْ یَلْمِ یَٰسَٰرَ ٱلْعَرَبِ ٱلَّذِی نَزَّلَ عَلَیْهِ ٱلْقُرْءَٰنَ مِن رَّبِّهِۦ ۚ قُلْ یٰٓأَعْمَٰی ۚ** محکم قرآن کریم است.<sup>4</sup>

همچنان الله متعال فرموده است **أَمْ لَمْ یَلْمِ یَٰسَٰرَ ٱلْعَرَبِ ٱلَّذِی نَزَّلَ عَلَیْهِ ٱلْقُرْءَٰنَ مِن رَّبِّهِۦ ۚ قُلْ یٰٓأَعْمَٰی ۚ** نم فی **یَٰسَٰرَ ٱلْعَرَبِ ٱلَّذِی نَزَّلَ عَلَیْهِ ٱلْقُرْءَٰنَ مِن رَّبِّهِۦ ۚ قُلْ یٰٓأَعْمَٰی ۚ**<sup>5</sup> ترجمه: هر آینه این ( چیزی را که محمد با خود آورده است ) قرآن گرانقدر و ارزشمند است . در کتابی پنهان ( از دیدگان و دور از دسترس شیطان ، که لوح محفوظ است ) قرار دارد . جز پاکان ( یعنی فرشتگان یزدان ) بدان دسترسی ندارند . از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است . آیانسبت به این کلام ( یزدان ، یعنی قرآن ) سستی و سهل انگاری می کنید ( و آن را جدی نمی گیرید؟ ) .

1 - الجامع لاحکام القرآن ، ج 17 ، ص 227 .  
 2 - لسان العرب ، ج 12 ، ص 160 ، ماده : دهن .  
 3 - الواقعة: ٧٥  
 4 - الطبری، ج 23، ص 147 .  
 5 - الواقعة: ٧٧ - ٨١





هویدا است هر کتابی که دارای چنین صفاتی بوده ارزشمند و گرامی است ، الله متعال در آیه اول سوره ابراهیم فرموده است: **أَأَنْتَ الَّذِي كَفَرْنَا بِكَ** <sup>۱</sup> **ترجمه: الف . لام . را** . ( این قرآن ) کتابی است که آن را برای تو فرستاده‌ایم تا این که مردمان را ( در پرتو تعلیمات آن ) با توفیق و تفضل پروردگارشان ، از تاریکیها ( و گمراهیهای کفر و نادانی ) به سوی نور ( و روشنایی ایمان و دانایی ) بیرون بیاوری ، ( یعنی که ) به راه خدای چیره ستوده ( درآوری ) . خدائی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن او است . این کتاب ( قرآن ) وسیله بزرگ برای نجات از تاریکی های گوناگون بسوی روشنی و هدایت است ، الله متعال درین آیه به رسول الله صلی الله علیه وسلم خطاب فرموده که این کتاب برای آن نازل شده تا از تاریکی بسوی روشنایی و نور مردم سوق داده شوند ، پس کتابی که دارای چنین ویژه گی باشد قطعاً کتاب بسیار عظیم و کریم است .

در جای دیگر الله متعال این کتاب را هدایت به راه راست معرفی نموده است می فرماید: **أَسْرَأُ نَفْسًا يَكْفُرُ** <sup>۲</sup> **ترجمه: این قرآن** ( مردمان را ) به راهی رهنمود می‌کند که مستقیم‌ترین راهها ( برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت ) است ، و به مؤمنانی که ( برابر دستورات آن ) کارهای شایسته و پسندیده می‌کنند ، مژده می‌دهد که برای آنان ( در سرای دیگر ) پاداش بزرگی ( به نام بهشت ) است . پس کتابی که انسان های سر در گم و از خود بی خبر را به راه مستقیم که هیچ گونه تردیدی در آن و جود ندارد رهنمایی می‌کند پس باید کتاب کریم و حکیم باشد .

در نتیجه قرآن کریم کتاب ارزشمند است که همه انسان ها را به شاهراه هدایت و سعادت می‌رساند و بدرستی و کامل انسان ها را بر منزل مقصود رهنمایی می‌کند و جز کامیابی دنیا و سعادت آخرت چیزی بدنبال ندارد .

## 2. صفت دوم: قرآن در لوح محفوظ مصنون است

در مورد اینکه الله متعال فرموده است : **( فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ )** علماء نظریاتی دارند ، مراد از مکنون مصنون بودن است و اینکه مراد از آیه چه چیزی است ؟ . از عبدالله بن عباس رضی

1 - ابراهیم: ۱ - ۲  
2 - الإسراء: ۹

الله عنه و مجاهد رحمة الله عليه نقل است که مراد از این آیه کتابی که در آسمان است که در آن قرآن کریم حفظ می شود ، ولی عکرمه رحمة الله عليه فرموده است : مراد از آیه کتب تورات و انجیل است ، و معنای آیه چنین می شود : کرامت و ارزش قرآن کریم در کتب مکنون (تورات و انجیل) بیان شده است.<sup>1</sup>

الله متعال در مورد قرآن کریم فرموده است که این کتاب در لوح محفوظ از دسترسی و دستبرد همه محفوظ است و به آن کسی راه داده نمیشود و این کتابی است که در آسمان نگهداری می شود، الله متعال می فرماید: أأ □ □ □ □ □ □ □ □ 2 (قرآن که در لوح محفوظ در پیش ما است ، والا و استوار است) .

قرآن کریم در نزد الله متعال است مصون و محفوظ است ، در مورد چگونگی بودن قرآن کریم در لوح محفوظ امام بن عطیه فرموده است: اهل تاویل در مورد چگونگی قرآن کریم در لوح محفوظ گفته اند: عکرمه ، قتاده ، سدی و عطیه بن سعید گفته اند که قرآن کریم با آیات منسوخ آن در لوح محفوظ نوشته شده و جبرئیل علیه سلام آنرا به همان شکل بر محمد صلی الله علیه وسلم می آورد. و جمهور گفته اند مراد از بودن در لوح محفوظ از لحاظ درجه و مرتبه قرآن کریم است.<sup>3</sup>

پس صفت دوم قرآن کریم که الله متعال در سوره واقعه از آن یاد آور می شود مصونیت آن در لوح محفوظ جای که هیچ مخلوقی به آن دست رسی ندارد و هیچ کسی نمیتواند از آن باخبر شود، این صفت قرآن کریم درحالی مطرح می شود که انسان های عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم آنرا یک سخن بیهوده و از جانب محمد صلی الله علیه وسلم می دانستند، به همین لحاظ الله متعال بصورت واضح صفت قرآن کریم را بیان میدارد تا کسانی که در ستیز با قرآن قرار دارند بدانند که این پندار شما کاملاً اشتباه است و این کتاب در مصنون ترین و محفوظ ترین مکان نگهداشته شده و طبق فرمان الله متعال به زمین نازل شده است.

### 3. صفت سوم: جز پاکان به قرآن کریم دست نمی زنند

وصف دیگری که الله متعال درین مقطع برای قرآن کریم بیان میدارد اینست که مس قرآن کریم جز توسط پاکان صورت نمیگیرد و لی در مورد اینکه این گروه پاکان چه کسانی اند و چه

1 - المحرر الوجیز، ج 5، ص 251.

2 - الزخرف: 4

3 - المحرر الوجیز، ج 5، ص 45.

زمانی پاک بوده که به قرآن کریم دست زنند موضوعی است که در این بحث آنرا مورد بحث قرار خواهیم داد. الله متعال فرموده است: **أَأَنْتُمْ أَعْمَىٰ** <sup>1</sup> (جز پاکان (یعنی فرشتگان یزدان (بدان دسترسی ندارند).

با در نظر گرفتن اقوال علماء و مفسرین در مورد مساس قرآن کریم به دو نظر می‌رسیم:  
1- اینکه مراد از لایمسه کتاب مکنون است که در آسمان قرار دارد. 2- مراد از لایمسه همان مصاحف است که در دست ما قرار دارد.

### نظریه اول:

در مورد نظریه اول مفسرین کرام از جمله: عبدالله بن عباس، مجاهد، عکرمه و دیگر مفسرین گویند که قرآن کریم در آسمان دست زده (به آن اطلاع و دست رسی ندارند) جز پاک سرشتان (ملائکه) که مخلوق ارزشمند الهی اند. قتاده رحمة الله علیه گفته است: که در نزد الله متعال قرآن کریم توسط فرشتگان مساس میشود که آنها از هر گونه پلیدی و گناه پاک اند ولی در دنیا قرآن کریم توسط مجوسی نجس و منافق پلید نیز مس می‌شود.<sup>2</sup>

در روایتی آمده است<sup>3</sup> که کفار و مشرکین قریش به این نظر بودند که قرآن کریم توسط شیاطین آورده میشود الله متعال حکایت از گفته‌های آنها دارد: **أَأَنْتُمْ أَعْمَىٰ** <sup>4</sup> **يٰۤأَعْمَىٰ** <sup>5</sup> (جز پاکان (یعنی فرشتگان یزدان (بدان دسترسی ندارند).  
آوردن (اصلاً این کار) ایشان را نسزد، و توانایی (چنین کاری را) ندارند. قطعاً ایشان از گوش فرا دادن (به فرشتگان و دریافت پیام آسمانی از ایشان) محروم و برکنارند. و در برابر این گفته آنها آیه را نازل فرموده: **أَأَنْتُمْ أَعْمَىٰ** <sup>5</sup> (جز پاکان (یعنی فرشتگان یزدان (بدان دسترسی ندارند).

### نظریه دوم:

1 - الواقعة: ۷۹  
2 - تفسیر القرآن العظیم، ج ۷، ص ۵۴۴.  
3 - همان، ج ۷، ص ۵۴۴.  
4 - الشعراء: ۲۱۰ - ۲۱۲  
5 - الواقعة: ۷۹















و در اصطلاح: یمین عبارت است از تقویه کلام یکی از طرفین قضیه، با ذکر نام الله متعال و یا صفات آن برای قوت ادعایش می باشد.<sup>1</sup>

شیخ ندوی نیز تعریفی از یمین نموده می فرماید: عقدی که به وسیله آن عزم سوگند خورنده بر انجام یا ترک کاری نیرومند ساخته شود یمین گفته می شود.<sup>2</sup>

### ب. اقسام سوگند خورنده گان

سوگند خورنده به دو قسم است: یکی الله متعال است که بر مخلوقات خود قسم یاد می کند و دوم قسم خورنده مخلوق است که به الله و یا غیر الله قسم یاد می کند.

#### 1. الله جل جلاله قسم یاد می کند:

یعنی الله متعال قسم یاد می کند به صفات خویش چنانکه در روایات زیادی نقل شده الله متعال فرموده است: وعزتی و جلالی، ویا هم به یکی از مخلوقاتش مانند: والتین، والعصر، والشمس، و النجم، فلا اقسام بمواقع النجوم، و مانند آن که الله متعال ذات صاحب اختیار است و میتواند به هر چه از مخلوقاتش که بخواهد قسم یاد کند و مانعی ندارد.

یاد نمودن قسم از جانب الله به معنی این نیست که شنونده سخن الله را تصدیق نماید بلکه برای آنست تا: 1- تعظیم الله جل جلاله گردد چون قسم یاد نمودن به مخلوق بیان عظمت آن مخلوق است پس عظمت مخلوق متضمن عظمت باری تعالی می باشد، 2- تاکید برای جواب قسم که به سبب آن قسم یاد شده، 3- تعظیم و تشریف مقسم به.<sup>3</sup>

#### 2. بنده گان به الله ویا غیر الله قسیم یاد می کنند:

نباید بجز ذات و صفات و اسماء الله عزوجل قسم یاد کرده شود و قسم بغير الله را پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیثی منع فرموده است، می فرماید: (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَدْرَكَ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ، وَهُوَ يَسِيرُ فِي رَكْبٍ، يَخْلِفُ بِأَبِيهِ، فَقَالَ: «أَلَا إِنَّ اللَّهَ يَنْهَأكُمْ أَنْ تَخْلِفُوا بِآبَائِكُمْ، مَنْ كَانَ حَالِفًا فَلْيُخْلِفْ بِاللَّهِ أَوْ لِيَصْمُتْ».<sup>4</sup> ترجمه: از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم عمر بن خطاب را در حالی

1 - التعريفات، ج 1، ص 259.

2 - فقه مبسر ترجمه فارسی. الندوی، راشد حسین. ترجمه: عبدالرؤف مخلص- سید جمال الدین هر وی. طبع دوم. سال طبع (1396 هـ ش).

تعداد اجزاء (2). ناشر: شیخ الاسلام احمد جام. ج 2، ص 89.

3 - الصيد الثمین فی احکام الیمین. مهذب، أبو احمد. از بخش کتاب های ورد مکتبه شامله. بدون بیان محل چاپ و طبع.

4 - صحیح البخاری، ج 8، ص 132.

که بر مرکب خود در حال حرکت بود و بر سر پدر خود قسم یاد می کرد دریافت و فرمود: آگاه باش الله متعال منع فرموده است از قسم یاد کردن به پدرانتان ، کسی که میخوهد قسم بخورد باید به الله قسم بخورد و یا خاموش باشد.

### ج. اقسام سوگند(قسم - یمین)

قسم به سه قسم است 1- قسم منعده ، 2- قسم غموس ، 3 قسم لغو.

➤ **قسم منعده :** صاحب کتاب اختلاف ائمة العلماء تعریف آنرا بیان داشته : **الْيَمِينُ الْمُنْعَدُ هُوَ أَنْ يَحْلِفَ بِاللَّهِ عَلَى أَمْرٍ فِي الْمُسْتَقْبَلِ عَلَى أَنْ يَفْعَلَهُ أَوْ لَا يَفْعَلَهُ، وَإِذَا حَنَثَ وَجَبَتْ عَلَيْهِ الْكَفَّارَةُ**<sup>1</sup> **ترجمه:** عبارت از اینست که شخص بر امری که مربوط به آینده می شود سوگند بخورد ، که آن کار انجام می دهد یا انجام نمی دهد ، و اگر در قسم خویش حانث شد کفاره بروی واجب می گردد.

➤ **قسم غموس:** صاحب کتاب المطلاع على الفاظ المقنع تعریف نموده می فرماید: **يَمِينُ الْغَمُوسِ : هِيَ الْيَمِينُ الْكَاذِبَةُ الْفَاجِرَةُ، يَقْتَطِعُ بِهَا الْحَالِفُ مَالَ غَيْرِهِ، سَمِيَتْ غَمُوسًا؛ لِأَنَّهَا تَغْمَسُ صَاحِبَهَا فِي الْإِثْمِ، ثُمَّ فِي النَّارِ، وَ"غَمُوسٌ" لِلْمَبَالِغَةِ**<sup>2</sup> **ترجمه:** قسم غموس عبارت از: قسمی است که به دروغ و ب گناه یاد کرده شود و یاد کنند چنین قسم مال دیگران را با قسم خویش از خود می سازد، و غموس به خاطری گفته میشود که صاحب خویش را به گناه و سپس به دوزخ داخل می کند ، و از جهت مبالغه به غموس مسمی شده است.

➤ **قسم لغو:** قسم لغو عبارت از قسمی است که یاد کننده آن قصد خوردن قسم را نداشته باشد ، مانند نه والله ، آه والله ، و غیره که قصد قسم در آن نباشد ، و یا به چیزی قسم یاد نماید که در گذشته صدق آن انجام شده باشد، موقع یاد نمودن چنین قسم نه حانث می گردد و نه منقعد می شود و نه هم به آن مواخذه می شود<sup>3</sup>.

1 - اختلاف الأئمة العلماء. عون الدين ، هبيرة بن محمد بن هبيرة الذهلي الشيباني. متوفى (560هـ). طبع اول. سال طبع ( 1423هـ). تعداد اجزاء (2). تحقيق: السيد يوسف احمد. ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان بيروت. ج2، ص364.  
2- المطلاع على ألفاظ المقنع. البعلبي، محمد بن ابي الفتح. متوفى (709هـ). طبع اول. سال طبع(1423هـ). تعداد اجزاء (2). تحقيق: محمود الارناؤوط وياسين محمود الخطيب. ناشر: مكتبة السوادى للتوزيع. ج1، ص490.  
3 - موسوعة الفقه الإسلامى. محمد بن ابراهيم بن عبدالله التويجى. طبع اول ، سال طبع ( 1430هـ). تعداد اجزاء ( 5). ناشر: بيت الافكار الدولية. ج5، ص260.

#### د. حکم قسم به الله و غير الله

در احاديث متعددی پيرامون قسم ياد کردن به غير الله منع آمده است رسوا الله صلى الله عليه وسلم فرموده است : (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَدْرَكَ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ، وَهُوَ يَسِيرُ فِي رَكْبٍ، يَخْلِفُ بِأَبِيهِ، فَقَالَ: «أَلَا إِنَّ اللَّهَ يَنْهَاكُمْ أَنْ تَخْلِفُوا بِآبَائِكُمْ، مَنْ كَانَ حَالِفًا فَلْيُخْلِفْ بِاللَّهِ أَوْ لِيصْمُتْ»<sup>1</sup>). ترجمه: از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم عمر بن خطاب را در حالی که بر مرکب خود در حال حرکت بود و بر سر پدر خود قسم یاد می کرد دریافت و فرمود: آگاه باش الله متعال منع فرموده است از قسم یاد کردن به پدرانتان ، کسی که میخواهد قسم بخورد باید به الله قسم بخورد و یا خاموش باشد.

صاحب کتاب التوضیح لشرح جامع الصحیح در ذیل این حدیث گفته است قسم به غير الله بر همه اشیاء شامل می شود و در حکم قسم به پدران است که حدیث فوق آنرا منع فرموده است ، و قسم که در قرآن کریم ذکر شده مانند : ( و الطور ، و النجم، و الشمس) این خواست الهی است که بر هر چیزی بخواهد قسم یاد می کند و تقدیر این قسم ها چنین می شود : رب طور ، رب نجم، رب شمس. ولی الله متعال میخواهد تا بندگانش جز به ذاتش به چیزی دیگری قسم یاد نه کنند<sup>2</sup>. همچنان از از عبدالله بن عباس رضی الله نقل می کند که فرمود: ( کسی که به الله قسم یاد کند و گناه کند بهتر است از اینکه بر چیزی غیر الله قسم یاد کند)<sup>3</sup>.

در روایتی از عبدالله بن مسعود و عبدالله بن عمر آمده است که فرموده: ( عن عبد الله قال : لأن أحلف بالله كاذبا أحب إلي من أن أحلف بغيره وأنا صادق).<sup>4</sup> ترجمه: از عبدالله رضی الله عنه روایت است که فرمود : دوست دارم به الله قسم بخورم در حالی که در سخن خود صادق نیستم از اینکه به غير الله قسم یاد کنم و در آن صادق هم باشم. یعنی قسم به غير الله از گناه دروغ هم بزرگ تراست ، و انسان مسلمان باید به غير الله هرگز قسم یاد نکند.

1 - صحيح البخاري ، ج8، ص132.

2 - التوضیح لشرح الجامع الصحیح. ابن ملقن ، سراج الدين ابو حفص عمر بن علي بن احمد الشافعي المصري. متوفى (804هـ). طبع اول. سال طبع (1429). تعداد اجزاء ( 36-جز فهرست). تحقيق: دار الفلاح للبحث العلمی و تحقيق التراث . ناشر: دار النوادر، دمشق سوريا. ج30، ص250.

3 - همان، ج30، ص251.

4 - مصنف عبدالرزاق. صنعاني، ابوبكر عبدالرزاق بن همام . تحقيق: حبيب الرحمن الاعظمي . ناشر: مكتبة اسلاميه بيروت. طبع دوم. سال طبع ( 1403). تعداد اجزاء (11). ج8، ص469. رجاله رجال الصحیح. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد. ج4، ص318.



## فرع دوم: مس مصحف قرآن کریم

وقتی مشرکین گفتند که قرآن کریم توسط شیاطین به محمد صلی الله علیه وسلم آورده می شود الله متعال بر رد این ادعا آیه نازل فرموده و گفته است: **أَأَنْتُمْ مَرْسَلُونَ** <sup>۱</sup> **ترجمه:** جز پاکان (یعنی فرشتگان یزدان) بدان دسترسی ندارند <sup>۲</sup>.

این ادعای شما کاملاً باطل است که شیاطین قرآن را نازل می کنند بلکه جز پاکان کسی به قرآن کریم دست نمی زنند. یعنی در آسمان جز ملائک کسی به قرآن کریم دست رسی ندارند. پس ادعای شما باطل و بی اساس است.

ازین آیه استدلال به عدم جواز مس مصحف بدون وضو از باب استدلال به اشارة النص می شود، یعنی هرگاه صحف آسمانی در دست پاکان قرار داشته باشد، مصاحف در دست داشته ما را نیز کسی بدون طهارت نباید دست برساند.

در مورد آیه فوق و احکام مستفاد از آن علماء نظریاتی اراء نموده اند که در ذیل آنرا ذکر خواهیم کرد.

مجاهد عکرمة، عبدالله بن عباس، رضی الله عنهم و تعدادی از مفسیرین گفته اند که مراد از: **(المطهرون)**، ملائکه اند که به قرآن دست می زنند چنانکه الله متعال در مورد نزول قرآن کریم هم فرموده است: **أَنْتُمْ مَرْسَلُونَ** <sup>۳</sup> **ترجمه:** پس هر که خواهد از آن پند گیرد (و هرکه خواهد سر خویش گیرد). در نامه های گرامی و ارجمند ضبط و ثبت است. (نامه های که) فرا و بالا (از کلام بشر) و دارای مکانیت و منزلت و الایند (و دور از هرگونه تحریف و آمیزش) و پاک (از هر نوع شائبه خرافات و عقائد باطل و فاسد، و زدوده از نقص و کم و کاست) هستند. با دست نویسندگانی (نگارش یافته اند) نویسندگانی (که بزرگوار و نیکمنش و نیکوکردارند) <sup>۴</sup>.

1 - الواقعة: ۷۹

2 - تفسیر القرآن العظیم، ج ۷، ص ۵۴۴.

3 - عبس: ۱۲ - ۱۶

4 - جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۲۲، ص ۱۵۱.

در مورد اختلاف نظریات شیخ ابن العربی رحمه الله علیه<sup>1</sup> در کتاب خویش ( احکام القرآن ) نظریات و گفته های علماء را نقل نموده است که در ذیل به آن خواهیم پرداخت:

مراد از اُ □ □ □ □ راجع به لوح محفوظ است که به آن جز پا کان ملائک دست رسی ندارند ، و مراد از مطهرون ملائک اند که از پلیدی و گناه پاک اند و مراد از طهارت طهارت معنوی است ، و و نفسی مساس مراد اطلاع است که جز پا ک سرشتان که ملائک اند به آن دست رسی ندارند.

اگر □ □ □ □ راجع به قرآن باشد و صفت قرآن کریم باشد پس مراد از مطهرون طهارت اصغر و طهارت اکبر است ، که مراد آن این میشود مناسب نیست برای کسی که از حدوث پاک نیست و به قرآن کریم دست زند.

در مورد (لایمسه) دو قول است 1- مس ظاهر مصحف 2- یعنی طعم نفع قرآن کریم را جز پا کان بدست نمی آرند.<sup>2</sup>

در مورد مطهرون نیز دو قول است 1- مراد از مطهرون ملائکه اند که از شرک و گناه معصوم اند 2- مراد از مطهرون کسانی که از حدث اصغر و اکبر پاک باشند از انسان ها.

نتیجه اقوال به قول صاحب احکام القرآن شیخ العربی رحمه الله علیه :کسی که میگوید مراد از کتاب لوح محفوظ است ، این قول باطل است چون ملائکه به آن کاری ندارند و این محال است که استثناء در آن شود.

کسی که میگویند مراد از اُ □ □ □ □ ملائکه اند این قول محتمل است که امام مالک آنرا اختیار نموده است و می گوید بهترین قولی که من شنیده ام این است که (لایمسه الا المطهرون) به منزله آیه سوره عبس است که میفرماید: **بِي تَر □ □ تَن تِي تِي □ □ □ □** <sup>3</sup> ترجمه این آیات در صفحه قبلی ذکر یافت .

1 - بن العربی ، حافظ محمد بن عبدالله بن احمد امام ابی بکر المعافری الاندلسی از علماء اعلام است که در شعبان 468 متولد گردید . ایشان با پدر خویش به مشرق سفر نموده و همچنان به بسیاری از کشور ها مانند مصر اسکندریه ، مکه ، بغداد . و از علماء عصر خویش کسب علم نموده از جمله : ابی بکر الطرطوشی ، طراد الزینبی ، نصر بن البطر ، ابی بکر الشاشی، غزالی . ایشان با علم فراوانی به شهر خویش برگشت نمود. ایشان در بخش های مختلف از جمله تفسیر احکام القرآن ، شرح موطأ ، شرح ترمذی و غیره تصنیف نموده است . و در سال 543 وفات یافته است. طبقات المفسرین جلال الدین السیوطی ، ج 1، ص 89.

2 - احکام القرآن. ابن العربی، محمد بن عبدالله ابوبکر بن العربی المعافری الاشیبلی المالکی. متوفی (543 هـ). طبع سوم. سال طبع (1424 هـ- 2003 م). تخریج و تعلیق: محمد عبدالقادر عطا. ناشر: دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان. ج 4 ، ص 174.

3 - عبس: ۱۲ - ۱۶

این ملائکه اند که به طهارت وصف شدند. و در مورد اینکه مراد از این آیه امر به وضو داشتن در صورت مسح مصحف می باشد در مورد میان علماء اختلاف و جود دارد. بعضی گفته اند انسان تا آنکه تائب عابد و از گناه پاک نباشد طعم و شربنی کتاب را احساس نمی کند. و این قول را امام بخاری نیز گفته است. و به حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم استدلال نموده اند که فرموده است ( **عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: "ذَاقَ طَعْمَ الْإِيمَانِ، مَنْ رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا"** )<sup>1</sup> ترجمه: از عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ( طعم ایمان را چشید کسی که از الله به ربوبیتش راضی شد، و دین اسلام، و به محمد صلی الله علیه وسلم به حیث پیامبر راضی شد.

امام مالک رحمة الله علیه نقل می کند: **حَدَّثَنَا مَالِكٌ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ حَزْمٍ، أَنَّ فِي الْكِتَابِ الَّذِي كَتَبَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَمْرِو بْنِ حَزْمٍ: "أَنَّ لَا يَمَسُّ الْقُرْآنَ إِلَّا طَاهِرٌ"**.<sup>2</sup> ترجمه: همچنان امام مالک رحمة الله علیه از مکتوب عمرو بن حزم نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم به عمرو بن حزم نوشته که: قرآن را جز پاکان کسی مس نکند.

عبدین حمید و ابن جریر از قتاده روایت نموده اند که **أ □ □ □ □ □** این در نزد الله متعال است که به قرآن کریم جز ملائکه کسی دست نمیزند ولی در نزد شما قرآن توسط مشرک نجس و منافق و شخص پلید دست زده می شود.<sup>3</sup>

عوفی از ابن عباس رضی الله عنه نقل نموده است که مراد از **أ □ □ □ □ □** ملائکه اند و این قول از بسیاری مفسرین متقدمین نقل شده است.<sup>4</sup>

### مس مصحف چه حکمی دارد؟.

1 - صحیح مسلم، ج 1، ص 62.  
 2 - موطأ الإمام مالك، المدني، مالك بن انس الاصبجی. متوفی (179). سال طبع (1412). تعداد اجزاء (2). تحقیق: بشار عواد معروف - محمود خليل ناشر: مؤسسة الرسالة. ج 1، ص 90.  
 3 - الدر المنثور في التفسير بالمأثور. ج 8، ص 26.  
 4 - تفسير القرآن العظيم، ج 8، ص 544.

نتیجه بحث با در نظر داشت اقوال و روایات قبلی نتیجه بحث را شیخ علی صابونی<sup>1</sup> نقل کرده است میفرماید: اجماع علماء برین است که مس مصحف در صورت موجودیت حدث اصغر (بی وضویی) حدث اکبر (جنابت) حائض و نفساء ( زن که بعد از زایمان خون ریزی دارد) حرام می باشد چون ایشان مطهر نمی باشند<sup>2</sup>.

امام ابن تیمیه رحمة الله علیه نیز فرموده است: وقتی خدای متعال خبر می دهد که صحف مطهر موجود در آسمان را فقط پاکیزه گان لمس می کنند، پس باید مصحف های را که در دست داریم نیز پاکان لمس کنند<sup>3</sup>.

خلاصه اینکه قرآن منزل من عندالله است و برای اثبات آن بزرگ ترین دلیل یاد نمودن قسم از جانب رب العزة و الجلال است که به هیچ شک و تردیدی راه نمی دهد و اینکه قرآن با این چنین عظمت باید که با ادب و وقار دست زده شود و به این لحاظ جز پاکان کسی نمیتواند به آن دست بزنند، وقتی این نعمت ها از جانب پرور دگار عالمیان است پس چرا شکر نعمت بجا آورده نمی شود و در مقابل کفران نعمت از انسان ها صادر می شود. آیا ایشان به رستاخیز ایمان ندارند، باید این دید فکر خویش را تغییر داده و از روزی که این قرآن شاهد و گواه به درگاه الهی شهادت دهد همه باید بیم داشته و برای آن روز توشه باخود داشته باشند.

### موضوع چهارم: درس ها و اندرز های مستفاد از این مقطع

- 1- قسم به ستارگان و افلاک، بیان گر عظمت خالق مدبر و حکیمی است که خالق همه این هستی به این عظمت می باشد.
- 2- بیان عظمت و بزرگی قرآن کریم تا جایکه هیچ فرد ناپاک نمیتواند به آن دست زند.
- 3- شرف حامل و تالی و قاری متأثر از شرف قرآن است، وقتی قرآن پاک است باید حامل آن نیز از هر گونه انجاس پاک باشد.

1- صابونی، محمد علی یکی از بارزترین علمای معاصر اهل سنت و جماعت و متخصص در علم تفسیر و علوم قرآنی، مؤلف و نویسنده صفوة التفسیر و روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام و دیگر کتب می باشد. شیخ محمد علی صابونی فرزند شیخ جمیل صابونی در سال 1930 م در یکی از قریه های شهر حلب سوریه دیده به جهان گشود. ایشان دروس ابتدائی را از پدر بزرگوار ایشان فرا گرفت، و در مکتب خانه شهر حلب موفق به حفظ کل قرآن کریم گردید. بعد از آن علوم زبان عربی، فرائض، و علوم دینی را فرا گرفت. وی در حضور شیخ احمد الشماخ، شیخ محمد نجیب سراج، محمد سعید ادلی، محمد راغب الطباخ، محمد نجیب خیاط و دیگران کسب علم نمود. در سال 2007 بحیث شخصیت برگزیده جهان اسلام شناخته می شد.

2 - روائع البیان تفسیر آیات الأحكام. الصابونی، محمد علی. طبع سوم. سال طبع (1400هـ- 1980م). تعداد اجزاء (2). ناشر: مکتبه الغزالی-دمشق، موسسه مناهل العرفان- بیروت. ج 2، ص 538.

3 - المستدرک علی مجموع فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه: تقی الدین ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه الحرائی. متوفی ( 728هـ). طبع اول. سال طبع ( 1418). تعداد اجزاء (5). جمع و ترتیب: محمد بن عبدالرحمن بن قاسم. متوفی (1421هـ). ج 3، ص 40.

4- الله جل جلاله قسم یاد نموده به مکان طلوع و غروب ستاره گان ، و این تقسیم بسیار بزرگ است اگر انسان ها بدانند که قرآن کریم دارای نفع بسیار بوده و سحر و کهنانت در آن وجود ندارد و نه هم افترا است بلکه قرآن کتاب محمود است که الله متعال آنرا معجزه برای رسول الله صلی الله علیه وسلم گردانیده است ، این کتاب بسیار باشرف است بر مومنان چون این کلام پرور دگار جلاجلاله است و شفاء قلب ها است ، این کتاب نزد اهل آسمان نیز دارا مرتبه و شرف است چون پرور دگار ایشان آنرا بصورت وحی به زمین فرستاده است.

5- الله متعال قرآن کریم رابه چهار صفت توصیف نموده است : 1- قرآن کتاب کریم است یعنی دارای خیر کثیر و نفع دایمی است. 2- کتاب مکنون یعنی کتاب محفوظ در نزد الله تعالی و محفوظ از اباطیل تغیر و تبدیل میباشد. 3- قرآن را جز پاکان از کناه و معصومین کسی نمیتواند به آن دست بزند و آن ملائکه اند . 4- نازل شده از جانب رب العزة و الجلال است .

6- الله متعال قسم یاد نمود بر کون اینکه قرآن از جانب الله است وقتی عقل و نفس به این راضی شدند که قرآن از جانب الله است پس لازم می شود که به این هم اطمئنان پیدا نماید که قیامت نیز واقع شدنی است.<sup>1</sup>

7- الله متعال توییح نموده کسانی رای که از نعمت های الهی بهره مند می شوند و عوض شکر کفران نعمت را در پیش می گیرند . امام قرطبی رحمة الله علیه فرموده : وقتی نعمت متوجه بنده شود نباید آنرا به وسایل و ابزار ربط دهد بلکه آنرا باید از الطاف پروردگار یکتا تلقی نموده و شکر و سپاس آنرا ادای نماید اگر مصیبت بود صبر و اگر نعمت بود شکر آنرا ادا نماید.<sup>2</sup>

1 - سوره واقعه و منهجها فی العقائد. غریب ، محمود محمد از علماء ازهر شریف . طبع سوم. سال طبع ( 1418هـق). تعداد اجزاء (1).

2 - جامع لاحکام القرآن. ج 17، ص 228.

## مقطع پنجم

قیامت صغری (احتضار) دلیل بر وقوع قیامت کبری می باشد

از آیه ( 83 الی 96)

در ابتداء سوره الله متعال از وقوع قیامت خبر داد و اینکه انسان ها روز قیامت به سه دسته تقسیم می شوند سابقین اصحاب الیمین و اصحاب الشمال ، درین مقطع برای اثبات ادعای قیامت کبری ؛ قیامت صغری را که همان مرگ است بیان میدارد که درین مرحله نیز انسان ها به سه دسته تقسیم می شوند و حالت و اوضاع این افراد مختلف و متفاوت است، بعضی با بشارت های ملائک روبرو می شوند و بعضی هم از اول با وعده های آتش و خسران و زیان آخرت استقبال کرده می شوند ، و در اخیر این مقطع الله متعال به ذکر الله و تسبیح گفتن ، و شکر اینکه به حق و حقیقت رهنمایی می کند ذکر و سپاس بی کران گفته شود و اعلام بدارید که الله جل جلاله که ما می پرستیم شایسته عبادت است. در ذیل بطور فشرده به آن خواهیم پرداخت.

**موضوع اول : مناسبت های این مقطع**

**فرع اول : ارتباط مقطع با مقطع قبلی**

مقطع قبلی با ارائه منبع مهم برای شناخت حقیقت توانست این ادعا را به اثبات برساند که کتاب عظیم و پاک تائید دارد که قیامت واقع میشود و به مواقع نجوم قسم یاد شد، انسان ها را به اطاعت و فرمانبرداری از فرامین این کتاب دستور داده شد ، درین مقطع الله متعال با ارائه دلایل عملی که همانا احتضار است به این نتیجه میرساند که قیامت واقع شدنی است و به این کار مصمم شده ایم پس راه جز اطاعت ندارید و نمیتوانید فرار نمایید ، پس حقیقت را انکار نکنید و برای آخرت خویش تلاش نماید و جز الله را نپرستید که جز وی کسی لیاقت و سالیسته گی عبادت را ندارد، برای آخرت خویش توشه بردارید که روز بس عظیم و بزرگی در پیش دارید چون در آن روز هیچ پناه گاه و مأمن جز الله وجود ندارد.

**فرع دوم : ارتباط مقطع با محور سوره**

محور سوره مبارکه واقعه بیان گر وقوع قیامت است که الله جل جلاله انسان ها را از عناد و سرکشی به اطاعت و فرمانبرداری ترغیب نموده و برای اثبات این ادعا که قیامت برپا شدنی



## فرع دوم: تفسیر اجمالی

قرآن در ابتداء نزول به چند موضوع مهم اشاره نمود که عبارت از توحید رسالت و معاد است . و انسان ها را وادار به پذیرفتن این ادعا با دلایل و براهین نمود ولی کسانی که عناد و سرکشی ، تکبر و غرور درون شان را تسخیر نموده بود از پذیرفتن آن ابا ورزیدند و در برابر دلایل قاطع اسلام عقل خویش را محور تفکیک قرار داده و به آن تکیه زدند و یک سره همه دعوت اسلام را باطل اعلام نمودند ، الله متعال در اخیر سوره واقعه عقل این معاندین و مخالفین را مخاطب قرار داده که اگر شما باز هم بر نظر خود پا فشاری دارید پس آنچه در محضر شما می گذرد عبارت از قبض روح انسان ها از کار افتادن انسان سالم و تندرست و شما تمام قدرت نمیتوانید مانع آن شوید و حتی نمیدانید چه چیز باعث شده که این حالت بر انسان اتفاق بیفتد. پس از ما بشنوید : آنها از این دنیا به دنیای دیگری نقل مکان می کنند و اگر انسان دارای اعمال نیک و شایسته باشد و به آنچه ما امر نمودیم عمل کرده باشد پس از جمله مقربین بوده و به فوز عظیم و بهشت برین دست پیدا میکند و اگر از انسان ها رده دوم باشد که در انجام اوامر تلاش نموده و خطا های نیز از آن صادر شده باشد باز هم در کامیابی سهیم است ولی درجه پایین تری نسبت به گروه اول دارد ولی اگر از گروه سوم باشد که به دساتیر فرامین ما تن نداده و با تکبر و غرور علیه ما قرار گرفته با آب جوش و عذاب درد ناک ملاقی خواهد شد. پس آگاه باشید آنچه به شما گفته شده حق است بپذیرید و اطاعت نمایید و پرور دگار خویش را به پاکی یاد نمایید.

## فرع سوم : لغات مربوط این مقطع

### 1. روح:

مفسرین آنرا به هوای طیب و خوشبو معنا نموده اند.<sup>1</sup>

### 2. ریحان:

ریحان عبارت از گیاه خوشبو و گل خوشبوی را گفته می شود ، و مفسرین آنرا به رزق هم معنا نموده و بعضی آنرا به خوش آمد گویی و سلام در وقت دخول جنت نیز معنا نموده اند. چنانکه تهذیب اللغة نقل نموده است: ( قَالُوا مَعْنَى قَوْلِهِ: {الْمُقَرَّبِينَ فَرُوحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَاتٌ نَعِيمٌ} (الواقعة: 89) وريحانه ورزقه. قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ وَغَيْرُهُ قَالَ وَقِيلَ الرَّيْحَانُ هَهُنَا هُوَ الرَّيْحَانُ الَّذِي يُسَمَّى مَعْنَاهُ فَاسْتِرَاحَةٌ وَبَرْدٌ وَرِيحَانٌ رِزْقٌ. قَالَ: وَجَائِزٌ أَنْ يَكُونَ رِيْحَانٌ هَهُنَا تَحِيَّةً لِأَهْلِ الْجَنَّةِ .

1 - البحر المحيط ، ج10، ص95. بيان المعاني ، ج2، ص252... و....



وَقَالَ اللَّيْثُ: الرَّيْحَانُ: اسْمُ جَامِعٍ لِلرِّيَاحِينَ الطَّيِّبَةِ الرِّيْحِ.<sup>1</sup> ترجمه: معنای قول الله را که می فرماید: (بهره او فروح و ريحان و جنت نعيم می باشد). ريحان رزق اهل بهشت است. ابو عبيده و غيره گفته اند: ريحان درينجا به ريحانی گفته می شود که استشمام کرده شود. و معنای آن استراحت و سردی است و ريحان رزق است برای مقربين. گفته: جائز است که گفته شود مراد از ريحان درين جا تحيه و درود و سلام برای اهل بهشت است. ليث گفته: ريحان جمع ريحابين است که به معنای هوای خوش و خوش بویی می باشد.

### 3. يقين :

يقين عبارت از صفت علم است که از شک و تردد بدور باشد. اليقين العلم الحاصل عن نظرٍ واستدلالٍ ولهذا لا يسمى علم الله يقيناً ويقين الأمر يقيناً يقناً من باب تعب إذا ثبت ووضح فهو يقين فعيل بمعنى فاعلٍ ويسنعمل متعدياً أيضاً بنفسه وبأبناء فيقال يقنته ويقنت به وأيقنت به وتيقنته واستيقنته أي علمته.<sup>2</sup> ترجمه: يقين عبارت از علم حاصل از نظر و استدلال است به همین لحاظ علم الله را يقين گفته نمی شود. يقيناً و امر آن کاری يقيني شد تيقن، يقيني می شود ايقان از باب تعجب است. وقتی که ثابت شود و واضح گردد پش آن يقين است، و يقين فعيل به معنی فاعل آمده است. يقين هم خودش و هم با حرف (ب) متعدی می گردد پس (در صورت متعدی بنفسه) گفته می شود. يقنته در صورت تعدی با حرف (ب) گفته می شود و بشكل يقينته و يقنت به و ايقنت به و تيقنته و استيقنته می آید که به معنی علمته (میدانم آنرا) استعمال می شود. همچنان نقل از امام راغب اصفهانی است که: قَالَ الرَّاْغِبُ: اليقين من صفة العلم، فوق المعرفة والدراية وأحواتها، يُقال: علم يقين. وَلَا يُقال: معرفة يقين. وَهُوَ سُكُونُ النَّفْسِ مَعَ اثْبَاتِ الْحُكْمِ. وَالْيَقِينُ أبلغ علم وأوكده لَا يكون معه مجال عناد وَلَا احتمال زوال.<sup>3</sup> ترجمه: امام راغب فرموده: يقين از صفات علم است، بالاتر از معرفت و درایت و مانند آن. چون گفته می شود علم اليقين ثابت شده (در مورد یک موضوع) نه اینکه معرفت يقين گفته شود. علم يقين عبارت از آرایش نفس از امر با اثبات حکم است. و يقين کامل ترین علم و موكد ترین آن است که مجال عناد و احتمال زوال آن وجود ندارد.

### 4. مدینین:

1 - تهذيب اللغة، ج5، ص142.

2 - المصباح المنير في غريب شرح الكبير، ج2، ص681.

3 - المفردات في غريب القرآن، ص892. و الكلبيات، ج1، ص980.

ملکیت توانایی سلطه و قدرت را گویند و در آیه کریمه آمده است ( غیر مدینین) یعنی غیر مملوکین. درین مورد نقل است تهذیب اللغه گفته: **قَالَ الْفَرَاءُ: غَيْرَ مَدِينِينَ غَيْرَ مَمْلُوكِينَ. وَقَالَ أَبُو إِسْحَاقَ: مَعْنَاهُ: هَلَّا تَرْجِعُونَ الرُّوحَ إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَمْلُوكِينَ مُدَبِّرِينَ. وَقَالَ اللَّيْثُ: الْمَدِينَةُ الْأُمَّةُ الْمَمْلُوكَةُ وَالْعَبْدُ مَدِينٌ**<sup>1</sup>. فراء گفته: معنای غیر مدینین غیر مملوکین است. ابو اسحاق گفته: اگر شما تحت ملک و تدبیر قرار ندارید چرا روح (رفته تان) را بر نمی گردانید؟ و لئیث گفته است: المدنیه کنیز که تحت ملک باشد و غلام مدین و مملوک است.

#### فرع چهارم: حالات سه گانه احتضار

کفار و مشرکین از وقوع قیامت و حساب و کتاب انکار ورزیدند و آن را جز افواهات و سخنان بی اساس تلقی نکردند، درین بحث الله متعال از ایشان می خواهد که اگر انکار قیامت به نفع شما است و شما می توانید مانع وقوع آن گردید پس بیاید از قیامت صغرا که همانا حالت احتضار است جلوگیری کنید، کسانیکه با کبر و غرور در برابر آیات الهی ایستاده می شوند و آنها را انکار می کنند چرا خود دچار حالت احتضار شده ولی از آن نمی توانند نجات یابند، بیاد داشته باشید آن کسانیکه در چهار اطراف محتضر قرار دارند نیز نمی توانند مانع مرگ شخص شوند، و بدانید که ما از ایشان به شخص محتضر نزدیک تریم و با علم خویش و ملائکه که وظیفه قبض روح را دارند به ایشان نزدیک تریم ولی حاضرین از آن بی خبر اند و هیچ کاری برای آن کرده نمی توانند. الله متعال می فرماید: ﴿ تَنْتَظِرُونَ أَمْ لَكُمْ آيَاتٌ أَنْ تُبَدِّلُوا الْوَجْهَ أَلَّا تَكُونَ مِنْ الْخَائِبِينَ ﴾<sup>2</sup>

**ترجمه:** پس چرا هنگامی که جان به گلوگاه می رسد، (توانائی بازگرداندن آن را ندارید؟!). و شما در این حال می نگرید (و کاری از دستتان ساخته نیست). ما به او نزدیکتریم از شما، ولیکن شما نمی بینید. اگر شما مطیع فرمان (بزدان) نمی باشید. اگر راست می گوئید (که خودتان مقتدر و توانا هستید) روح را بازگردانید. شما چگونه و به کدام اساس به تکذیب قیامت و رستاخیز پرداختید، اگر راست می گوئید که قیامت در کار نیست پس روح در حال بر آمدن از جسد را باز گردانید. اما حقیقت امر اینست که شما قادر به هیچ کاری نخواهید بود و نمی توانید حتی از حالتی که در

1 - تهذیب اللغه، باب دال و نون، ص 129.  
2 - الواقعة: ۸۳ - ۸۷









در آن است. قطعاً این (چیزهائی که درباره پیشگامان و سمت راستیها و سمت چپها گفته شد) عین واقعیت است. حال که چنین است، نام پروردگار بزرگ خود را ورد زبان ساز (و سپاسگزار نعمتهای فراوان او باش، و به ستایش وی پرداز).

درین بحث پیرامون گروه سوم نیز بحث شده که آنها در حالت احتضار با دو گروه دیگر تفاوت دارند؛ ایشان کسانی اند که عکس دو گروه قبلی همه آنچه مربوط به آخرت است را تکذیب نموده اندالله متعال در مورد ایشان می فرماید: **أَیْرَ □ □ یَنْ □ □** <sup>1</sup> **ترجمه:** و اما اگر (شخص محتضر) از جمله تکذیبکنندگان و گمراهان (دست چپی) باشد.

یعنی ایشان تکذیب کننده گان پیامبران و رسالت و پیام آسمانی اند که گمراه شده و راه درست را خود نپسندیدند و به گمراهی روانه گردیدند سر انجام ایشان فرجام بسیار بدی خواهد بود. **اللّٰهُ مُتَعَالٍ فَرَمُوْدَةٌ اَسْتُ: ۲** **أَیْرَ □ □ یَنْ □ □ □ □ □ □ □ □** **ترجمه:** و اما اگر (شخص محتضر) از جمله تکذیبکنندگان و گمراهان (دست چپی) باشد. (همین که محتضر مرد) با آب جوشان از او پذیرائی می گردد! و به آتش دوزخ فروانداختن و جای دادن در آن است.

صاحب تفسیر المراغی گفته: **أَیْ وَإِنْ كَانَ الْمُتَوَفَّى مِنَ الْمَكْذِبِينَ بِالْحَقِّ، الضَّالِّينَ عَنِ الْهُدَى، فَيَقْدَمُ ضِيَاْفَةٌ لَهُ مَاءٌ حَمِيْمٌ يَصْهَرُ بِهِ مَا فِي بَطْنِهِ وَالْجُلُوْدُ، وَيَدْخُلُ فِي النَّارِ الَّتِي تَعْمُرُهُ مِنْ جَمِيْعِ جِهَاتِهِ.** <sup>3</sup> **ترجمه:** اگر متوفی از تکذیب کننده گان حق باشد، و از راه هدایت گمراه باشند؛ پس ضیافت آنها با آب گرمی است که وقتی به دهن اندازند همه روده و آنچه در شکم دارد را با هم به پایین می کشد و در جهنم سوزان داخل کرده می شوند که آتش چهار اطراف ایشان را احاطه می کند.

در اخیر این بحث الله متعال فرموده است: **أَیْرَ □ □ یَنْ □ □** <sup>4</sup> **ترجمه:** قطعاً این (چیزهائی که درباره پیشگامان و سمت راستیها و سمت چپها گفته شد) عین واقعیت است. حال که چنین است، نام پروردگار بزرگ خود را ورد زبان ساز (و سپاسگزار نعمتهای فراوان او باش، و به ستایش وی پرداز).

1 - الواقعة: ۹۲

2 - الواقعة: ۹۲ - ۹۴

3 - تفسیر المراغی. المراغی، احمد مصطفی. متوفی (1371 هـ). طبع اول. سال طبع (1365 هـ - 1946 م). تعداد اجزاء (30). ناشر: شرکة مکتبه و مطبعة مصطفی البابی الحلبي و اولاده بمصر. ج 27، ص 155.

4 - الواقعة: ۹۵ - ۹۶

بیشک آنچه درین سوره از آن یاد آوری نمودیم از وقوع قیامت، تقسیم انسان ها به اصناف ثلاثه و نعمت های سابقین و اصحاب الیمین و عذاب های متنوع اصحاب الشمال، و ادله که وحدانیت الله را بیان میدارد و حقانیت قرآن کریم را ثابت می کند که از جانب الله نازل شده همه آن موضوعاتی است که بطور یقین ثابت بوده و هیچ شکی در آن وجود ندارد، پس شکر الهی را بجا آر و به پاکی یاد کن پروردگارت را که بیشک ستودنی است، و مبراء است از همه آنچه به وی نسبت می کنند.

### موضوع سوم : درس ها و اندرز های این مقطع

- 1- بیان ضعف انسان ها در برابر قدرت الله جل جلاله .
- 2- خطاب به معاندین بعث و حشر اند که اگر شما از زنده شدن دوباره انکار می کنید و به این گفته خویش صادق هستید پس مانع مرگ شخص شوید و یا روح را دوباره به جسد بازگردانید. پس اگر مرگ اتفاق می افتد بعث هم اتفاق می افتد و شما همه عاجز و ناتوان هستید در برابر فیصله و حکم خداوند.
- 3- انسان ها در حال احتضار به سه دسته تقسیم می شوند : سابقین : که در نعمت و استراحت خواهند بود و آرامش ابدی را بدست خواهند آورد. اصحاب الیمین: گروهی که از عذاب الهی نجات پیدا نموده و با خوش آمد گویی الله ذولجلال رو بروی می شود ، الله متعال سلام بر ایشان می فرستد و همچنان ملائکه ، از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که ملائکه در سه موقع بر اصحاب الیمین سلام تقدیم می کنند : 1- در زمان قبض روح 2- در زمان سوال نکیر و منکر. 3- در زمان زنده شدن بعد از مرگ، و این خود اکرام و عزت است برای گروه اصحاب الیمین.<sup>1</sup> اصحاب الشمال: کسانی که از وقوع بعث انکار دارند و عناد نموده با آب جوش و گرم استقبال شده و به آتش جهنم داخل خواهند شد.
- 4- بیان فضیلت گروه سابقین بر اصحاب الیمین.
- 5- این همه بحث های که شده بدون شک بوده و هیچ راه برای انکار از آن وجود ندارد و یقین خالص باید داشت. قتاده گفته است : الله متعال انسان ها را نمیگذارد تا اینکه به آنچه قرآن با خود آورده یقین پیدا کنند. پس مومن در دنیا به آن یقین دارد و در آخرت برایش

1 - جامع لاحکام القرآن ، ج 17، ص 234.



سود دارد، ولی کافر در آخرت به آن یقین پیدا می کند در حالی که هیچ سودی برای وی ندارد.<sup>1</sup>

6- احکام و دساتیر قرآن کریم همه ثابت و صادق اند که هیچ مجال کذب در آن وجود ندارد.

7- الله متعال انسان ها را در مجموع وظیفه می سپارد تا الله جل جلاله را از هرچه به او نسبت ناروا میدهند به پاکی یاد نموده و هیچ کسی را در عرصه خداوند با او شریک نگرداند.

---

1 - التفسیر المنیر، ج28، ص286.

## نتیجه گیری

بعد از تحقیق و بررسی در مورد موضوع مورد بحث ( تفسیر موضوعی سوره والقعه ) به نکات ذیل دست پیدا نمودیم:

- 1- به هر اندازه که منکرین قیامت به انکار خویش بیشتر تاکید می کنند ثبوت قیامت بیشتر هویدا می گردد.
- 2- نظریه داروین ویا مانند آنها کسانیکه تغییرات کاینات را دست آورد طبیعت میدانند و در آن تاثیر گزار دیگری را نمیپذیرند مردود می باشد چون الله متعال بادلایل عقلی و انفسی به اثبات قیامت و حساب کتاب از انسان ها دلایل متعددی را بیان نموده است.
- 3- مشرکین و منکرین دایماً خود را برتر و بهتر دانسته و یهود دایماً به این نظریه تاکید نموده که ما ملت الله هستیم و از ما بهتری کسی پیدا نمی شود این بحث بیان میدارد که برتری در قیامت از آن کسانی است که سه اصل اسلام را در نظر داشته باشند: 1- توحید 2- رسالت 3- معاد. انسان های که این سه اصل را در نظر گرفته به دودسته از فائزین تقسیم می شوند یکی پیش قدم و دومی هم بهتری از گروه سوم است ، ولی کسانیکه به این اصول ارج نگذاشته و آنرا یک مسئله بی اساس می دانند به ذلت بار ترین زندگی دچار خواهند شد.
- 4- قیامت یک حادثه عادی نیست که هیچ تأثیری در زندگی بشر نداشته باشد بلکه موثر به زندگی بشر و حتی حیوانات و جمادات دارد ، که الله متعال از هول و حول آن در شش آیه اول سوره به بهترین وجه تصویر بیان داشت.
- 5- وقوع قیامت یک امر غیر عادی بوده که تصور آن در عقل ها نمی گنجد و لی می توان آنرا یقین نمود به همین مناسبت الله متعال در چهار عنصر مهم حیاتی آنرا به شکل دلیل پیش می کند و به این نتیجه می رساند که مانند خلقت انسان که هیچ دخلی در خلقت خویش نداشت ولی الله جلاله آنرا آفرید پس رستاخیز و آخرت نیز امری است که واقع شدنی است و دخیل نبودن در کاری سبب نمیشود تا آنرا انکار نمود.
- 6- انسان ها مانند که در دنیا موقف های متفاوتی در پذیرفتن و آماده ساختن توشه راه دارند در آخرت نیز به پاداش و جزا های متعددی روبرو می شوند ، کسانیکه در قطار اول قرار دارند از همه به در گاه الله میباشند و کسانیکه در ردیف دوم قرار دارند پاداش خوبی در یافت می کنند ولی نمیتوانند به درجه اول دست پیدا کنند که الله متعال از آنها به اصحاب

- الیمین اشاره نموده است. و گروه سوم در اسفل السافلین می باشند جایی که حسرت اندوه و غم همه را فرا گرفته نه میتوانند از آن حالت فرار نمایند و نه هم کدام گزینه دیگری دارند.
- 7- قرآن حبل الله المتین است که همه شئون زندگی بشر را با موجز ترین شیوه به تصویر کشیده و برای خوب زیستن و آرام بودن انسان پیامد های خوبی دارد ، پس بایند انسان به این کتاب انسان ساز گردن نرم خم نماید و آنرا بپذیرد، و در راستای تعامل مادی آنرا با کمال احترام و در چوکات داشتن وضوء و خالی بودن از حدث اکبر و حدث اصغر آنرا بدست گیرد و به فکر دستور را الله ذولجلال به آن بنگرد.
- 8- حالت احتضار یک فرصت خوبی برای کسانی است که آنرا در دیگران به چشم میبینند چون اگر انسان به هر اندازه دولت و قدرت داشته باشد در برابر حکم خداوند جل جلاله حتی لحظه ی هم نمیتوانند مقاومت نمایند، و ناگزیر باید به آن گردن نهند، پس انسان عاقل از آن حالت پند گرفته و برای ابدیت خویش تلاش بیشتری بخرج می دهد.
- 9- در برابر همه نعمت های الهی باید انسان شاکر باشد از جمله به نعمت ایمان بر قیامت که این باعث نجات از عذاب الهی می شود.
- 10- وقتی به حقیقت دست پیدا نمایم باید در برابر آن الله منان جل جلاله را سپاسگزاری نمایم که آخرین آیه سوره واقعه به این امر متوجه می سازد و به آن دستور می دهد.
- 11- پس به اساس آیه اخیر سوره واقعه من از الله منان به تمام آنچه از نعمت که می دانم و یا متوجه آن نشده ام شکر آن را بجا نموده و از ایزد منان جل جلاله خواهان آن هستم که این بحث را به درگاه خویش قبول نموده و از اجر آن مارا مستقید سازد.

## پیشنهادات

تفسیر موضوعی مهم ترین شیوه در راستای فهم درست قرآن کریم و شکل آسان آن می باشد ، برای ملت مسلمان افغانستان که سالیان متمادی در زیر استعمار کشور های کفری زندگی نموده و از فهم حقیقی دین و قرآن بدور نگهداشته شده اند بهترین فرصت است که با این شیوه بتوانیم آنان را از فرموده های ناب اسلام و رهنمود های حکیمانه و کریمانه خالق لا یزال با خبر سازیم ، پس لازم است تا این طرق را برای رسیدن به هدف والا در نظر گیریم:

- 1- استادان نهایت گردانقدری که از علم آنها توانستیم بهره ببریم اقدام نمایند و یک تفسیر مختصر به اساس شیوه تفسیر موضوعی به نگارش بگیرند تا به زبان عموم مردم باشد و همه استفاده نمایند و حتی امامان مساجد بتوانند به شکل بسیار آسان برای مردم تفسیر قرآن کریم نمایند.
- 2- در صورتی که استادان نهایت گرانقدر به اساس نبود وقت و یا امکانات کافی نتوانند این کار را انجام دهند به محصلین دور ماستری این وظیفه را بسپارند تا رساله های علمی خویش را درین عرصه نوشته بکنند .
- 3- کاری دیگری که میتوانیم انجام دهیم اینست که جمع از محصلین به شکل گروهی تحت نظر یک استاد جهد و کوشش نمایند تا تفسیر قرآن کریم را به اتمام رسانند مانندی که ما در زبان عربی تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم تحت اشراف شیخ مصطفی مسلم داریم.
- 4- همچنان می شود که به وزارت محترم تحصیلات عالی کشور پیشنهاد کرده شود تا به هزینه دولت علماء و نخبگانی را جمع نموده و در این زمینه کار نمایند.
- 5- پیشنهاد اخیر من برای خواننده گرامی و همه ملت مسلمان افغانستان علی الخصوص علماء کرام است که لطف نموده از دامن زدن به تعصبات قومی نژادی و حتی فکر مذهبی اجتناب نمایند در طول تاریخ دشمنان ازین دریچه ما را شکست دادند و نابودمان ساختن پس تا کی به این گونه اشتباهات خویش پی نبریم ، کسی بنام صوفی دیگران را تکفیر می کند و کسی بنام سلفی دیگران را گمراه می داند ، باید اختلاف فکری که مشکل زیادی نداشته باشد احترام بگذاریم و نشود که با ترک یک مستحب و یا سنت کافر و مشرک و یا بی دین خطابش نمایم.

## فهرست آیات

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه
البقره			
1	أَخْلَقَ لِي لِي	2-1	155
2	نِي نِي يِر	22-21	137
3	أَ ...	24-23	162
4	أَ ...	25	100
5	يِم يِ	164	142
النساء			
6	أَ ...	14	106
7	أَ بِن بِن	48	114
8	بِر بِن بِن تِر	69	76
9	أَ بِن تِر تِن تِن تِن	82	154
10	أَخْلَقَ لِي لِي	87	48
المائده			
11	أَ بِن بِن بِن بِن	13	13
12	بِر بِن بِن بِن تِن تِن تِن	67	150
الانعام			
13	أَ بِن بِن بِن بِن بِن	7	163





الشعراء		
158	-210 212	أ آ ء ا ب ج د هـ ز ح ط ياء ...
العنكبوت		
126	61	
الروم		
-116 133	25	أ آ ء ا ب ج د هـ ز ح ط ياء ...
49	55	أ آ ء ا ب ج د هـ ز ح ط ياء ..
السجده		
158	10	أ آ ء ا ب ج د هـ ز ح ط ياء ...
الاحزاب		
177	67-63	أ آ ء ا ب ج د هـ ز ح ط ياء ...
يس		
55	51	أ آ ء ا ب ج د هـ ز ح ط ياء ...
الصفات		
58	49-48	أ آ ء ا ب ج د هـ ز ح ط ياء ...
110	66-62	أ آ ء ا ب ج د هـ ز ح ط ياء ....
ص		
126	5	أ آ ء ا ب ج د هـ ز ح ط ياء ...
الزمر		









## فهرست احاديث

شماره	متن احاديث	صفحه
22	أَتَدْرُونَ مِنَ السَّابِقُونَ إِلَى ظِلِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟»	73
23	أَتَرْضُونَ أَنْ تَكُونُوا رُبْعَ أَهْلِ الْجَنَّةِ « قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ:	87
32	أصبح من الناس شاکر ومنهم کافر قالوا هذه رحمة الله وقال	24
1	أصبح من الناس شاکر ومنهم کافر قالوا هذه رحمة الله وقال بعضهم لقد صدق نوء کذا وکذا	148
24	أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ، وَلَا أُنْ سَمِعَتْ، وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ، فَافْرَعُوا إِنْ سَنَنْتُمْ « فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ «).	79
25	أَلَا إِنَّ اللَّهَ يَنْهَأكُمْ أَنْ تُحْلِفُوا بِآبَائِكُمْ، مَنْ كَانَ حَالِفًا فَلْيَحْلِفْ بِاللَّهِ أَوْ لِيَصْمُتْ».	167
2	إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ يَكُونُ عِلْقَةً	132
9	إِنَّ الْحَمِيمَ لِيُصَبَّ عَلَى رُءُوسِهِمْ فَيَنْفَذَ الْحَمِيمُ حَتَّى يَخْلُصَ إِلَى جَوْفِهِ فَيَسْتَلِثُ مَا فِي جَوْفِهِ، حَتَّى يَمْرُقَ مِنْ قَدَمَيْهِ وَهُوَ الصَّهْرُ ثُمَّ يَعَادُ كَمَا كَانَ".	109
21	إن الدنيا كلها متاعٌ، وخير متاع الدنيا المرأة الصالحة"	99
19	إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ الْآخَرِينَ).	45
26	إِنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجْرَةً يَسِيرُ الرَّكِيبُ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ سَنَةٍ».	97
10	أَنْ لَا يَمَسَّ الْقُرْآنَ إِلَّا طَاهِرٌ".	171
17	إِنِّي أَوَّلُ مَنْ يَرْفَعُ رَأْسَهُ بَعْدَ النَّفْخَةِ الْآخِرَةِ، فَإِذَا أَنَا بِمُوسَى مُتَعَلِّقٌ بِالْعَرْشِ، فَلَا أُدْرِي أَكذلكَ كَانَ أَمْ بَعْدَ النَّفْخَةِ ).	54

78	أَهْلُ الْجَنَّةِ عَشْرُونَ وَمِائَةٌ صَفٍّ، ثَمَانُونَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَأَرْبَعُونَ مِنْ سَائِرِ الْأُمَمِ".	11
171	ذَاقَ طَعْمَ الْإِيمَانِ، مَنْ رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا".	12
74	سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّهِ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: إِمَامٌ عَادِلٌ،	33
168	عن عبد الله قال : لأن أحلف بالله كاذبا أحب إلي من أن أحلف بغيره وأنا صادق).	18
184	فَتَأْتِيهِ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ: مَنْ رَبُّكَ؟ قَالَ: فَيَقُولُ: اللَّهُ	34
18	قَدْ شِبِبْتُ، قَالَ: «شَبِيبَتِي هُوْدٌ، وَالْوَاقِعَةُ، وَالْمُرْسَلَاتُ، وَعَمَّ يَتَسَاءَلُونَ، وَإِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ».	35
19	كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ « يُصَلِّي الصَّلَوَاتِ كَنَحْوِ مَنْ صَلَاتِكُمْ	27
135	لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ: زَرَعْتُ وَلَكِنْ لِيَقْلَنَّ: حَرَثْتُ" قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: أَلَمْ تَسْمَعْ إِلَى قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: {أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ} (الواقعة:63) {أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ} (الواقعة:64).	13
139	لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ: زَرَعْتُ وَلَكِنْ لِيَقْلَنَّ: حَرَثْتُ" قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: أَلَمْ تَسْمَعْ إِلَى قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: {أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ} (الواقعة:63) {أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ} (الواقعة:64).	14
23	لَمَّا نَزَلَتْ إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ. فذَكَرَ فِيهَا {ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ} [الواقعة: 13]	3
15	لما نزلت {الذين آمنوا ولم يلبسوا إيمانهم بظلم} . قلنا يا رسول الله	36
52	مَا بَيْنَ النَّفْخَتَيْنِ أَرْبَعُونَ « قَالَ: أَرْبَعُونَ يَوْمًا؟ قَالَ: أَبَيْتُ،	28

48	مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَسَيِّئُهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَهُ تَرْجُمَانٌ، ثُمَّ يَنْظُرُ فَلَا يَرَى شَيْئًا قَدَامَهُ، ثُمَّ يَنْظُرُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَتَسْتَقْبِلُهُ النَّارُ، فَمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَّقِيَ النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ»	29
74	مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، نُودِيَ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ:	4
99	من سعادة ابن آدم ثلاثة ومن شقوة ابن آدم ثلاثة. من سعادة بن آدم : المرأة الصالحة والمسكن الصالح والمركب الصالح. ومن شقوة ابن آدم: المرأة السوء والمسكن السوء والمركب السوء .	15
19	مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْوَاقِعَةِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ لَمْ تُصِبْهُ فَاقَةٌ أَبَدًا» قَالَ: وَقَدْ أَمَرْتُ بَنَاتِي أَنْ يَقْرَأْنَهَا كُلَّ لَيْلَةٍ .	31
91	مَنْ لَبَسَ الْحَرِيرَ فِي الدُّنْيَا لَا يَلْبَسُهُ فِي الْآخِرَةِ "	5
100	ولو أن امرأة من أهل الجنة اطلعت إلى أهل الأرض لأضاعت ما بينهما ولملأته ريحا ولنصيفها على رأسها خير من الدنيا وما فيها"	16
78	يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَمْ النَّبِيُّونَ؟ قَالَ: «مِائَةٌ أَلْفٍ وَأَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ أَلْفَ نَبِيٍّ» قُلْتُ: كَمْ الْمُرْسَلُونَ مِنْهُمْ؟ قَالَ: «ثَلَاثٌ مِائَةٌ وَثَلَاثَةٌ عَشْرٌ»).	20

## فهرست اعلام

شماره	اسم	صفحه
1	ابن فارس	22
2	ابو اسحاق الثعلبي	98
19	ابو سعود	45
3	ابن عطيه	35
4	رازي	43
5	غزالي	60
6	قرطبي	35
7	جابر بن عبدالله	35
8	جار الله زمخشري	104
9	حسن بن ابى الحسن يسار	35
10	دكتور وهبة الزهيلي	61
11	راغب اصفهاني	22
18	الزجاج	43
12	سيد قطب	46
13	عطاء بن رباح	35
14	عكرمه	35
15	علامه آلوسى	37

35	قتاده بن دعامه	16
118	محمد علی صابونی	17
11	جرجانی	18



## فهرست منابع

### القرآن الكريم

- 1- ابراهيم مصطفى ، احمد الزيات ، حامد عبدالقادر ، محمد النجار. معجم الوسيط . طبع (ب ت) . تعداد اجزاء (2). تحقيق: مجمع اللغة العربية قاهره . ناشر: دار الدعوة.
- 2- ابن السُّنِّي، أحمد بن محمد بن إسحاق بن إبراهيم الدَّيْنَوْرِيُّ متوفى(364هق). عمل اليوم والليلة سلوك النبي مع ربه عز وجل ومعاشرته مع العباد. ب ت. تعداد اجزاء: (1). ناشر: دار القبلة للثقافة الإسلامية ومؤسسة علوم القرآن - جدة / بيروت. محقق:كوثر البرنى.
- 3- ابن العربي، محمد بن عبدالله ابوبكر بن العربي المعافرى الاشبيلي المالكي. متوفى(543هق). أحكام القرآن. طبع سوم. سال طبع (1424هق-2003م). تخريج و تعليق: محمد عبدالقادر عطا. ناشر: دارالكتب العلميه، بيروت، لبنان.
- 4- ابن تيميه، تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تيمية الحراني الحنبلي الدمشقي. متوفى: (728هـ). مقدمة في أصول التفسير. سال طبع(1490هـ -1980م). تعداد اجزاء(1). ناشر: دار مكتبة الحياة، بيروت، لبنان.
- 5- ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي. متوفى(1393هق). التحرير والتنوير «تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد». طبع ( ب ت ). تعداد اجزاء (30). سال نشر(1984م). ناشر: الدار التونسية للنشر، تونس.
- 6- أبو الحسين أحمد بن فارس بن زكريا القزويني . معجم مقاييس اللغة . طبع اول. سال طبع (1399). تعداد اجزاء (6). تحقيق: عبدالسلام محمد هارون. ناشر : دارالفكر، بيروت، لبنان.
- 7- ابو عبدالله محمد بن يزيد. متوفى(273هق). سنن ابن ماجه. القزويني ، طبع اول . سال طبع(1430هق). عدد اجزاء (5) تحقيق: شعيب الارنوط، عادل مرشد، محمد كامل قره بللى، عبدالطيف حرز الله. ناشر: دار الرسالة العالميه.
- 8- أبو عيسى ؛ محمد بن عيسى بن سؤرة بن موسى بن الضحاك، الترمذي م(279ه). سنن الترمذى. طبع دوم . سال طبع (1395هق) عدد اجزاء (5). ناشر شركة مكتبه و مطبعه مصطفى البابى الحلبي مصر. محققين : احمد محمدشاکرج 1-2 محمد فواد عبدالباقي ج 3 وإبراهيم عطوة عوض مدرس ازهر الشريف (ج 4، 5).

- 9- ابو منصور الهروى، محمد بن احمد بن الازهرى الهروى. متوفى (370هق). تهذيب اللغة. طبع اول. سال طبع (2001م). تعداد اجزاء (8). تحقيق: محمد عوض مرعب. ناشر: دار احياء التراث العربى ، بيروت.
- 10- ابوالبقاء ،ايوب بن موسى الحسينى القريمى الكفوى الحنفى. متوفى (1094هق). الكليات معجم في المصطلحات والفروق اللغوية. طبع ( ب ت). تعداد اجزاء (1). تحقيق: عدنان درويش محمد المصرى. ناشر: موسسه الرساله ، بيروت.
- 11- ابوالحسن بن قطان، على بن محمد بن عبدالملك الكتامى الحميرى الفاسى. متوفى (628هق). بيان وهم و الابهام فى كتاب الاحكام. طبع اول . سال طبع(1418). تعداد اجزاء(6). تحقيق :دكتور حسين آيت سعيد. ناشر: دار طيبه، رياض.
- 12- ابوالقاسم الطبرانى، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي. متوفى(360ه). مسند الشاميين. طبع اول. سال طبع (1405ه). عدد اجزاء(4). ناشر: موسسه الرساله بيروت. تحقيق حمدى بن عبدالمجيد السلفى.
- 13- اليبارى، ابراهيم بن اسماعيل . متوفى (1414هق). موسوعه القرآنیه. سال طبع (1405هق). ناشر: موسسه سجل العرب.
- 14- أنير الدين الأندلسي ، أبو حيان محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان. متوفى (745هق)تحفة الأريب بما في القرآن من الغريب.. طبع اول. سال طبع(1403هق). تعداد اجزاء (1). تحقيق: سمير المجذوب. ناشر: المكتب الاسلامى.
- 15- الاسفرايينى ، ابو عوانه يعقوب بن اسحاق بن ابراهيم النيسابورى. متوفى ( 316). مستخرج ابى عوانه. طبع اول. سال طبع (1419). تعداد اجزاء ( 5). تحقيق : ايمن بن عارف الدمشقى. ناشر: دار المعرفه ، بيروت.
- 16- الالوسى ، شهاب الدين محمود بن عبدالله الحسينى. متوفى (1270ه). روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني. طبع اول. سال طبع: (1415ه). عدد اجزاء(16). ناشر: دار الكتب العلميه بيروت. تحقيق: على عبدالبارى عطيه.
- 17- اندلسى المحاربى، ابو محمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن تمام بن عطيه.متوفى(542ه). المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز. طبع اول. سال طبع(1422ه). عدد اجزاء (6) . تحقيق: عبدالسلام عبدالشافى محمد. ناشر: دارالكتب العلميه،بيروت.

- 18- أندلسي، محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان، متوفى (745هـ). البحر المحيط في التفسير. اثر الدين سال طبع(1420هـ). عدد اجزاء (10). ناشر: دار الفكر بيروت. تحقيق: صدقي محمد جميل.
- 19- الباباني، إسماعيل بن محمد أمين بن مير سليم الباباني البغدادي. متوفى (1399هـ). هدية العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين. سال طبع(1951هـ). تعداد اجزاء (2). ناشر: طبع بعناية وكالة المعارف الجليلية في مطبعتها البهية استانبول. اعاده طبع به اساس سافت: دار إحياء التراث العربي بيروت – لبنان.
- 20- البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي. متوفى(252هـ). صحيح البخاري : الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه. طبع اول. سال طبع (1422هـ). تعداد اجزاء(9). تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر. الناشر: دار طوق النجاة (ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي) .
- 21- البستي، محمد بن حبان بن احمد بن حبان بن معاذ بن معبد، ابو حاتم التميمي الدارمي . متوفى(354هـ). الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان . طبع دوم. سال طبع 1414هـ- 1993م).تعداد اجزاء(18). ترتيب: بن بلبان، امير علاء الدين بن بلبان الفارسي الحنفي. متوفى ( 739هـ). تحقيق: شعيب الارنؤوط. ناشر: مؤسسه الرساله، بيروت.
- 22- البيهقي ، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُوْجْردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: 458هـ). سنن الكبرى للبيهقي. طبع دوم. سال طبع (1424هـ). تحقيق: محمد عبد القادر عطا ، ناشر: دار الكتب العلمية، بيروت – لبنان.
- 23- البيهقي ، احمد بن الحسين بن علي بن موسى الخسروجردي الخراساني، ابوبكر. متوفى(458هـ). المدخل الى سنن الكبرى. تحقيق: د محمد ضياء الرحمن الاعظمي. ناشر: دار الخلفاء للكتاب الاسلامي، كويت. تعداد اجزاء ( 1).
- 24- تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في تفسير الكشاف للزمخشري. الزيلعي ، جمال الدين عبدالله بن يوسف بن محمد. تحقيق: عبدالله بن عبدالرحمن السعد. ناشر: دار بن خزيمة ، رياض. طبع اول. سال طبع ( 1414). تعداد اجزاء4.
- 25- التفسير الواضح. الحجازي، محمد محمود. طبع دهم. سال طبع(1413هـ). تعداد اجزاء (3). ناشر: دار الجيل الجديد، بيروت.

- 26- جرار، نبيل سعدالدين سليم. الايماء الى زوائد الامالي و الاجزاء. زوائد الأمالي والفوائد والمعاجم والمشیخات على الكتب الستة والموطأ ومسند الإمام أحمد. طبع اول سال طبع (1428هـ - 2007). ناشر: أضواء السلف.
- 27- جرجانی، علی بن محمد بن علی الزین الشریف. متوفى ( 816هـ) التعريفات.. طبع اول سال طبع (1403هـ). تعداد اجزاء ( 1). تحقيق : ضبط و صحت مجموعه از علماء به اشرف الناشر. ناشر: دار الكتب العلميه ، لبنان.
- 28- الجزائرى، جابر بن موسى بن عبدالقادر بن جابر. ابوبكر. أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير. طبع پنجم. سال طبع (1424هـق - 2003م). تعداد اجزاء (5). ناشر: مكتبة العلوم و الحكم ، مدينه منوره ، سعودی.
- 29- جمع از علماء الازهر. المنتخب من التفسير القرآن الكريم.. طبع (18). سال طبع (1416هـ ق). تعداد اجزاء (1). ناشر: مجلس الأعلى للشئون الإسلامية - مصر، طبع مؤسسة اهرام. ص 736.
- 30- جهيد ، عبدالواحد. عقايد اسلامي ، طبع اول. سال طبع (1394). تعداد اجزاء (4) در دو مجلد. ناشر: انتشارات حامد رسالت ، كابل ج 2، ص 442.
- 31- الحافظ المزی ، جمال الدين ابوالحجاج يوسف بن عبدالرحمن. متوفى (742هـق). تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف ، تحقيق: عبدالصمد شرف الدين. ناشر: المكتب الاسلامی ، والدار القيمة. طبع دوم. سال طبع (1403هـق - 1983م). تعداد اجزاء (13).
- 32- الحاكم، ابو عبدالله الحاكم محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري. متوفى (405هـق). المستدرک على الصحيحين. طبع اول. سال طبع (1411هـق - 1990م). تعداد اجزاء (4). تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا. ناشر: دار الكتب العلميه ، بيروت.
- 33- خرمدل، مصطفى. تفسير نور، توسط سايت نوار اسلام ترتيب شده است . [www.IslamTape.Com](http://www.IslamTape.Com). در ذیل آیه 62سوره صافات نگاشته است.
- 34- الداوودی ، محمدبن علی بن احمد، شمس الدين الداوودی المالکی. متوفى (945هـ). طبقات المفسرين. طبع ( ب- ت). تعداد اجزاء (2). ناشر: دار الكتب العلميه، بيروت.

- 35- دروزة محمد عزت. تفسير الحديث ( مرتب حسب ترتيب النزول). طبع (ب ت). سال طبع (1373هـ). ناشر: دار احياء الكتب العربية، القاهرة.
- 36- دمشقى، ابو الفداء اسماعيل بن عمر بن كثير القرشى البصرى. متوفى(774هـ). تفسير قرآن العظيم، طبع دوم. سال طبع (1420هـ). عدد اجزاء (8). تحقيق: سامى بن محمد سلامة. ناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع.
- 37- الذهبى ، شمس الدين ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قايماز. متوفى (748هـ). سير اعلام النبلاء. سال طبع ( 1427 هـ – 2006). تعداد اجزاء ( 18). ناشر: دار الحديث ، القاهرة.
- 38- الرازى ، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي خطيب الري. متوفى (606هـ). مفاتيح الغيب فخر الرازى. طبع سوم. سال طبع (1420هـ). اجزاء : (32). ناشر: دار إحياء التراث العربي – بيروت.
- 39- الراغب ، ابوالقاسم الحسين بن محمد بن المفضل اصفهانى متوفى(502هـ). المفردات فى غريب القرآن. طبع: اول. سال طبع (1412). تعداد اجزاء(1). تحقيق : صفوان عدنان الداودى. ناشر: دارلقلم، الدار الشاميه، دمشق بيروت.
- 40- الزبيدي ، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، ملقب به مرتضى. تاج العروس من جواهر القاموس. طبع (ب ت). تعداد اجزاء(35). تحقيق: مجموعة محققين. ناشر: دار الهداية.
- 41- الزحيلي،دكتور وهبه بن مصطفى. التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج. طبع دوم. سال طبع (1418هـ). عدد اجزاء(30). ناشر: دار الفكر المعاصر، دمشق.
- 42- الزرقانى ، محمد عبد العظيم (المتوفى: 1367هـ). مناهل العرفان في علوم القرآن. طبع اول. سال طبع ( 1996هـ). تعداد اجزاء ( 2). تحقيق: مكتب بحوث و الدراسات. ناشر: دار الفكر، بيروت.
- 43- زركشى ، ابو عبدالله بدر الدين محمد بن عبدالله بن بهادر. متوفى (794هـ). البرهان في علوم القرآن. طبع اول. سال طبع ( 1376هـ). تعداد اجزاء ( 4). تحقيق: محمد ابو الفضل ابراهيم. ناشر: دار احياء الكتب العربية عيسى البابى الحلبي و شركائه.
- 44- زركلى ، خيرالدين بن محمود بن محمد بن على بن فارس، الدمشقى. متوفى (1396هـ). الاعلام. طبع پنجم. سال طبع ( 2002م). ناشر: دار العلم للملايين.

- 45- سيدقطب، ابراهيم حسين الشاربي.متوفى(1380هـ). فى ظلال القرآن. طبع(14).  
سال طبع (1412هـ). ناشر: دار الشروق بيروت قاهره.
- 46- السيوطى ، عبدالرحمن بن ابى بكر جلال الدين.متوفى(911هـ).الدرالمنثور فى  
التفسيربالمأثور. عدد اجزاء (8).طبع : ب ت. ناشر: دارالفكر بيروت.
- 47- السيوطى ، عبدالرحمن بن ابى بكر، جلال الدين. متوفى (911هـ). الاتقان فى علوم  
القرآن. طبع اول. سال طبع ( 1394هـ). تعداد اجزاء (4).تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم.  
ناشر: الهيئه المصريه العامه للكتاب.
- 48- السيوطى ، عبدالرحمن بن ابى بكر،جلال الدين.متوفى ( 911هـ). مرصد المطالع  
فى تناسب المقاطع والمطالع - بحث فى العلاقات بين مطالع سور القرآن وخواتيمها. طبع  
اول. سال طبع (1426هـ). عدد اجزاء (1). ناشر: مكتبة دار المنهاج للنشر والتوزيع،  
الرياض - المملكة العربية السعودية. اتمام كتاب : د عبدالمحسن بن عبدالعزيز العسكر.
- 49- السيوطى، عبد الرحمن بن أبى بكر، جلال الدين. متوفى (911هـ). طبقات  
المفسرين العشرين. طبع اول. سال طبع(1396هـ). تعداد اجزاء(1). ناشر: مكتبه وهبه،  
قاهره.
- 50- السيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر.متوفى(911هـ).الدرالمنثور فى التفسير  
بالمأثور. طبع (ب ت). تعداد اجزاء(8).ناشر: دارالفكر- بيروت.
- 51- شجرى، مرشد بالله ،يحيى بن حسين بن اسماعيل بن زيد الحسنى الشجرى الجرجانى.  
متوفى (499هـ).ترتيب الأمالي الخميسية . طبع اول. سال طبع (1422هـ-2001م).  
تعداد اجزاء(2). ترتيب: قاضى محى الدين محمد بن احمد القرشى  
العبشمى.متوفى(610هـ). تحقيق: محمد حسن اسماعيل. ناشر: دار الكتب العلميه، بيروت،  
لبنان.
- 52- الشوكانى، محمد بن على بن محمد بن عبدالله الشوكانى اليمنى. متوفى  
(1250هـ).فتح القدير. طبع اول. سال طبع (1414هـ). ناشر: دار ابن كثير، دار الكلم  
الطيب،دمشق، بيروت لبنان.
- 53- الشيبانى، ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل. متوفى(241هـ). مسند الامام احمد بن  
حنبل. طبع اول. سال طبع( 1421هـ). عدد اجزاء (45). ناشر: موسسه الرساله. تحقيق :

- شعيب الارنوط – عادل مرشد - و دیگران به اشراف: دكتور عبدالله بن عبدالمحسن التركي.
- 54- شيخ محمد اكرام الدين ، بدخشاني.حاشيه و تعليق : معتصم بالله اكرامى.ازهر البيان فى تفسير كلام الرحمن فارسى. طبع پنجم. سال طبع (1397هش).عدد اجزاء (8). ناشر مكتبه اسلاميه، لاهور.
- 55- الصابونى، محمد على.روائع البيان تفسير آيات الأحكام. طبع سوم. سال طبع (1400هق- 1980م). تعداد اجزاء(2). ناشر: مكتبه الغزالى-دمشق، مؤسسه مناهل العرفان- بيروت.
- 56- الصفدى، صلاح الدين خليل بن ابيك ، متوفى ( 764هق).تصحیح التصحيف و تحرير التحريف. طبع اول. سال طبع (1407هق – 1987م).تعداد اجزاء(1).تحقيق، تعليق و ترتيب فهرست: السيد الشرفاوى. مراجعه: دكتور رمضان عبدالنواب. ناشر: مكتبه الخانجى ،القاهره.
- 57- صنعانى، ابوبكر عبدالرزاق بن همام . مصنف عبدالرزاق. تحقيق: حبيب الرحمن الاعظمى . ناشر: مكتبه اسلاميه بيروت. طبع دوم. سال طبع ( 1403).تعداد اجزاء (11). ج8، ص469.
- 58- الصوفى ،عبد القادر بن محمد عطا. المفيد في مهمات التوحيد. طبع اول.سال طبع(1422- 1423هق). تعدا اجزاء(1). ناشر: دار الاعلام.
- 59- الطبرى، ابوجعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الاملى، متوفى(310هق).جامع البيان في تأويل القرآن. طبع اول . سال طبع (1420هق- 2000م). تعداد اجزاء(24). تحقيق: احمد محمد شاکر. ناشر: مؤسسه الرساله.
- 60- طنطاوى، محمد سيد. التفسير الوسيط للقرآن الكريم . طبع اول.سال طبع (1998م)عدد اجزاء (15). ناشر: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة – القاهرة.
- 61- العانى ، عبدالقادر بن ملا حويش السيد محمود آل غازى. متوفى( 1398هق).بيان المعاني (مرتب حسب ترتيب النزول). طبع اول. سال طبع ( 1382هق-1965م). ناشر: مطبه الترقى، دمشق.

- 62- العتيبي الاشقرى، عمر بن سليمان بن عبدالله. القيامة الكبرى. ناشر: طبع ششم. سال طبع (1415). تعداد اجزاء (1). دار النفائس للنشر و التوزيع، اردن.
- 63- غزالي، ابو حامد محمد بن محمد الطوسى. متوفى (505). احياء علوم الدين. سال طبع (بت). عدد اجزاء (4). ناشر دار المعرفة، بيروت، لبنان.
- 64- قرطبي، ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابى بكر بن فرح الانصارى الخزرى شمس الدين. متوفى (671ه). الجامع لاحكام القرآن. سال طبع (1423ه). تحقيق هشام سمير البخارى. ناشر: دار عالم الكتب، رياض، عربستان سعودى.
- 65- قرطبي، ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابى بكر بن فرح؛ شمس الدين. متوفى (671). التذكرة باحوال الموتى و امور الاخره. طبع اول. سال طبع (1425). عدد اجزاء (1). تحقيق: الادق بن محمد بن ابراهيم. ناشر: مكتبة دار المنهاج للنشر و التوزيع، الرياض.
- 66- قرعاوى، سليمان بن صالح، دراسات فى تفسير الموضوعى. طبع دوم. سال طبع (1430). تعداد اجزاء (1). ص 27.
- 67- محاسن التأويل (تفسير القاسمى). القاسمى، محمد جمال الدين بن محمد سعيد بن قاسم الحلاق القاسمى. متوفى (1332 هـ). طبع اول. سال طبع (1418 هـ). تحقيق: محمد باسل عيون السود. ناشر: دار الكتب العلميه، بيروت.
- 68- محاضرات فى علوم الحديث. الفحل، دكتور ماهرياسين. برگرفته شده از مكتبه شامله. محاضره چهارم، ص 12.
- 69- المدنى، مالك بن انس الاصبجى. متوفى (179). موطأ الإمام مالك. سال طبع (1412 هـ). تعداد اجزاء (2). تحقيق: بشار عواد معروف - محمود خليل. ناشر: مؤسسة الرسالة.

مراجع ذكر شده در پاورقى

- 70- المراغى، احمد مصطفى. متوفى (1371 هـ). تفسير المراغى. طبع اول. سال طبع (1365 هـ - 1946 م). تعداد اجزاء (30). ناشر: شركة مكتبه و مطبة مصطفى البابى الحلبي و اولاده بمصر.



- 71- المرسي ، ابو الحسن على بن اسماعيل بن سيده. متوفى (458هق). المحكم والمحيط الأعظم. طبع اول. سال طبع(1421هق-2000م).تعداد اجزاء(11) با فهرست. تحقيق: عبدالحميد هنداوى. ناشر: دار الكتب العلميه ، بيروت.
- 72- مسلم ، مصطفى. مباحث فى تفسير الموضوعى ، طبع اول.سال طبع (1430ه-2009م). ناشر: دار التدميره ، رياض.
- 73- مسلم بن حجاج ابو الحسين.متوفى(261ه). صحيح مسلم. القشيري النيشاپورى، طبع (ب ت).تعداد اجزاء (5). تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي. ناشر: دار الحياء التراث العربى بيروت.
- 74- المصرى ، محمد بن مكرم بن منظور الافريقى. لسان العرب، طبع اول.سال طبع (ب ت).تعداد اجزاء(15). ناشر: دار صادر،بيروت.
- 75- المطرزي، ابو الفتح ناصرالدين بن عبدالسيد بن على بن مطرز.المغرب في ترتيب المغرب. طبع اول. سال طبع (1979هق).تعداد اجزاء(2).تحقيق: محمود فاخورى،و عبدالحميد مختار. ناشر: مكتبه اسامه بن زيد، حلب.
- 76- معجم المعانى ، پروگرام سافت وير اراء شده براى كمبيوتر و تلفون.
- 77- المغراوى، ابوسهل محمد بن عبدالرحمن.موسوعة مواقف السلف في العقيدة والمنهج والتربية طبع اول. طبع (ب - ت). تعداد اجزاء (10). ناشر: المكتبة الإسلامية للنشر والتوزيع، القاهرة - مصر، النبلاء للكتاب، مراکش - المغرب.
- 78- مهذب ، أبو أحمد. الصيد الثمين في أحكام اليمين. از بخش كتاب هاى ورد مكتبه شامله. بدون بيان محل چاپ و طبع.
- 79- نخبة من العلماء.كتاب أصول الإيمان في ضوء الكتاب والسنة. طبع اول . سال طبع ( 1421). عدد اجزاء (1). ناشر: وزارت شؤون اسلامى و اوقاف و دعوت ارشاد، مملكت سعودى عربى.
- 80- الندوى ، راشد حسين. فقه ميسر ترجمه فارس . ترجمه: عبدالروف مخلص- سيد جمال الدين هروى. طبع دوم. سال طبع (1396هش). تعداد اجزاء (2). ناشر: شيخ الاسلام احمد جام. ج 2، ص 89.

- 81- النسائي ، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب بن على الخراسانى ، متوفى (303).سنن الكبرا ، طبع اول. سال طبع ( 1421). تعداد اجزاء ( 10). تحقيق: حسن عبدالمنعم شلبي ، ناشر:موسسه الرساله بيروت .
- 82- النووى، ابو زكريا، يحيى بن شرف بن مري.تحرير ألفاظ التنبيه. طبع اول. سال طبع(1408هق). تعداد اجزاء (1). تحقيق: عبدالغنى الدقر. ناشر: دار القلم- دمشق.
- 83- النيشاپورى، ابى الحسن على الواحدى.متوفى (468ه). اسباب نزول آيات. سال طبع (1388ه). ناشر:موسسه الحلبى و شركاه للنشر والتوزيع.
- 84- الهيثمى ، نورالدين على بن ابى بكر .متوفى (807هق). مجمع زوائد و منبع فوائد. سال طبع ( 1412). تعداد اجزاء (10). بتحرير الحافظين الجليلين : العراقي وابن الحجر. ناشر: دار الكتب العلمية بيروت – لبنان.

## **Abstract**

Thematic interpretation of Surah Al-Waqi'ah talks about one of the most important issues, which is resurrection. As Muslims and non-Muslims have many questions about the issue of resurrection in their minds, especially non-Muslims who rebuff the resurrection and consider it unreasonable, and completely untrue and baseless, it has discussed it in detail, especially the research which I have done with tireless effort, has explored all the issues discussed in Surah Al-Waqi'ah academically. I have obtained the considerable results for my academic improvement and the means of understanding for the questioners.

### **The Structure of This Research is as below:**

Introduction: The objective and topics of this surah are discussed in detail as below: Surah Al-Waqi'ah is divided into five parts. Firstly, it talks about the occurrence of resurrection. Secondly, it talks about the three groups of people, the two groups of which will go to heaven and the third group will eventually be thrown into hell. This Surah satisfies the people who consider the resurrection impossible and deny it arrogantly or out of ignorance, with rational and psychic reasons, and makes the issue clearer by bringing four strong reasons that human beings always deal with. The first reason is the creation of a person himself/herself from what he was created and who played a role in their creation. The second reason is the cultivation that man sows the dried seeds in the ground, and it is someone else that makes it grow. The third reason is the fall of water, which falls from the clouds and humans, animals and plants use it and solve their problems. The fourth reason is the fire to which all human progress belongs and is a good means of making all the affairs of human life easy; this fire is made from the green tree that man has no role in the creation of it. These four reasons are

clarifying that as a human being, you have no role in creating these elements of your life which are so useful in your life, so think about the issue of resurrection and believe in it since who created you and fire, water and grass informs you of the resurrection and addresses you with the true words, so you should be satisfied by it and accept it, and believe in the oneness of Allah Almighty. At the end of Surah, in order to better make human beings careful, the surah states the reasons for time of passing away that human beings are divided into three groups in this world as they will be resurrected on the Day of Resurrection, and this method will be practiced even during breathing your last. A person who does not believe in the resurrection and the hereafter should take advice from the state of dying, because despite the fact that when he/she closes his/her eyes, he think he/she may have extraordinary military power, or he may have great wealth and money, or great popular power and supporters to rescue him/her from the death, but when the death comes to him, no one can stop it, and no one can save him from this state even for a moment. So, we return to the second verse of Surah in which Allah Almighty says: { لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَذِبَةٌ } ( Al-Waqi'ah, 2) Translation: And there can be no denying of its befalling. At the end of the surah, by encouraging to glorify Allah Almighty, he calls everyone to accept the resurrection, and wraps up the discussion with this verse, { فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ } Translation: Therefore, glorify the name of your Lord, the Incomparably Great. (Al-Waqi'ah, 96) After that a few suggestions for solving the problem are presented, and the list of verses used in this research has been included, as well as the list of Hadiths and the list of celebrities, and the relevant references are included. And the discussion ends in this way. May Allah Almighty make this thesis blessing and useful for me and for all the readers!

**Key Terms:** Interpretation, Thematic, Resurrection, Reality, Monotheism.



Salam University  
Faculty of Sharia & Law  
Master's Program in Tafsir & Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan  
Ministry of Higher Education  
DM of Academic Affairs

## Thematic Interpretation of Surah Al-Waqi'ah Master's Thesis

Student by: Mohammad Nazeer "furqani"

Supervisor: Pro. Dr. Mohammad Ismael "Labib, Balkhi"

Year: 2020



Salam University  
Faculty of Sharia & Law  
Master's Program in Tafsir & Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan  
Ministry of Higher Education  
DM of Academic Affairs

Thematic Interpretation of Surah Al-Waqi'ah  
Master's Thesis

Student by : Mohammad Nazeer "furqani"

Supervisor: Pro. Dr. Mohammad Ismael "Labib, Balkhi"

Year: 2020